فیلم و هنر

شماره ۳۳۶ - ۱۷ خرداد ۱۳۵۲ - ۱۵ ریال





سیگار و هنرمندان!

از: شاهپور منصف

٭از توتون آغاز می‌کنیم یعنی ماده اصلی سیگار و رکن اساسی دخانیات که پس از رواج در آمریکا ، رفته‌رفته به‌کشورهای آسیائی و اروپائی نیز راه پیدا کرد و اکنون اهمیت بسزائی یافته‌است!

مسئله استفاده از توتون ، اینطور که تحقیقات نشان‌داده‌است ابتدا از جانب سرخ‌پوستان آمریکا مورد استقبال قرار گرفت و پس از چندی، شخصی بنام «ژان نیکوت»، در تماسی که با سرخ‌پوستان آمریکا داشت، نظرش به‌توتون جلب گردید و مصمم شد تا آنرا رواج دهد و «ژان نیکوت» پس از آنکه در سال ۱۵۵۶ بمقام سفیر فرانسه در لیسبن نائل گشت تخم توتون را که از آمریکا آورده بود برای ملکه فرانسه «کاترین دومدیسی» هدیه برد و با مورد توجه واقع‌شدن آن از جانب «کاترین دومدیسی»، «ژان نیکوت» با تسهیلات هرچه بیشتر به کشت واستفاده از توتون در فرانسه پرداخت و مردم را نیز به این امر تشویق کرد.

و اما پس از فرانسه، پرتقالی ها نیز به‌کشت و زرع توتون علاقه نشان دادند وسپس توجه اسپانیائی‌ها به‌سوی توتون معطوف‌شد و متعاقب اسپانیا، خصوصیات توتون به‌انگلیس رسید و در انگستان هم توتون‌کاری ، رایج‌شد و بهمچنین کشورهای آسیائی یکی پس از دیگری به‌توتون‌کشت و بهره‌برداری از آن‌روی شان‌دادند و البته همزمان با این توسعه توتون، مالیات بر برگ توتون و چیزهای مربوطه روبه‌فزونی یافت و بمرور زمان این مالیات از درآمدهای روزافزون دولت‌های تولیدکننده توتون گردید و اما توتون چگونه به‌ایران راه یافت؟

ـ زمانیکه پرتقالی ها به‌جنوب‌کشور ایران حمله‌ور شدند و جزیره هرمز را تصرف‌کردند توتون و تنباکو به این مرز و بوم‌راه یافت و باین ترتیب پرتقالی‌ها که خود بعد از فرانسوی‌ها، به توتون واستفاده‌از آن روی کرده بودند، توتون‌را در ایران رواج‌دادند و به‌جهت مساعدبودن‌زمین برای کشت توتون، روز بروز کار و بار توتون‌کاری در این‌کشور بیشتر بالا گرفت و بصورت‌یکی از منابع‌درآمد، جلوه‌گر شد و بخصوص که‌طعم‌وعطر و خاصیت سوزندگی وظرافت برگ بعض از انواع توتون نقاط ایران ومنجمله توتون مناطق‌گیلان‌و مازندران‌و گرگان ، بسیار مورد اهمیت قرارگرفت و با توتونی که در رضائیه وخوی‌وسراب‌و نیز نقاطی ازکردستان کشت‌شود، بنوعی می تواند باتوتون های مورد توجه‌مردم سراسر دنیارقابت کند

پس از این مقدمه‌چینی‌ها و حرفهائی که‌درباره‌توتون‌زدیم، لازم‌است بگوئیم که‌بعداز یکسری کارهای‌جورواجور که با برگ توتون انجام میدهند و سرانجام نیز مدت زمانی‌چند هر نوع برگ توتون در انبارهائی مخصوص

باشم که بتوانم کار با ارزشی‌هم بکنم.

بقول آقای ملك‌مطیعی وقتی یك‌بازیگرخودش تصمیم میگیرد که‌درهر فیلمی بازی نکند وفقط پیشنهاد فیلمهای با ارزش‌را بپذیرد ، بلافاصله این شایعه را برایش میسازند که گویا دیگر کاری باو پیشنهاد نمی‌شود.

● **پروژه هائی‌که فکر میکنی بیشتر شانس‌تهیه دارند کدامهاست ؟**

مختار ــ یك‌قصه‌خیلی‌خوب از «بهمن مقصودلو» هست که خودش‌هم کارگردانی خواهد کرد وخوشبختانه تهیه کننده‌جوانی‌هم حاضر به‌تهیه آن‌شده‌است‌وانشاءاله ظرف دوسه هفته آینده جلوی دوربین‌خواهدرفت . اسم‌این‌فیلم فعلا «یك‌قطره ازموج» است که‌من امیدزیادی به‌موفقیت آن‌دارم .

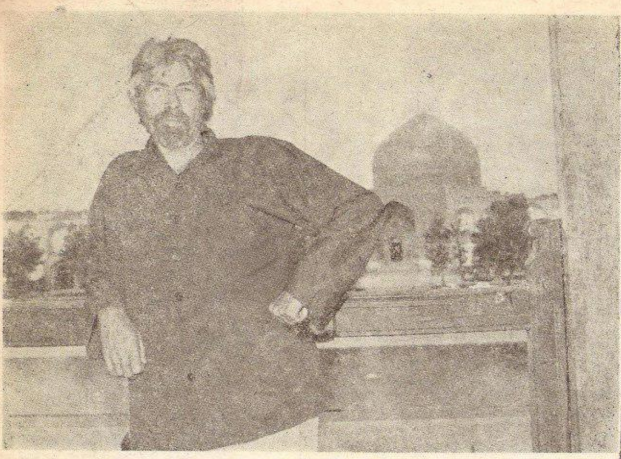
مذاکراتی‌هم باشرکت‌سینما تئاتررکس بعمل آمده که فیلمی باشرکت آقای‌انتظامی‌ومن‌ساخته شود که‌آنراهم یك فیلمساز تازه نفس وتحصیل کرده خواهدساخت کارگردان این فیلم فعلا مشغول تهیه سناریوی آن است که فکر می کنم تاچند روز دیگر آماده شود .

علاوه براین اینروزها به تشویق دوست‌عزیزم‌بهروز وثوقی درپی‌انتخاب‌سناریوی‌خیلی‌محکم وقرصی‌هستیم که من‌وبهروز باهم بازی کنیم .

همچنین آقای «شروان» سناریوی خوبی‌دارد که می‌خواهد باناصر ملك مطیعی ومن بسازد. ضمنا مدتی‌است که آقای«فخامی» کارگردان تحصیلکرده فرهنك وهنر سناریوئی‌ازروی‌نمایش‌نامه معروف «افول» اثراکبررادی تهیه‌کرده ومقدمات آن دروزارت فرهنك‌وهنرطی‌میشود که احتمالا باهمکاری‌آنها ویك تهیه‌کننده دیگر ، باشرکت من و انتظامی ساخته شود .

● **باتشکر ازاینکه مدت درازی ازوقت خودت را به مجله فیلم وهنر دادی، به این گفت‌وگوخاتمه میدهم**

مختار ــ خیلی‌ممنون‌هستم.



جیمز کابرن درایران فیلم میسازد

● پس ازپیرپائولو‌ــ پازولینی فیلمساز مشهور ایتالیائی‌وجوزف‌لوزی‌فیلمساز بزرك‌آمریکائی امروزجیمز کابرن آکتورآمریکائی‌وارد اصفهان شد وبه این ترتیب میتوان اصفهان را میعادگاه بزرگان سینما نامید.

ساعت چهار بعد ازظهر بود اتوموبیلی جلوکاخ‌عالی قاپو ایستاد ازآن دونفرپیاده شدنداولی‌رانشناختم‌ولی‌دومی جز «جیمز کابرن» فلینت مشهورسینماکس‌دیگری‌نبود. خوشحال شدم از اینکه یکی ازهنرپیشه‌های‌بزرك‌آمریکائی ازکشور ایران دیدن میکنند. از راهنمای‌آنها پرسیدم اون آقائی‌که همراه جیمز کابرن است کیست ؟

گفت آقای «ویلیامز» مدیرکمپانی فوکس‌قرن‌بیستم است که همراه جیمز کابرن به‌اصفهان آمده است‌پرسیدم اگربخواهم باکابرن صحبت کنم اشکالی‌دارد؟ گفت‌نه‌ولی زیاد صحبت‌نکنید قبول کردم ومنتظرشدم تاواردکاخ‌عالی‌ــ قاپو شدند.

من‌پیش‌رفته‌وازاوسئوال کردم :

ــ آقای کابرن‌شمابرای چه به‌اصفهان آمده‌اید؟

کابرن ــ من باآقای ویلیامزمدیر کمپانی فوکس قرن بیستم به‌ایران آمده‌ایم.

ــ میدانم‌منظورم‌این‌بود که برای چه‌کاری به‌اصفهان آمده‌اید؟ برای تفریح‌یا کار دیگری؟

کابرن ــ من و آقای ویلیامز برای تحقیق‌پیرامون امکانات فیلمبرداری به‌ایران آمده‌ایم.

ــ آقای کابرن تصمیم نداریددرایران‌فیلمی‌بازی‌کنید

کابرن ــ فعلا چنین تصمیمی نگرفته‌ام

ــ آقای کابرن بعد از اصفهان‌تصمیم‌دارید‌به کجابروید

کابرن ــ میخواهم از شیرازنیز دیدن‌کنم‌چون‌خیلی راجع به زیبائی های آن شنیده‌ام .

ــ از اینکه مزاحمتان شدم معذرت میخواهم.

کابرن ــ خواهش‌میکنم

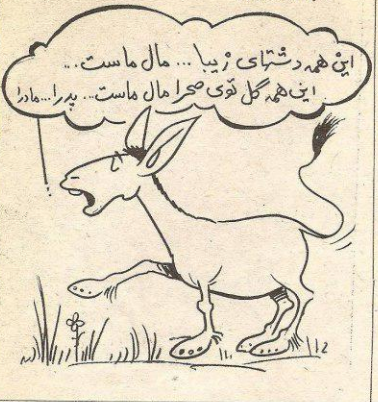
ــ موفق‌باشید.

وبه این‌ترتیب گفتگوی کوتاه‌خودرا بااوپایان‌میدهم .

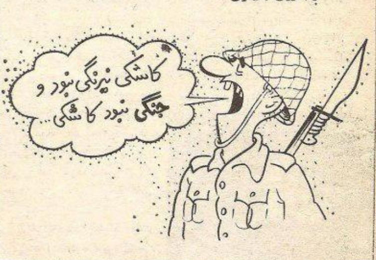
با آهنگ : عهدیه



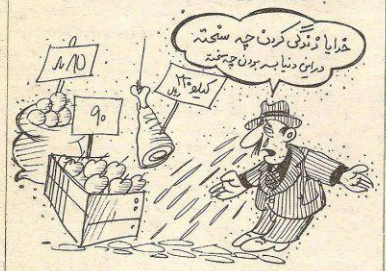
با آهنگ : وفا



با آهنگ : عارف



با آهنگ : عارف



با آهنگ : عهدیه



با آهنگ :فیروزه

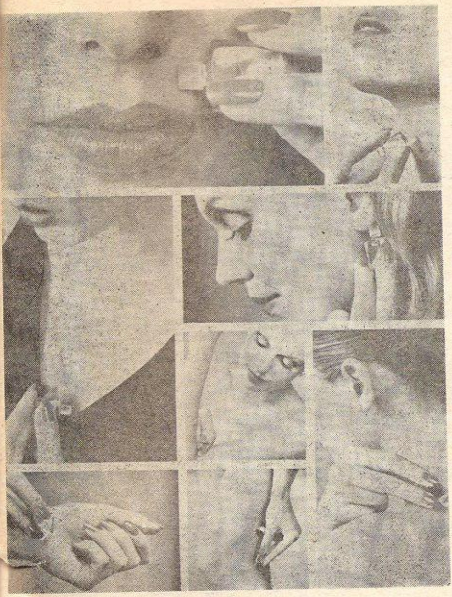




● کاترین‌دو نوو طرفدار جدی عطر شانل شماره ۱۹ هست



● کلودیا کاردنیاله طرفدار عطر فدمه‌است



● عطر دجتما برای سوفیالورن شانس می آورد!



● خیال نکنید که‌هنرمندان سینما ، فقط به‌رقص و پارتی، و مشروب و از اینجور حرفها ممکن است اعتیاد داشته باشند عده‌ای از ستارگان معروف سینمای جهان و حتی سینمای خودمان هستند که به عطرهم اعتیاد دارند. بله. تعجب نکنید.

گروهی از این ستارگان خوشگل وزیبارو حاضرند که مثلا لباسهای آخرین مدل نپوشند ، اما شیشه‌عطرشان را از خوددور نمیکنند . بهر حال رپورتاژ کوچولوئی که از مجله اشترن برایتان ترجمه کرده‌ایم، بازگو کننده‌علاقه شدید ستارگان‌زن به عطرمی باشد که‌اززبان «کاترین دونو» خوشگل خوشگلای سینمامی‌شنوید .

کاترین دونو در جواب خبرنگار اشترن‌میگوید: من‌در زندگیم‌اول عاشق عطر وبعدعاشق مارچلوماسترویانی هستم!

من تصور میکنم که عطر برای یك‌زن‌همانقدر مهم‌است که یك‌لبخند اهمیت دارد.

عطر برای من شیئی لوکس است، درضمن باید اقرار کنم که من عطر را صرفا بخاطر این مصرف نمیکنم که توجه مردی را بخود جلب کنم، بلکه من به‌عطر معتاد هستم‌و بدون آن درهر کجا که باشم مثل اینست که چیزی را گم کرده‌ام .

اما نمیشود منکر آن شد که اصولا عطر درمردان نقش مهمی را ایفامیکند.

بگذارید برایتان ماجرائی را تعریف کنم: یکروز که یك کارگردان مشهور سینما برای مذاکره‌درباره‌فیلمش‌به ویلای‌من آمده بود، صحبتش راقطع کردم وپرسیدم آیا میل بقهوه‌دارد؟

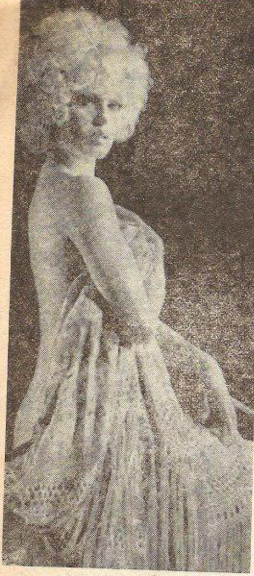
جواب داد بلی، من زنك زدم ومستخدمه منزل‌من واردشد، او رفت وباردیگر باقهوه آمدمن

اعتیاد به عطر!

● کاترین‌دو نو و :من اول عاشق عطر و بعد عاشق مارچلو ماسترو یانی هستم !

● مستخدم کاترین دو نو و بخاطر عطر خوشبو هنر پیشه سینما شد !

● هنرمندان معروف سینما چه نوع عطری معروف می کنند ؟



● عطر «جوی» سالهاست که موردمصرف بریژیت باردو است
● «کاساکوهه» مارك عطر دلخواه الیزابت تایلور است



متوجه شدم که کارگردان ناگهان بفکر فرورفت وپس از مدتی سر بلند کردو گفت عجب عطر ملایمی ؟

● شاید باور نکنید که مستخدمه جوان‌من اکنون‌مشغول بازی درسومین فیلم‌خود میباشد. و این را مدیون یك قطره عطر میباشد .

البته‌خریدن‌عطر کافی نیست، تك‌زن‌باید بداند که چگونه‌عطر مصرف کند، زیرا که استفاده از عطر کاری آسان نیست گاهی اوقات فقط یك قطره‌عطر کافی است که جنجالی‌راسبب شود.

مثلا میدانستید که عطر بروی‌هر بدنی یك‌بوئی‌دیگر‌دارد و بخاطر اینموضوع فقط آگاهی وحس شامئه یك‌زن‌است که مقدار عطر را تعیین میکند وباوهشدار میدهد که برای‌پوست سفید‌یاسبزه یاقهوه‌ای‌هر کدام‌یك‌عطر بخصوص لازم است.

مثلا وقتی یکـزن علاقمند است که برای‌خودش عطری‌مناسب پیداکند ، نباید بهیچوجه در خریدن عطر عجله بخرج دهد.

همیشه باید از محلی عطر بخرد که فروشندگان در فروش جنس عجله نکنند، وفرصت کافی بدهند تاخریدار دقیق فکرهایش را بکند .

موقع‌امتحان باید یك قطر ‌ه‌عطر‌رابروی پوست مالید وصبر کردتا‌بوی عطر‌خودبخود در هوا پخش شود ، نه اینکه" محل عطر زده را نزدیك بینی ببرند.

هیچگاه نباید در یك جلسه خرید‌بیش از ۵ نوع‌عطر‌را امتحان کرد" واگر ازمحلی خریدمیکنید نه شما را نمیشناسند ، خواهش کنید که مقداری از آن‌عطر را برای امتحان درمنزل دراختیار شمابگذارند. وسعی کنید که عطر بیش‌ازیکسال‌نمانده‌باشد زیرا که پس از گذشت ماهها بر اثر باز و بسته کردن شیشه عطرخصوصیات اولیه‌خودرا تقریبا ازدست میدهد. البته‌باید اضافه کردکه عطرهای دربسته وبازنشده شامل این امر نمیشوند.

در ضمن‌اگر خانمی فقط از یك عطر استفاده میکند، بهتر است پس از اتمام شیشه عطر هیچگاه آن را دور نیاندازد ، بلکه‌شیشه خالی را میان‌لباسهای داخل کمد بگذارد .

از خانم کاترین دونو میپرسم، شما چه‌نوع عطر مصرف میکنید .

میگوید: من طرفدار جدی عطر شانل شماره ۵ بودم ، ولی درحال حاضر ازعطرمعروف شانل شماره ۱۹ مصرف‌میکنم.

باو می گوئیم « خانم دونو» آیا میدانید که دوستانتان چه نوع عطری مصرف میکنند؛

این سئوال مشکلی‌است، تا آنجاکه اکنون بخاطر میآورم ، این ستارگان از اینوع عطرها استفاده میکنند،

اورسولا اندرس‌عطر «شامادە»

خانم‌هیلده گاردنف هنرپیشه سینما و خواننده‌عطر «کابوچارد»

کلودیا کاردیناله عطر «فدمه»

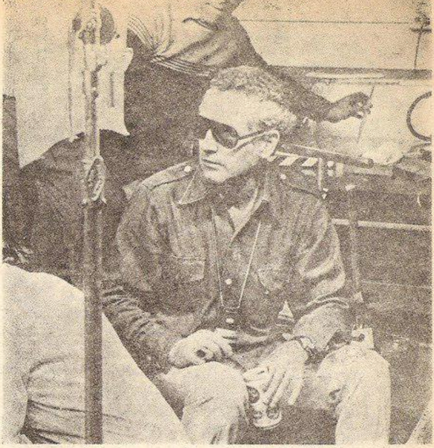
سوفیالورن عطر «دجتما»

الیزابت تیلور عطر «کاساکوهه»

بریژیت باردوهنرپیشه سینما عطر «جوی»



● اورسولا آندرس بعد از عطرهای متفاوت، عطر «شامادە» راانتخاب کرده است



«پل نیومن» درکنار دوربین درفاصله دوصحنه از فیلم برداری فیلم سوخته خود

بمناسبت موفقیت «جووان وودوارد» در فستیوال کان

پل نیومن درباره آخرین فیلمش «تاثیر اشعه گاما بر گلهای همیشه بهار» حرف میزند:

من دوست دارم فیلم هائی درباره زنها بسازم

● این دومین باری است که پل نیومن، همسرش «جووان ـ وودوارد» را در فیلمـی رهبری می کند. بار اول فیلم «راشل، راشل» اولین فیلم نیومن بود که «جووان» درآن نقش یك معلم تنها را در یك شهر کوچك غم انگیز بسازی کرد وحالا دومین فیلم «تاثیر اشعه گاما..» جووان را در بیست وششمین دوره فستیوال کان برنده جایزه بهترین آکتریس سال کرد.

پل نیومن تاکنون سه فیلم کارگردانی کرده است. وقتی برای اولین بار نیومن بفکر کارگردانی فیلم افتاد، دریافت که میخواهد فیلم هائی درباره زنها بسازد.

نیومن با داشتن آکتریس توانا وقابلی چون «جووان» که همسرش نیز هست، دیگر مجبور نبود زیاد بدنبال ستاره و آکتریس دیگری برود.

اولین فیلمش «راشل، راشل» موفقیت زیادی در بـرداشت و جوائز بزرگی نصیب او ساخت. بازی جووان در این فیلم یـك امتیاز قابل توجه برای فیلم به وجود آورد.

این فیلم قصه تنهائی یك زن بود

«جووان وودوارد» در سومین فیلم نیومن به نقش «بئاتریس» یك بیوه زن چهل ساله ظاهر شده که احساس می کند، زندگی او را پشت سر گذاشته ویك جـور تلخی چون اشعه گاما روی زندگی دو دختر جوان ونوبلوغ او تاثیر گذاشته و ضربه ای بر پیکر آنها فرود آورده، همچنان که زندگی خودش، او را بزانو درآورده است.

یکی از دختران بئاتریس که اسمش «ماتیلدا» است توسط دختر بزرك پل نیومن باسم «نل» بازی میشود.

این دختر سیزده ساله است و در تیتراژ فیلم با نـام «نل پاتز» معرفی میگردد.

جووان درمورد نقش خود در این فیلم می گوید:

«نقش بئاتریس را فکـر نمیکردم من بازی بکنم. این ایده نیومن بود او میگفت این نقش را فقط تو باید بازی بکنی واو بود که اصرار داشت این فیلم را بسازیم بعداز این که نمایشنامه «پـل ـ زیندل» را در نیویورك دید، چند روز بعدش بفکر این افتاد کـه از روی آن فیلم سوم خودرا بسازد. با آن جهت حقوق تهیه فیلم را از روی آن خرید. ابتدا فکر میکرد من نمی توانـم این نقش را بازی کنم اما پل کاملا تحت تـاثیر و شیفته این نقش شده بود، من نیز اینطور دریافتم کـه ایفای نقش بئاتریس برای من هیجان انگیز وجالب خواهد بود. بئاتریس زنی بود که موهائی چون حباب صابون مصرف شده وکهنه داشت. یـك لباس خواب قدیمی وازمد افتاده تن میکرد و کفش هـای پای او آنقدر ژنده وکهنه بود کـه حتی موسسات خیریه هم آنها را قبول نمیکرد.

زیبا نبود. زشت روی وغیر قابل توجه. روی این اصل وقتی بشکل او درمی آمـدم، هیچکس مرا نمی شناخت.»

پل نیومن سازنده «تاثیر اشعه گاما...» درباره شیفتگی خود به زنها وساختن فیلم دربـاره آنها میگوید:

«من دوست دارم فیلم هائی درباره زنها کارگردانی کنم زنها موجودات جذابی هستند و ضمنا خیلی اسرارآمیز جدا این عقیده را دارم. آنها موجوداتی مرموزند.

وقتی داشتم «جووان» را در «راشل، راشل» رهبری میکردم، من حس میکردم خودم هم همراه باجووان نقش «راشل» را بازی میکنم.

این تعجب آورست که جووان هرگز نگفت: «کی باید این کار را کند، تویا من؟» ومن فقط یکبار به او گفتم: «تـو نمیدانی چقـدر خوشبختی که داری رلی باین خوبی را بازی میکنی، برای این کـه تنها کسی که واقعا می توانست این نقش را بازی کند، من هستم.»

پل در مورد همسرش اضافه می کند:

«من دوست دارم با «جووان» کار کنم. وقتی روی صحنه فیلمـ برداری هستیم، من به حرفهای او گوش میدهم، حتی موقعی که سرما خورده باشد، باز به حرفهـای او گوش میدهم چون میداند درباره چه چیز دارد حرف میزند. جووان یك آکتریس توانا وتعلیم دیده و قابل است.»

جووان وودوارد درفستیوال کان رقیب دیگری هـم داشت: سارا مایلز که بخاطـر یك فیلـم انگلیسی کاندید دریافت جـایزه بهترین آکتریس سال بود ولی بهر حال «جووان» براو پیروز شد. منتقدین سینمائی فرانسه معتقدند که هیئت ژوری باید این جایزه را بطور مشترك به جووان وودوارد و سارا مایلز میداد.

● جووان وود وارد درصحنه‌ای ازفیلم «تأثیر اشعه گاما ...»



خبرهائی از

سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی

پرویز صیاد استعفایش را پس گرفت

● چندی قبل درمصاحبه‌ای که چندنفر درموردفیلم‌ستارخان در روزنامه اطلاعات نموده‌بودند این سوءتفاهم برای پرویز صیاد وعلی‌حاتمی پیش آمده‌بود که آنها منجمله‌عباس‌شباویز که جزوهیئت مدیره سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی هستندخواسته‌اندکار آنها را نفی نمایند . بهمین جهت از عضویت سندیکا استعفاء دادند.

بعداز این جریان سندیکا طبق رویه وهدف خودآنها را به سندیکا دعوت کردند و بعد از توضیحاتی که‌داده شدمعلوم گردید برای آقایان نامبرده‌سوء تفاهمی پیش آمده لذا پرویز صیاد مجددا طی‌نامه‌ای که برای سندیکا نوشت به‌سندیکا بازگشت واستعفایش را پس گرفت وعلی حاتمی هم شفاها قبول کرد که چندروزدیگر بوسیله نامه استعفایش را پس بگیرد.



صدور کارت دائم

● بنا بتشخیص وموافقت کمیته‌های کارگردانهاوسناریستها و هنرپیشگان براساس ضوابط موجود وتصویب نهائی هیئت‌مدیره سندیکا در جلسه روزشنبه ۲۹ اردیبهشت ماه جاری با کثریت آرا نسبت بصدور کارتهای دائم بنام اعضای نامبرده زیرموافقت نمودند .

۱ــ کارت دائم کارگردانی بنام آقای منوچهر صادقپور

۲ــ کارت‌دائم هنرپیشگی بنام بانو فریده نصیری

۳ــ کارت دائم هنرپیشگی بنام آقای مرتضی عقیلی

شماره اجازه کار

بتقاضیان نامبرده‌زیر بنا بتشخیص و موافقت کمیته هـای مربوطه وباتوجه بنامه اتحـادیه تهیه کنندگان فیلم ایرانـی و تصویب هیئت مدیـره سندیکـا «شماره اجازه کار» بمنظور آغاز فیلمبرداری داده‌شد .

۱ــ آقای‌محمد دلجوـ‌شماره اجازه‌کار برای کارگردانی یك فیلم‌بلند سینمائی (بعنوان نمونه)

۲ــ آقای نادر ابـراهیمی شماره اجازه‌کار برای‌کارگردانی یك‌فیلـم بلند سینمائی (بعنوان نمونه)

۳ــ شماره‌اجازه‌کار به‌آقای شکراله رفیعی برای کارگردانی فیلم حریص .

عیادت

چندنفر از اعضای هیئت‌ــ مدیره‌وبازرسان‌سندیکای هنرمندان برای عیادت ازکارگردان قدیمی سینما آقای «صمدصباحی» که در سانحه اتومـوبیل مصدوم و در بیمارستان الوندبستری شده‌است انتخاب وبا ایشان ملاقات‌وعیادت بعمل آوردند...حال آقای‌صباحی روببهبودمیرود وتاچندروزدیگر ازبیمارستان مرخص خواهد شد.

پاسخ تلگرام تبریك

✿ درپاسخ تلگرامیکه ازطرف هیئت مدیره و سایر ارکان سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی بمناسبت انتخابات جدید اتحادیه تهیه‌کنندگان فیلم ایرانی مخابره‌شده‌بود تلگرام‌زیر بامضای رئیس هیئت مدیره اتحادیه مزبور بدبیرخانه سندیکا واصل‌گردید :

«جناب آقای‌قنبری‌ریاست محترم‌سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی

خواهشمنداست مراتب سپاس و تشکرات قلبی مارا بـه اعضای محترم هیئت‌مدیره وبازرسان وهیئت داوری و هیئت‌های رئیسه کمیته کارگردانهاوسناریستها وهنرپیشگان سندیکا ابلاغ فرمائید .

از طـرف هیئت مدیره و اعضای اتحـادیه تهیه کنندگان فیلم ایرانی

مهدی میثاقیه »

تذکر لازم نسبت به پرداخت حـق عضویت

بموجب اساسنامه‌ایکه در مجمع عمومی به‌تصویب‌رسیده‌است کلیه اعضائیکه‌تا۶ماه‌حق‌عضویت خود را نپردازند عضویت آنان به‌حال تعلیق درآمده و درمجمع عمومی برای‌عضویت مجدد آنها تصمیم‌مقتضی اتخاذخواهدگردید

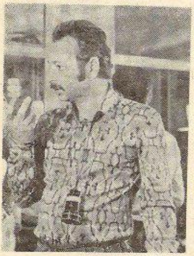
لذا برای‌آنکه هیات‌مدیره ازنظرقانونی دچارمحظورنگردد ازکلیه اعضاء خواهشمنداست با مراجعه بدفتر سندیکا همه‌روزه‌از ساعت ۵الی۹ بعدازظهر نسبت‌به پرداخت حق‌عضویت معوقه اقدام نمایند .

پرداخت یك درصدها

طبق‌تصویب مجمع‌عمومی‌در سال ۱۳۵۱ حق عضویت ماهانه کلیه اعضاءکه بالغ‌بر ۲۰۰ ریال بوده به ۵۰ ریال‌کاهش یافت ولی کلیـه اعضاء موظف شدندکه از دریافت دستمزدخود مبلغی‌بشرط آنکه‌از ۳۰هزار ریال‌بیشترباشد ۱٪ به‌آقایان تهیه کنندگان‌فیلم بپردازند ومبلغ فوق‌الذکرتوسط تهیـه‌کننده به‌صندوق‌سندیـکای هنرمندان‌فیلم‌ایرانی‌موقع‌دریافت نامه تائید برای تکمیل‌پرونده و جهت اخذپروانه نمایش تسلیم خواهد شد.

مبلغ‌جمع‌آوری‌شده به‌صندوق تعاون هنرمندان واریزوبمصرف امـور درمانی و بیمه هنرمندان خواهد رسید.

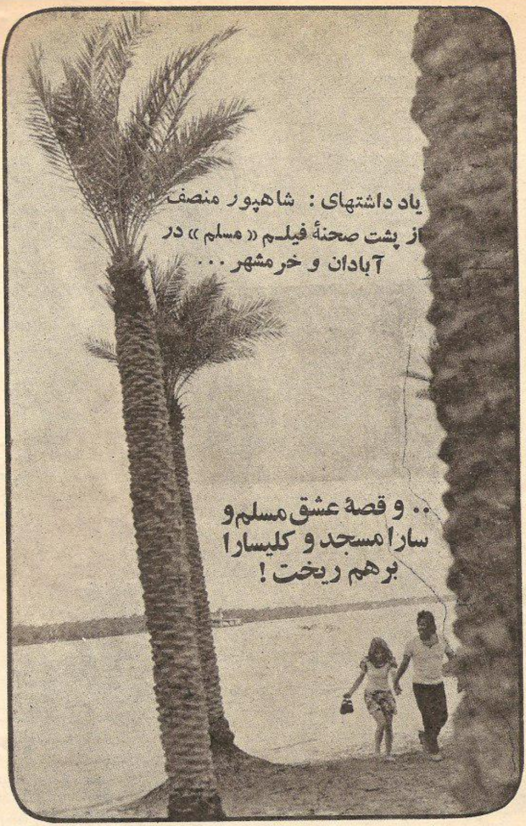
رئیس جدید کمیته کارگردانان و سناریستها



کمیته‌کـارگـردانان و سناریستهاطی‌نامه‌ای که‌بعنوان هیئت مدیره‌سندیکانوشته‌ضمن معـرفی آقای خسرو هریتاش بعنوان‌رئیس‌تازه کمیته‌متذکر بود خاطرنشان ساخته است کـه چـون آقای عباس شباویز (رئیس سابق کمیته) بعضویت هیئت مدیره اتحـادیه تهیه کنندگان فیلم ایرانی‌انتخاب شده‌لذاازریاست کمیته‌مستعفی وبجای نـامبرده‌آقای خسرو هریتاش باین‌سمت‌انتخاب‌شده است.

یادداشتهای : شاهپور منصف از پشت صحنهٔ فیلم « مسلم » در آبادان و خرمشهر...

.. و قصهٔ عشق مسلم و سارا مسجد و کلیسا را برهم ریخت!



● بمنظور انجام کاری به آبادان رفته بودم و یکروز که بطور اتفاقی از ناحیه بریم آبادان میگذشتم، چشمم به ایرج قادری و جمشید مشایخی و کارمن اسکوئی افتاد که اولی پشت دوربین ودومی وسومی هم جلوی دوربین فیلمبرداری قرار داشتند وضمن دقت بیشتری که بعمل آوردم، سایر بر و بچه های آشنا و منجمله، داریوش عزیزی فیلمبردار وحسن نورهانی مدیر تدارکات، پرویز شکری گریمور و غیره وذالک را هم تشخیص دادم و دریافتم که این جمع بایستی اکیپ فیلمی را تشکیل دهند و چون خبرهائی جسته و گریخته از فیلم برداری فیلم «مسلم» درخوزستان بگوشم رسیده بود، حدس زدم که فیلم مربوطه همان فیلم «مسلم» است و بهرحال خودم را به اکیپ فیلم برداری رسانیدم و با استقبال بر و بچه های اکیپ مواجه گردیدم و پس از چنددقیقه‌ای که همین حال واحوالپرسی ، فیلمبرداری را متوقف ساخت، مجددا کلید دوربین زده شد و کار افراد کیپ، باصطلاح بجریان افتاد ودرحالیکه من در گوشه‌ای از پیاده‌روی بریم ایستاده و ناظر فیلمبرداری صحنه‌ای از فیلم میکردم که ازقرارمعلوم در این صحنه، بگومگوئی فیما بین جمشید مشایخی و کارمن اسکوئی درگیر بوده و قادری نیز از پشت دوربین ودر کنار داریوش فیلمبردار جوان سینمای ایران ، هدایت جمشید و کارمن را عهده‌دار میباشد!

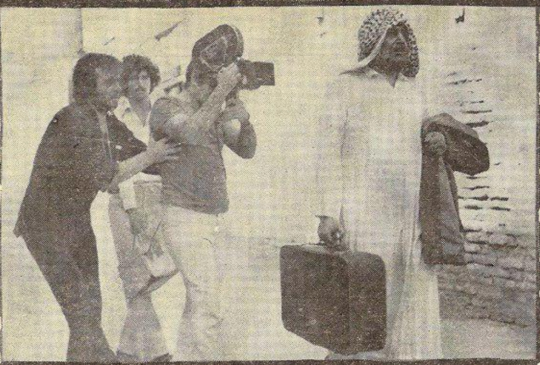
در اینجا بدنیست ذکری نمایم از اینکه من سالهاست قادری رامی شناسم وحتی یکبار باتفاق اکیپ فیلم «اتل متل توتوله» که قادری کارگردانی وایفای رل نخست مرد آنرا برعهده داشته به شیراز واصفهان سفر نموده واز پشت صحنه این فیلم گزارشی تهیه کرده بودم که در «فیلم وهنر» بچاپ رسید و بهر صورت طرز کار قادری برایم غریبه نبود و آنچه که پیش ازهمه، در کار کارگردانی قادری جلوه گر است، یکمقدار توجه او به نظم وترتیب در سر جلسات فیلمبرداری است .. من تصمیم گرفتم صبح فردایش به هتل محل اقامت اکیپ در خرمشهر، به دیدار بر و بچه‌های فیلم «مسلم» بروم و خلاصه آنکه یادداشتهای هفت روزه من از پشت صحنه «مسلم» که درطی دوشماره از مجله می خوانید، ازصبح فردای دیدار اتفاقی در بریم که ذکرش را کردم آغاز شد، ویعنی ازشنبه اول اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۲ وحال این شما و اینهم قسمت اول مطلب تدارک دیده شده...

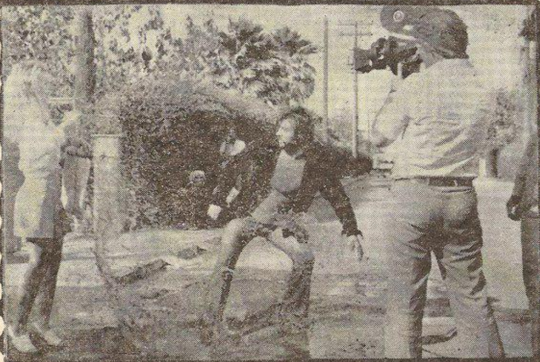
۱

شنبه اول اردیبهشت:

● ساعت هشت صبح بود که از آبادان به خرمشهر رسیدم و یکراست به هتل باختر ، محل اقامت افراد اکیپ فیلم «مسلم» رفتم و اکیپ را آماده و درحال حرکت بمحل فیلمبرداری یافتم وخلاصه باتفاق آنها به طرف یکی از بازارچه های خرمشهر براه افتادیم ودر راه من بشوخی رو کردم به قادری و گفتم که: ایرج خان «فیلم بازارچه‌ای» می‌سازید!؟ وقادری جواب داد که،

ـ نه ابدا اینطور نیست و اگر می خواستیم بقول شما «فیلم بازارچه‌ای» بسازیم که در همان تهران خودمان کلی بازارچه و محلهای لازم موجود بود و چرا دیگر به اینطرفها می آمدیم؟! و باید اضافه کنم که کلا خط داستانی فیلم «مسلم» بر محور آشنائی پسر یک حاجی متعصب که بامکه رفتن وحاجی شدن دورهرگونه شرارتهای قبلی را خط کشیده است، بایک دختر مسیحی می باشد که پدرش کشیش یک کلیسا محسوب می شود و خانواده دختر نیز دردین خود کلی تعصب دارند وخلاصه کلام آنکه پسر مسلمان ودختر مسیحی عاشق یکدیگر می شوند و یکمقدار درگیری های جوراوجور پدید می آید که







قولی «مسجد» و «کلیسا» را برهم میریزد و بهر حال فکر می کنم دیدنش خالی از لطف نیست و اما با رسیدن به بازارچه مربوطه صحبت قادری قطع می گردد و در این بازارچه بایستی یك سکانس از فیلم «مسلم» که یکهفته است از شروع فیلمبرداری آن در آبادان خرمشهر میگذرد، با شرکت جمشید مشایخی و منوچهر پوراحمد که او نیز مانند مشایخی از بازیگران با سابقه تآتر بحساب می آید فیلم برداری شود و پس از جور شدن نور صحنه و قرار گرفتن دوربین و وسایل فیلم برداری در محلهای خود، کلید دوربین زده شده و مشایخی و پور احمد در قالبهای خود فرو رفته و پس از بکو مگوئی تند که با یکدیگر می نمایند، پوراحمد مشتی حواله چانه مشایخی می کند و آنچنان مشتی که مشایخی را باشدت هرچه بیشتر به کرکره یك مغازه بسته که فیلمبرداری در جلوی آن جریان دارد می کوبد و حتی صدای شکستن شیشه پشت کرکره مغازه بگوش میرسد.

و بعد سکانس مربوط به فرار قادری فیلمبرداری میشود و پس از گرفتن تك پلانهائی از فرار قادری و تعقیب پوراحمد و نوچه هایش درست تا نیمه شب بدرازا می کشد.

یکشنبه دوم اردیبهشت:

● ساعت شش و نیم بعد از ظهر بود که راهی خرمشهر می شوم و در حوالی هتل محل اقامت اکیپ در خرمشهر، قادری و پوراحمد را در حال دعوا و زد و خورد می بینم. البته جلوی دوربین فیلمبرداری و باقتضای رلهای خویش...

و اما ضمن این زد و خورد سینمائی و کشیده شدن دنباله زد و خورد به کنار چادر کولی ها، در یك لحظه پوراحمد تعادل خود را از دست داده و بروی چادری از این چادرها سقوط می کند و چادر پاره می شود و پوراحمد روی یك چراغ زنبوری روشن که در داخل چادر بود می افتد و بناگاه چادر آتش می گیرد و فیلمبرداری متوقف و خوشبختانه پوراحمد و یکی دو نفر کولی که در داخل چادر بودند از مهلکه جان سالم بدر برده و بکمك مردم تماشاگر جریان

بقیه در صفحه ۳۱

وحید قربانی‌مطلق

دولت و سینمای ایران

قسمت اول

● بطور کلی توجه بمسئله نزول فروش ودر آمد گروهی فیلم‌ها آنطور که باید برای سازمان‌های مسئول موردتوجه قرار نگرفته و هر گونه اقدامی هم که بصورت پیشنهاد وتقاضا ارسال می‌شود بکلی فاقد ضمانت اجرائی است و ازهمان حدود طرح و تقاضا و پیشنهاد تجاوز نمی‌کند میز گردهائی هم که برای رسیدگی بمشکلات قیمت و تولیدفیلم درنشریات تشکیل می‌گردد هنوز نتوانسته درزمینه مسائل اقتصادی مربوط بمصرف فیلم‌ها وتولیدات و کیفیت عرضه آن راه‌یابی و چاره‌جوئی وپیشگیری منطقی ازعواقب بعدی دست یافته وبتحلیلی صحیح و اطمینان بخش نائل آید.

شاید توجه شرکت کنندگان درچنین مباحث سینمائی بیشتر مطرح کردن جزئیات کوچکتری درسطح کاری است وغالبا درخاتمه هم بجای رسیدن بنتیجه‌ای قابل قبول مباحثات به‌استیصال وانتزاع کشانده می‌شود.

باا ندکی مداقه به چگونگی پیشنهادات تشکیل دهندگان این‌میز گردها می‌توان به نتیجه نرسیدن و بن‌بست اقدمات بعدی عاملین آن‌را پیشگوئی کرد. البته این‌قاعده‌ای کلی است که بایددرخصوص وزمینه مسائل ومشکلات مربوط به‌تولید وتوزیع ومصرف فیلم‌یاسایر کالاهای‌هنری که ضرورتی‌موردنیازدارد وجنبه‌انحصاری بعضی از آنها(مانند صنعت‌سینما که دارای‌نمود وجلوه‌بیشتری‌است)میز گرد هایی تشکیل گردد وهدف‌اصلی این‌میز گردها هم باید مطرح کردن مشکلات‌واقعی وعمیق‌باشد و ازحاصل این پیشنهادات و گفتگوها وطرحهای‌مفروض نتیجه‌ای‌قطعی بدست آید تا راه‌حلی‌جهت رهائی ازاین‌مخمصه‌اقتصادی برای اقدام کنندگان بهمراه داشته باشد و اینهم البته مستلزم‌صلاحیت ومیزان‌اطلاعات ودانش‌وآگاهی‌شرکت کنندگان حاضر درچنین جلساتی‌است بهمین جهت شایــد بصرف فعالیت‌ها وسوابق‌حرفه‌ای گروههای‌عامل قطعیت‌نتایج گرفته‌شده را بعنوان تنها راه‌چاره مطمح‌نظر قراردادو بعنوان درخواست‌رسیدگی آن‌را بدولت ابلاغ کرد.

اگر امروز برای‌نظارت‌دقیق وصحیح‌بر در آمدوقیمت گذاری و مالیات یك‌رشته‌مولد مانند سینما(که‌برای‌اولین‌بار بعنوان‌صنعت مطرح گردیده) اقداماتی‌نظیر تشکیل‌چنین‌سمینارها ومیز گردهائی انجام گیرد بجاست که کیفیت‌تولید فیلمهائی هم‌که مورد نیاز روز جامعه ومردم‌است نیز مورد کنترل‌صحیح‌و کامل سازمان‌های‌مسئول دولتی قرار گیرد.

نقش حقیقی دولت چه باید باشد؟

نخست باید بین‌قیمت تولیدیك‌فیلم ونوع‌وجنس‌ومیزان کاری که برای‌مصرف آن بکار گرفته‌می‌شود رابطه‌ای‌منطقی و قابل‌قبول بوجودآید و این‌رابطه بایدشامل تاثیر گذاری‌های مالیاتی یا بالا بردن سطح‌درآمدعموم ومقایسه این‌تغییر ونسبت مستقیمی که باین رشته‌هنری پیدامی کند گردد یعنی ضوابط‌مالیاتی‌را باید براساس و مبنائی پیش‌برنده ومحرك تنظیم و تعدیل نمایند تا تولیدکننده فیلم ازاین نظــر هم دارای فرصت‌هائــی شود از طــرفی دیگر مصرف کننده چنین‌هنری نیز نباید مورداجحاف تهیه کننده قرار نگیرد (مثلا اگرمالیات‌سیر تصاعدی‌داشته‌باشد وتهیه کننده‌ونمایش دهنده میزان بودجه‌بیشتری ازسرمایه کاریش‌را بمالیات اختصاص دهد مستقیما باگران کردن بلیط ورود بچنین موسسات‌هنری عدم تعادل‌مادی‌خودرا باجذب و فرار بیشتر سرمایه ازدرخواست کننده اطفا نکند چون متضرر واقعی عموم افرادی‌هستند که بالاجبار زیر ملاك نامعقول عرضه کننده هنر قرارمی گیرندوفشار واقعی بر آنها وارد می‌شود.

پس با ذکر مراتب بالا می‌توان مذکور شد که گرانی محصول سینما وگران‌فروشی وشکست پی‌درپی مالی معلول دلایل زیر است:

۱ــ اجناس سینمایی ولو بطور مصرفی (مانند ورودفیلم) و درنتیجه اقدامات بعدی آن بطور کلی بقیمتی‌گران‌تر از نرخ عادلانه (که توسط‌دولت‌تعیین‌شده) در دسترس مردم قرارمیگیرد،

۲ــ نحوه پخش‌وفروش‌فیلم‌هائی که باموادارزان‌ونامرغوب و خدمات‌فنی وکادرها و افرادی‌ناوارد تهیه‌وتولید می‌شود گرانتر از مشخصه‌اصلی قیمت‌بازاراست که تازه باید آن‌هم با استانداردی ازطرف‌دولت معین‌شود (که دراین‌مرتبه هم انتفاع وبیشترین سود حاصل کار افرادحرفه‌ای‌واحدی‌است.

۳ــ چون درتهیه این گونه‌فیلمها ازحداقل‌وسائل‌وشیوه‌های ضروری عملی‌وفنی استفاده‌شده بهمین‌طریق این‌فیلم‌ها نه تنها از نظر مواد ومرغوبیت‌مصالح دارای‌شرایط‌مختص‌وخصوصیات‌صحیح ومطلوب وموردنیازنیستند بلکه ازنقطه‌نظر تولیدمعنوی نیز فاقد استحکام و دوام‌لازم‌فکری می‌باشند وغالبا اشاعه‌دهنده و مروج فضاحات‌فکری‌وفرهنگی هستند (که این‌مورد بعقیده‌بنده خسارات وعکس‌العمل‌های‌خطرناك‌تری بهمراه‌دارد).

موزیک

از : منصف

خوانندگی از زمان طفولیت



● عکس فوق، متعلق به نازی افشار میباشد والبته مربوط به دوازده سال پیش که نازی تازه فعالیت خوانندگی‌اش را آغاز کرده بودو همچون بسیاری دیگر از خوانندگان این مرزوبوم که از دوران طفولیت قدم به عرصه خوانندگی گذاشته‌اند و معروف ترین آنها نیز گوگوش است...

و اما نازی افشار که اکنون پایبند به خانه وخانواده و همسر میباشد، همچنان کار خوانندگی‌اش را دنبال می‌نماید و البته همسر نازی افشارهم درزمینه آهنگسازی و مدیریت برنامه های او فعالیت دارد!

پرتوو ترانه گیلکی گیلمرد!

● ترانه‌های گیلکی که بعد از جفرودی و شمس وچند تن دیگر از خوانندگان قدیمی،در سالهای اخیر بیشتر خواندن آنها توسط ناصرمسعودی گیلکی الاصل دررادیوو تلویزیون بیش از پیش رواج پیداکردو این اواخر چند خواننده دیگر نیز منجمله ضیاء با خواندن ترانه‌هائی گیلکی چون «زنگالو»وغیره، سروصدائی بپا کردند، از جانب پرتوهم مورد استقبال قرار گرفته استوپرتودر حال حاضر سرگرم تمرین یك ترانه گیلکی میباشد که «گیلمرد» نامداردو قراراست بزوی باصدای پرتواز راریو تلویزیون و نیز بصورت صفحه پخش گرددو ناگفته نماند که حسین قاسمی ترانه گیلکی «گیلمرد»رابرای خواندن توسط پرتو، تنظیم نموده است.

پادرمیانی دلکش برای سیمین غانم!

● سیمین غانم که اصولا بعلت شباهت صدایش به صدای دلکش نامش مطرح گردید، پس از آنکه تصمیم گرفت به خواندن در زمینه جاز بپردازدو نخستین کارش در این زمینه ترانه «قلك؟چشات» بوده است، شروع به ابراز یکمقدار «ادعا» نمودواینکه «من وسعت صدای دلکش را اصلا قبول ندارم تا ازدلکش تقلید کنم ومن صدای خودم را بیشتر از صدای دلکش دوست دارم ومی پسندم» وو ادعاهائی دیگر از این دست که دریکی دو مجله انعکاس یافت!

بهرحال گویا ازطرف جمعی از خوانندگان و آهنگسازان و وترانه سرایان ، بخاطر بی حرمتی‌های سیمین غانم اقداماتی جهت بایکوت نمودن این خواننده پرمدعادر کارخوانندگی و نداشتن آهنك و شعری برای خواندن، در شرف انجام گرفتن بود که دلکش پادرمیانی کرده و باین ترتیب بود که سیمین غانم رابحال خود گذاشتند!

اجرای آهنك کلانی توسط خردبین!

● محمود خردبین فوتبالیست معروف که چندی پیش دریکی از شوهای تلویزیونی دعوت داشت وشرکت جست، به اجرای ترانه‌ای

بقیه در صفحه ۳۳

زوج جدید مردانه



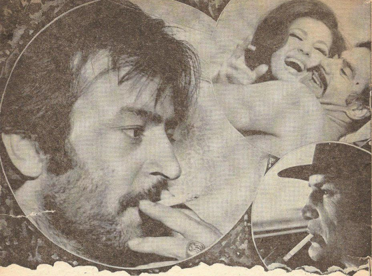
● جهانگیر افشین شخصا یك آهنك ساخته استو این خواننده آهنگسازشده، آهنك خود را با شعری که توسط سعید دبیری سروده گردیده وبر روی آهنك افشین تنظیم شده است . با منوچهرسخائی تمرین می کند والبته با اجرای دو صدائی،وبد نیست بدانید که ترانه حاصل را «پریا» نام نهاده‌اند !

وباین ترتیب منوچهرو افشین با اجرای «پریا» بصورت دو صدائی، زوج مردانه جدیدی رادر موسیقی پدیدآورده و قرار اجرای نخست این ترانه هم برای برنامه تلویزیونی «چشمك» و البته پس از آمادگی کامل منوچهر و افشین موکول گشته است!

پونه و خواستگار افغانی!

● پونه که بدنبال خواندن ترانه‌هائی متعددی در مایه های افغانی، اواخرسال گذشته سفری چندروزه به افغانستان نموده و شرکت او درچند برنامه تلویزیونی افغانستان،مورد توجه،نسبی واقع گردید، بتازگی بایك خواستگار افغانی که گویابخاطر خواستگاری ازپونه، از افغانستان به ایران آمده است مواجه شده وحال معلوم نیست که تکلیف این قضیه،چه میشود«پونه تن به ازدواج باخواستگار مربوطه که از طریق برنامه های تلویزیونی پونه درافغانستان به او دلبسته است میدهدو یا آنکه همچنان در تجرد بسر برد!





● ایرج قادری عاشق سیگار است! ● فروزان بهنگام عشقبازی با ناصر ملك مطیعی سیگار می کشد! ● اسفندیار منفردزاده درمدت بیست وچهارساعت صدعدد سیگار دودکرده است! ● محمدعلی فردین ازسیگار کشیدن حین صحبت بیزاراست! ● شهرزاد هرروز سه پاکت وهرشبی یك پاکت، مصرفی سیگاردارد! ● فرهاد سیگار را می‌جود! ● جهانگیر پارساخو ومسعود کیمیائی در موقع عصبانیت سیگار می کشند! ● سیگار برای بهروز وثوقی حکم‌نوعی «فیگور»را پیداکرده‌است! ● ازدواج سعید مطلبی مصرف سیگار او را کاهش داده! ● منصور سپهرنیا وهفته‌ای یکی دو دانه سیگار! ● قضیهٔ سیگار کشیدن نعمت حقیقی و تجدید فیلمبرداری! ● فرخ ساجدی بهنگام رانندگی احتیاج به‌سیگار دارد! ● و«مهناز» اهل سیگار خریدن نیست و معهذا روزی دو پاکت‌سیگار دود می کند!

نگه میدارند بخاطر تخمیرلازم. آنگاه کارخانجات‌سیگارسازی کارشان با این توتون ها آغازمی شود وعملیات سیگارسازی وافزودن‌موادی گوناگون با اثرات مختلف، برای ساختن انواع سیگارها اعم از سیگارفیلتردار و یا بدون فیلتر ویا سیگاربرك وغیره‌وذالك بمرحله عمل در می‌آید.

بهرحال پس از صحبت از توتون و بکار آمدن آن برای درست کردن سیگار، اگر بخواهیم‌در همین ایران خودمان آماری از سیگار و سیگارسازی بدست آوریم، درمی یابیم که بیش از یك میلیون نفر از مردم ایران در امور مختلف‌و مربوط به تولید توتون‌وسیگار، فعالیت‌دارندو ضمنا سالیانه بالغ بر ۴۷۴ میلیارد عدد از انواع سیگاردرایران تولیدمیگردد و تازه این آمار فقط مربوط به‌ایران‌است و به‌همین نسبت نیزدر کشور های مختلف جهان، این آمارخودنمائی‌می کند!

و یك نکته‌جالب اینکه در اکثر کشورهای خارجی، روی‌پاکت های مختلف سیگار، مضرات سیگارهم نوشته‌اند و فی‌المثل در روی پاکت سیگار تاکیدشده که کشیدن سیگار، خطر مبتلاشدن به سرطان‌رادر برداردو یاهزار ویك‌دردبی درمان دیگر.

معهذا فروش‌سیگار به نسبت‌قابل توجهی هرروز بالا میرودو یکعده سیگارکشیدن‌را بخاطر تسکین اعصاب وعده‌ای دیگر بجهت‌لاغرشدن که گفته‌می شود سیگار نقش بسزا در اینمورد میتواند داشته‌باشد و خلاصه به‌علل ریز و درشت، مصرف‌سیگارجریان‌داردو برای خیلی‌ها بصورت یك نوع اعتیاد در آمده‌است!و حـال میپردازیم بـه اصل قضیه این رپرتاژ یعنی: سیگارو هنرمندان!

سیگار همانطوریکه توانسته‌در بین طبقات مختلف مردم‌وآدمهای سر شناس وغیرسرشناس کشورها و نیز این مرزوبوم، نفوذکند، به‌طبقه‌هنرمندان نیز سرایت کرده‌است و استفاده‌هرچه بیشتر این« اعتیاد» ، بی توجه به انواع عوارض‌ناخوشایند آن دربین بسیاری ازهنرمندان‌هم رواج دارد و صدالبته که هنرمندان نیز مانند اکثریت‌آدمهای باصطلاح«سیگاری»، دلایلی در مورد سیگارکشیدن خود دارند وحتی‌عده‌ای نیزبدون دلیل ! و مادر این رپرتاژ ، بدون جبهه‌گیری آنچنانی درمورد«سیگار»، به بررسی کوتاهی‌درباره اینکه هنرمندان مختلف این مرزوبوم چراوبچه ترتیبی‌وچه‌مقداروچه مواقعی اقدام به "کشیدن" سیگار می کنند، اکتفامی نمائیم ودر اینجا باهنرمندانی که به سیگار کاری ندارند، ماهم کار نداریم!

گفت‌وشنود با :

بهنام جعفری

کارگردان سینمای هشت...

● شادیهای یك شب طلائی در «ارتفاع متروك» ...

● آنچه، «ارتفاع متروك» را بهترین کرد و آنچه «بهنام جعفری» را، شایسته‌ترین..؟



● در تنگنای یك فرصت فشرده، نشستی دست‌داد با «بهنام جعفری» سینماگر جوان‌وسازنده‌ی فیلمهای هشت‌میلمتری . اگرچه رخصتی‌محدودوکـوتاه بود، اما حاصل گفت‌وشنود بااین سینماگر جوان بهرحال می‌تواند ، نمائی روشنگر ازخصوصیات بارزذهنی ودستآورد های غنی‌ودرخور تامل او درسینما باشد. ودیگر اینکه، اصل‌انگیزه ودلیل این گفت‌و ـ گوی کوتاه، مروری است‌در کاربر سینمائی وشناخت هـرچه بیشتر فیلم ساز جوانـی که باارائه‌ی فیلم‌کوتاه «ارتفاع متروك» بـه پنجمین جشنواره سینمائی سپاس و موفقیت خیره کننده‌اش بعنوان سازنده‌ی بهترین فیلم‌کوتاه سال به‌طریق تازه‌ای درامر سازندگی فیلم‌گام می‌نهد .

وچه نیك‌اینکه ، درباره‌اش بیشتر بدانیم وبهتر دریابیمش !

توجه‌تان‌را بـه حاصل این گفت وشنود کوتاه جلب می‌کنیم.

● باشناخت اندکی که از تودارم وباتـوجه به چهره‌ی بسیار جوانت این‌کنجکاوی در من ریشه‌انداخته است کـه «تو» از چند سالگی ساختن فیلم را شروع کرده‌ای ؟

بهنام ـ پنج‌سال پیش یعنی ازشانزده سالگی‌این‌فرصت برایم پیش‌آمد که «فکر» ساختن فیلم را، عملا تحقق بدهم .

این‌دگرگونی‌وتبدیل «آرزو» به واقعیت ، بافیلم مستند «پرسه درتهران» شکل‌گرفت. ودرحال حاضر که بیست ویك سال‌از تولدم می‌گذرد، همـه‌ی تلاشم را صرف یك «تولد» دوباره می‌کنم. چون «سینما» برای‌من‌یك دنیای‌شگفت انگیز وتازه‌است، دنیائی‌که راه پیداکردن و پریدن از مرزش ، زیاد هم‌آسان نیست...! پـریدن دراینجا، مثل «تولد» است ...

● خیال می‌کنم تاامروز بتشتردرسینمای هشت‌میلیمتری کارکرده باشی؛ شاید هـم من اشتباه می‌کنم؟! در این مـورد حرفی بزن ...

بهنام: بله، تحقیقا همینطور است که‌گفتی . فعالیت من بیشتر وشاید هم بتمامی درزمینه‌سینمای هشت میلیمتری بوده است . اما این‌اواخر تجربه‌هایی درسینمای ۱۶ و ۳۵ میلیمتری هـم بدست آورده‌ام و شاید هم‌که بعدازاین تمام فعالیتم را روی سینمای۱۶ و۳۵ متمرکز کردم .

● فکرمی‌کنم این تصمیم بخاطر بودن امکانات تکنیکی‌و نارسائی هـای بصری وکادر فشرده سینمای هشت ، باشد وخصوصیاتی‌که سینمای‌شانزده راکاملترو‌سینمای ۳۵ رادریك حدایده‌ال ازجهات‌کمی‌و‌کیفی، باسینمای۸ غیرقابل‌مقایسه‌کرده است !؟

بهنام ـ البته‌این‌یك‌حقیقت غیر قابل انکـار است کـه‌کادر محدود وفشرده سینمـای ۸ ، از بسیاری‌جهات فاقد آن‌خصوصیات وکیفیات موجود در سینمای ۳۵ وحتی سینمای۱۶ میلیمتری‌است اما قدر مسلم اینست که سینمای ۸هم درخیلی از موارد می‌تواند آن‌قدرت بیانی واستحکام موجود درسینمای خوب‌را داراباشد ، که البته بودونبودآن بـه فیلمساز بستگی‌دارد .

باتمام‌این‌احوال، من خیال می‌کنم چیزهائی هست که بیانش تنها درسینمای۳۵وتاحدودی در سینمای۱۶ ، امکان پذیراست و خارج از قدرت سینمای ۸ ...

● مسلم است‌کـه ساختن فیلم‌هـای هشت میلیمتری هم متضمن‌صرف بودجه‌و بکارگرفتن یك‌پشتوانه‌ی مالی محکم است، دراین‌خصوص‌چیزی‌بگو واینکه مخارج فیلمهایت چگونه تامین می‌شود !؟

بهنام ـ در سینمای ۸ هم جنبه‌های مادی و تامین مخارج تهیه فیلم ازموارد بسیار حساس قضیه است . بخصوص که برگشت سرمایه وپشتوانه‌ای بنام «گیشه» هم دراین میان ابدا نقشی ندارد وبندرت‌اتفاق می‌افتد که‌سرمایه‌ی مصرفی برای تهیه‌یك فیلم‌کوتاه ـ بویژه درسینمای‌آماتوری ـ به طریقی‌برگشت کند .

روی‌همین‌اصل تهیه یك‌فیلم باآن‌مخارج‌تقریبا سنگین، برای سازنده‌اش حکم یکجور قمار را داردکـه باخت درآن غیرقابل گریزاست. والبته«عشق‌به‌سینما» هم هیچوقت به‌تنهائـی نمی‌تواند عوامل ساختن یك‌فیلم را فراهم بیاورد .

ازطرفی تهیه یکی‌دوفیلم با قرض‌وپس‌انداز ممکن‌است، تامین شود، اما بعدش‌چه !؟

بهمین دلیل‌است که می‌گویم عامل مادی دراینجا خیلی‌حساس است. اماخوشبختانه دراین‌مورد، من‌همیشه شانس‌آورده‌ام. فی‌المثل درتهیه هفت‌هشت فیلمـی که تابه حال ساخته‌ام، کمکهای فراوانی داشته‌ام پس‌انداز،قرض، قرض‌ـ الحسنه و حتی یاریهـای بدون چشم داشت و بلاعوض هم‌دیده‌ام یك نمونه‌اش دوست بسیارعزیزم آقای «رضامیرلوحی» کارگردان سینما وسازنده‌ی‌فیلم «تپلی» است که بارها وبارها مرابا کمکهـای مادی و معنوی بی دریغش یاری داده‌است .

ودیگرانی‌هم هستند که‌هرـ کدام بنحوی ازانحاء ازمددشان برخوردار بوده‌ام، که مثلا باایفای یك‌نقش ازفیلم درتامین سرمایه نقشی‌داشته‌اند .

● تا بحـال چند فیلـم ساخته‌ای؟ وباچه‌نام هایی...

بهنام ـ «پرسه درتهران» فریاد اول ـ جسارت ـ بگذارید زندگـی کنیم ـ سینما،سینمـا دیده‌بانان‌را بگو تاخواب‌نفریبد ارتفاع متروك ـ فریاددوم ـ وقتی که‌آقای «ج» ظاهر شد ـ محیط زرد «آخرین فیلم» ـ این‌لیست کامل فیلمهائی است که تابحال ساخته‌ام .

● می‌دانم که‌جوایز‌مختلفی برای فیلمهایت گرفته‌ای؛ ازآن جوایز وازآن‌فیلم‌ها بگو..

بهنام ـ دیپلـم سومیـن جشنواره سینمائی سپاس ـ دیپلم

بقیه‌در صفحه ۳۱

از قعر تا اوج

گفتگوئی با: شهرزاد

من هنوز نقشی را که باید بازی کنم، بازی نکرده‌ام.



● شب مراسم سپاس، چرا آنقدر گرفته و ناراحت بودید؟

شهرزاد: ناراحتی من به علت بی ادبی یك خانم بود که سابقاً من جزو همکاران او ـ البته همکاران هنری او ـ بودم. این خانم که یکی از معروفترین رقاصه‌های کاباره‌های تهران می‌باشد، آنشب نزدیك من نشسته بود و هرچه بدوبیراه دلش می‌خواست، بمن می‌گفت. من چون برخورد زیادی با آن خانم ندارم، نمی‌دانم دلیل این فحش‌های زشت که من واقعاً از بیاد آوردن آن خجالت می‌کشم، چیست. آیا باید اسمش را حسادت گذاشت و یا اینکه ناراحتند که من از جرگه‌ی آنها بیرون آمدم و زندگی دیگری را برای خود انتخاب کرده‌ام.

شهرزاد، نام این رقاصه‌را ذکر می‌کند ولی مایل نیست که در مجله منعکس شود. از او می‌پرسم:

● خود آن خانم رقاصه هم که هنرپیشه‌شده پس برای چه حسادت می‌کند؟

شهرزاد: هنرپیشه‌شدن من با هنرپیشه‌شدن او فرق دارد. او حتی بدوبیراههائی در مورد شعر گفتن من گفت.

● شایع‌شده بود که چون مسعود کیمیایی، جایزه‌ای نگرفته شما ناراحت بوده‌اید؟

شهرزاد: مسخره است. خنده‌ام می‌گیرد! اصلا آن موقع که من روی سن رفته بودم بهترین کارگردان و بهترین فیلمها انتخاب شده بودند؛ البته «مسعود کیمیائی» کارگردان مورد علاقه من است ولی آن برنده‌ها هنوز تعیین نشده بودند از آن گذشته، با آنکه مسعود کیمیائی کارگردان مورد علاقه‌ی من است و فیلم «بلوچ» او هم فیلم بدی نیست من عقیده دارم که کارگردانی فیلم «بلوچ» که کاندید دریافت جایزه‌ی سپاس بود مریض وضعیف بود، نقص داشت.

از آن گذشته بنظر من فیلم «رگبار» سناریوی خوبی داشت که بحق جایزه گرفت. «صادق کرده» را هم من ندیده‌ام، اما «رگبار» را دیده‌ام و معتقدم که بیضائی کارگردان خوبی است.

● هیچ انتظار داشتید که امسال موفق بدریافت جایزه‌ی سپاس شوید؟

شهرزاد: اصولا من فقط بخاطر جایزه کار نمی کنم. من اگر منظورم فقط این باشد که بازی کنم تا جایزه ای بگیرم، مسلما خوب بازی نخواهم کرد. البته جایزه چیز خوبی است ولی میدانید مثل چیست؟ مثل اینست که در بچگی در مدرسه بما جایزه می‌دادند. البته ممکن است که ما برای گرفتن جایزه رونویسی کنیم ولی طبیعی است که از این رونویسی چیزی نخواهیم فهمید. ولی جایزه‌ی سپاس فعلا برای سینمای ایران و بخصوص سینمای جوان ایران واقعاً لازم است.

یك مشوق است برای تهیه‌کننده‌ها که وادار می‌شوند که برای گرفتن جایزه سپاس با سینمای جوان ایران از بیشتر دمساز و دمخور باشند. البته سینمای جوان ایران و نه حتماً کارگردان‌های جوان.

● شما بخاطر بازی در دو فیلم «صبح روز چهارم» و «بلوچ» موفق بدریافت جایزه‌ی سپاس شده‌اید. درمورد این دو نقش خودتان چه نظری دارید؟

شهرزاد: وقتی که داوران گفته‌اند، خوب است، حتماً خوب بوده و من اضافه بر نظر داوران چه بگویم؟

● جایزه‌یی که گرفتید در زندگی هنری شما چه تاثیری می‌تواند داشته باشد فقط یك هیجان یك‌شبه است؟

شهرزاد: من هیچوقت برای جایزه بازی نمی کنم ولی اگر جایزه‌ای ببرم، یعنی اگر بتوانم یك هنرپیشه‌ی خوب باشم، چه بهتر ولی بخاطر جایزه بازی نمی کنم. سعی نمی کنم مثل آدمهایی که جایزه را برده‌اند وفوراً قیمت خودرا بالا میبرند، دستمزدم را بالا ببرم این بی‌جنبگی است. من آرام آرام بکار خودم ادامه خواهم‌داد. اگر سناریویی خوب باشد و حرفی برای گفتن داشته باشد بازهم با همان پول کم بازی‌می کنم.

من خیلی راحت میگویم که این تازه شروع کار من است. من هنوز در سینما نقشی را که باید بازی کنم بازی نکرده‌ام.

● یعنی منبعد در فیلم‌های بد بازی نخواهید کرد؟

شهرزاد: من فکر نمیکنم که بعد از «داش آکل» در این نوع فیلم ها بتوانم بازی کنم. البته نمیتوانم بگویم که صددرصد فیلمی بازی می کنم که بدنباشد، این قابل‌پیش بینی نیست. مثلا من روی کار «نصرت کریمی» بخاطر فیلم «درشکه‌چی» خیلی حساب میکردم و وقتی قرار شد من در فیلم «تختخواب سه نفره» بازی کنم نقشی برای من تعریف کردند که جالب بود. اما آن چیزی که ساخته شد با آن چیزی که برای من تعریف کرده بودند، خیلی فرق داشت.

شروع کار خوب بود ولی فیلم فیلم بدی شد. یعنی در چنین مواقعی اختیار دست من نیست. ولی خب شدیداً سعی می کنم که تا آنجا که می‌توانم دقیق باشم.

● منوچهر وثوق جایزه شهرزاد را باو میدهد



مـن واقعاازشهرت متنف

گفتگوئی باستاره فیلم سراب: م

- سکس فیلم‌های ایـرانـی حـالـت مشمئز کننده‌ای دارد
- من هیچوقت دوست ندارم صحنه‌های سکسی بازی کنم.
- فیلم کیفر فیلم خوبی بود ولی صحنه سکسی آن بدور از منطق بود.
- فیلم‌هائی که صحنه های سکسی بی پروا داشتند، موفق نشدند
- از نقش خودم در فیلم سراب کاملا راضی هستم.
- برای باعث وبانی سپاس بـایـد آرزوی موفقیت کرد



● برای گفتگو با «مرجان» بخانه‌اش میرویم وچند دقیقه‌ای انتظار می کشیم که از راه برسد. راس ســاعــت شش بعدازظهر اتوموبیلی برابر خانه توقف می کند و «مرجان» از آن پیاده میشود درست به موقع آمده‌است میگوید که از استودیو پارس فیلم می آید، چون قرار است در فیلم تازه ایــن استودیو که باحتمال قوی «فریدون گله» آنرا میسازد، بازی نماید. مرجان مثل همیشه شاداب است. شلوار چسبان آبی رنگی باخال های سفید وبلوز سفید چسبانـی پوشیده‌است و آرایش اوطبیعی و معمولی است.

ابتدا اظهار تعجب می کند که پس از چندوقت چطوردوباره بیادش افتاده‌ایم و بعد کمی شکوه وشکایت از مطالب شوخی مانند ی من که درباره اودرمجله چاپ میشد و این که چرا این جور کاریکاتور ها ومطالبی باید درباره زنی چون او که در فکر خانواده و شوهر و کودکش است ولی اضطرار کاری بازی درفیلم ها، باعث میشود که مدتی از کانون خانوادگیش دور بماند، نوشته شود!



مرجان به گفته خودش زنی است اهل خانه و خانواده ـ وقتی فیلمبرداری نداشته باشد، اوقاتش را درخانه کنار کودك وشوهــرو سایر افرادخانواده‌اش (باپدر و مادرش زندگی می کند) می گذراند وبقولی اگر درخانه باشد و کاری نداشته باشد، حتی ناهاروشام را هم خودش طبخ می کند و به نظافت منزلش شخصا رسیدگی می کند و اگر روزی قرار نشود که دیگر درفیلم ها بازی نکند (یعنی اگر این ممنوعیت را شوهرش مهدی علیمحمدی باو بدهد) هرگز در فیلمی ظاهر نخواهد شد و این را مثل این که بایکجور صمیمیت وصداقت بیان می کند.

مثل این که دیگر مقدمه چینی کافی است. ده دقیقه‌ای ازورود ما بخانه مرجان میگذرد، این است که با آمادگی که مرجان پیدا کرده، مصاحبه را شروع می کنیم و چون «مرجان» در این یکی دوساله اخیر بیشتر در فیلم‌هائی بازی کرده که بنحوی خالی ازصحنه‌های سکسی نبوده وروی این مساله تا اندازه زیادی تکیه شده، این است که سکس را ازدیدگاه مرجان درفیلم های ایرانی مورد بحث اولین سئوال خود قرار میدهیم.

●●●

● این اواخر شنیدیم که شمادیگر خیال ندارید در فیلم هائی که صحنه‌های سکسی داشته باشد بازی کنید آیا این خبر صحت دارد یا یك شایعه‌است ؟

ـ من اکنون به این نتیجه رسیده‌ام که در سینمای ایران «سکس» را بصورت بد و مشمئز کننده‌ای نشان میدهند. اگر سکسی باشد که تماشاگر را مشمئز نکند و ازدیدن آن حالش بهم نخورد و حتی لذت هم ببرد، چه عیبی دارد؟ ولی سکسی که درحال حاضر در فیلم‌های ایرانی می بینیم، یکنواخت و کسل کننده شده است. همه میخواهند سینه‌ها را عریان کنند و صحنه‌های بغلخوابی ومعاشقه توی رختخواب بگذارند من حس میکنم که دیگر مردم متنفر شده‌اند و بدشان می آید، چون ما کشوری هستیم مذهبی ومردم ما

نسبت به این مساله تعصب
دارند.

سکس باید بطور لطیف
قشنگ تر وشرقی تری نشان د
ما با کشورهای اروپائی فرق
درست است که فـرهنگ مردم
پیشرفت کرده و متمدن شده
فی المثل یک دختر قبل از ا
حتما باید باکره باشد و این
ناشی از تعصب ما میشود مرد
هیچوقت نمیخواهند که ما
ها را عریان ببینند.

از ایــــن ببعد من
گرفته‌ام درمورد صحنه‌های
قبلا با کارگردانان صحبت ک
از آنها میخواهم که درمورد
صحنه‌ها بامن بحث کنند و ق
وجود آنها مرا آگاه سازند
که میل ندارم ناگهان سر
بمن بگویند که باید حتما در
صحنه لخت بشوم من هنرپ
هستم که مطیع کارگردانان
هایم هستم و فکر میکنم هـ
کارگردان می گوید، همان
شاید آنها بهتر از من میدا
قبلا درمورد بعضی از ف
چون کارگردان درمورد صح
سکسی چیزی نمی نگفته و بع
صحنه مرا در بن بست قرار د
مجبور شده‌ام بخاطر مطیع
از کــار گردان، دستورات
اجرا ودر صحنه‌ای عریان

● کدام فیلمی ازای
مورد توجه‌تان قرار گر
تاثیر بدازلحاظ نوع تهی
سکسی درروحیه شما گذ

ـ من اسم فیلمی را نمیبرم، چ
فیلمی که در آن بغلخوابی
کنار داشته باشد، بازی



من نمیخواهم این کار را بکنم دوست ندارم. روی من هم اثر نگذاشته و هیچوقت هم این صحنه‌ها را بازی نخواهم کرد.

● **مثلا فیلم کیفر چطور؟**

ـ مسلما هیچ زنی قلباً راضی نمیشود چنین صحنه‌ها و حالاتی را بازی کند یا ببیند. اما در فیلم کیفر مساله‌ای بود که... اصلا من فکر میکنم اگر آن صحنه‌ای که مورد نظر شماست در فیلم نبود شاید بهتر بود فیلم کیفر رویهمرفته فیلم خوبی بود ولی آن صحنه به مقدار زیادی از منطق بدور بود. من از کار عبداله غیابی خوشم آمده است..

● **آیا شما هم مثل بعضی از هنرپیشه ها اعتقاد دارید که بازی کردن در اولین فیلم یك فیلمساز جوان اشتباه است؟**

ـ نه اشتباه نیست باید هنرپیشه‌ها با فیلمسازان جوان کار کنند، چون اگر نکنند او نمی تواند موفق بشود. یك فیلمساز جوان در فیلم دوم خود حتما نواقص بعدی را از بین میبرد. من اصولا یك حس همکاری دارم و دلم میخواهد با جوانهای تازه کار ، همکاری کنم.

بهرحال هر فیلمساز کهنه‌ای، روزی یك فیلمساز جوان بوده و نمیشود آدم با او ظلم بکند خود من هم روزی یك آکتریس کوچك بودم من به اصلی معتقد هستم و آن این است که آدم وقتی یك کاری را قبول می کند، تا به آخرش میرود و دیگر حرفی هم نباید پشت سر کس یا کسانی بزند.

بقیه در صفحه ۳۵

دنیای سینما

چه؟

● فیلم جدید «رومن پولانسکی»، سازنده خلاق فیلم‌های برجسته «بچه‌رزماری» و «مکبث» یك فیلم کمدی باسم «چه؟» می باشد که سناریوی آنرا یار قدیمی پولانسکی، «ژراربرانش» نوشته که‌سابقه طولانی‌تری ازپولانسکی درسینمادارد. قصه‌فیلم یك «آلیس درسرزمین عجائب» گونه است و ماجرای دختری‌را بیان‌میکندکه دریك ویلای باشکوه ومجلل‌میان چندین مرد زندگی می کند. نقش این دختر را چهره تازه‌ای که پولانسکی اورا کشف کرده، بازی می کند و سایرین عبارتند از: مارچلوماسترویانی، هیوگریفیث، رومولو والی و خود پولانسکی!

صحنه های اصلی فیلم در رم فیلمبرداری شده است.

نادین‌مارکان وشوهرش

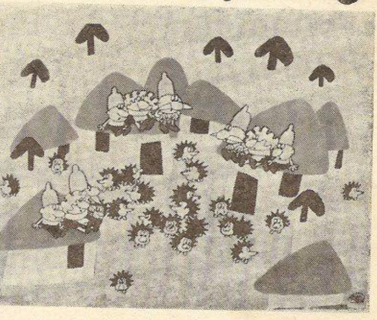
● «ژان‌لوئی ترن‌تینیان» که بتازگی اولین فیلمش را درمقام کارگردان، ساخته‌است وامیدوار می‌باشد که بهمین زودی دومین فیلم خود را بسازد، به‌کاربازیگری خود برمیگردد و نقش اول فیلمی‌را که همسرش «نادین مارکان‌ترنتنیان میسازد، بازی می کند. سناریوی فیلم را نادین با همکاری «آلن کورنو» نوشته و سیمون سینیوره به نقش یك زن روسپی که بقتل میرسد، میشل‌بوکه، ژولیت برتو و شارل رنی، ژان‌لوئی‌راهمراهی‌می کنند.

غرب دوردست

● «کلود للوش» فیلمساز فرانسوی که‌اخیرآ فیلم «سال‌خوب» را بپایان رسانید، در مقام یك تهیه کننده، فیلمی‌را به «ژاك برل» داده که بسازد.

این فیلم «غرب دوردست» نام دارد که خود برل نقش اولش را نیزایفامی کند. سایر بازیگران فیلم «ژولیت گرکو»، «میشل پیکولی و شارل ژرار» هستند. داستان فیلم رویای مردی (برل) را بیان می کند که در بلژیك

● روستای زیرك



* فیلم‌های بلغاری، بخصوص کارتون‌های این سینما، دو، سه‌سالی است‌که چهره پیروزی را در فستیوال‌های جهانی لمس می‌کنند. جدیدترین پیروزی مربوط است به‌استقبال بی‌نظیر یك‌میلیون ازمردم شوروی‌که در مرکز بیست‌گانه سینمائی به‌تماشای فیلم‌های بلغاری‌پرداختند و بزرگترین منتقدین‌روسی در روزنامه‌های پراودا وایزوستیا زبان به‌تحسین از این‌فیلم‌ها گشودند.

یکی ازاین آثار، فیلم «روستای زیرك»، ساخته‌ی «دونر دونف» می‌باشدکه درفستیوال جهانی تهران، رم، لندن وابرها وزن چهار جایزه بدست‌آورد. این‌فیلم با سایر آثارکارتونی سینمای بلغارستان‌اخیرآ دردهمین‌فستیوال‌فیلم پاناما وهشتمین فستیوال فیلم‌های‌کوتاه در «لوئیس‌آیرس» نمایش داده‌شد و مورد توجه شدید قرار گرفت.

تصویر، صحنه‌ای ازاین فیلم‌را نشان میدهد.



● خوش بین‌ها

✡ سالهاست‌که‌کارهای پیترسلرزرا بعنوان یك هنرپیشه هزار چهره مقتدرتحسین‌کرده‌ایم. وی‌قبلا درتئاتر بازیگرپرکار و تردستی بوده است. آخرین فیلم سلرز «خوش‌بین‌ها» نقطه عطف تازه‌ای درکاریرسینمائی این هنرمند بشمارمیرود. وی‌در این فیلم به‌نقش یك نوازنده دوره‌گرد ظاهرشده‌که بقول‌خود سلرز، کارمشخص و متمایزی برایش بشمار میرود. سناریو و موزیك فیلم‌را «لیونل‌بارت» نوشته و «آنتونی سیمونز» آنرا کارگردانی‌کرده است.

دوکودك بازیگرباسامی «دونامولان» و «جان‌شافی» سلرز رادراین‌فیلم‌همراهی‌کرده‌اند. مقدمات‌تهیه‌این‌فیلم‌مدت‌دوسال‌طول کشید ودراین‌مدت تهیه‌کننده، «آدریان‌گی» و کارگردان برای انتخاب موزیك درست وهنرپیشه‌ای‌که‌نقش اول را بازی‌بکند، مطالعه میکردند. تصویر، سلرزرادرصحنه‌ای‌ازاین‌فیلم‌نشان‌میدهد

خبرهای کوتاه

● «ژرار بلین» خود در فیلم تازه‌ای که میسازد نقش اول را بازی می‌کند. این فیلم «پلیکان» نام دارد.

● «ژرار اوری» فیلم جدید کمدی خودرا تحت عنوان «ماجراهای رابی ژاکوب» باتمام رسانید.

بازیگران این فیلم «لوئی دوفونس» وسوزی دلرهستند.

● «آلن ژسوا» که فیلم «معالجه با شوك» او با شرکت دلون اینك در پاریس روی اکران است فیلم «سلام آقای فرانکشتین» را میسازد.

● «آلن روب گریه» نویسنده و فیلمساز معروف فیلم پنجم خودرا تحت عنوان «بازی با آتش» میسازد. نقش اول را «ژان لوئی ترن تینیان» بازی می‌کند.

● «میکل آنجلو آنتونیونی» یك فیلم مستند در چین ساخته که آنرا با دوربین سوپرهشت گرفته است. آنتونیونی مدت ۶ هفته درچین بود. نام این فیلم «چونك کوو» است. وی بالاخره پس از مدتها فیلم بلند داستانی «شیرین بطریق تکنیکی» را با شرکت «ماریا اشنایدر» جلوی دوربین میبرد.

● «راك هودسن» هم به تلویزیون میرود. وی دریك سریال سینمائی باسم «مك میلان و بانو» شرکت می‌کند. نقش مقابل او را «سوزان سنت جیمز» چهره معروف سریال «جستجو» که در تلویزیون طرفداران فراوانی دارد، برعهده گرفته است.

فانتزی یك زندگی به‌شیوه غرب وحشی‌را برای‌خود مجسم‌میسازد.

ژان پیرموکی وفیلم‌هایش

● «ژان پیرموکی» بازیگر وفیلمساز فرانسوی خیال ساختن چند فیلم را دارد که نمیداند کدامیك را اول آغاز کند! بهر صورت در ماه ژوئن فیلم اول را شروع می‌کند که نقش اولش‌را «مارلین ژوبر» ایفا می‌کند. این فیلم داستان زنی را بیان می‌کند که بیماری روانی دارد وگرفتار یك ماجرای حق السکوت میشود. فیلم دوم راخودپیرموکی علاوه‌بر کارگردانی نیزبازی می‌کند و احتمالا «جان فینچ» (جنون هیچکاك) و «جین بورکین» هم سایرنقش‌های آنرا بازی خواهند کرد.

در عالم اوهام

● «باربارا استرایساند» که بتازگی خیال تهیه فیلم هم بسرش زده وبرای این منظور با پل نیومن واستیومك کوئین، سیدنی پواتیه و داستین هافمن یك کمپانی تهیه‌فیلم تشکیل‌داده‌اند، برای اولین فیلم خود در این مقام تازه «در عالم اوهام» را تهیه می‌کند. این‌فیلم داستان‌یك زن خانه دار اهل نیویورك را بیان‌می‌کند که‌باظرافت همه‌چیزو همه‌کس را مسخره می‌کند! این اوهام و تخیلات، باربارا راکه به‌نقش «مارگارت» ظاهر میشود، به‌افریقا وکوبا وسایرنقاط‌جهان میکشاند نقش فیدل کاسترورادر این فیلم «جاکومبومورالس» و نقش مادر مارگارت را «جین هافمن» برعهده دارند.

ازدواج مجدد

● دین مارتین خواننده و هنرپیشه آمریکائی که بقولی یك دون‌ژوان عیاش لقب یافته، با سومین همسرش «کاتی‌هان» که ۳۰ سال از او کوچکتر است (دین مارتین ۵۵ سال دارد!) ازدواج کرد. دین‌مارتین به‌همسرش یك دستبند برلیان ویاقوت ۵۰۰ هزار دلاری هدیه کرده است و ساقدوش اوهم رفیق و یار قدیمی دین، فرانك سیناترا بود!

● گلنداجاکسون وفیلم کمدی



✿ گلنداجاکسون، ستاره هنرمند انگلیسی‌که اینك فیلم «زنان عاشق‌پیشه»، اثر «کن‌راسل» را ازوی درتهران‌روی‌اکران آورده‌اند، بعدازبازی درچندفیلم درام مثل «درتلاطم‌زندگی» و «یکشنبه، یکشنبه‌لعنتی» (که هردو را نیزدرتهران نمایش داده‌اند) وهمین «زنان عاشق» بتازگی دریکی دوفیلم‌که مغایر کارهای قبلی‌اوست، ظاهرشده. فی‌المثل چندی قبل بازی در فیلم تاریخی «میراث یك‌ملت» را همراه با پیترفینچ، به‌پایان رسانیده‌و بتازگی نیزدریك‌فیلم‌کمدی‌باسم «A Touch of class» ظاهرشده است.

گلنداجاکسون‌درمورد یك‌فیلم‌کمدی‌میگوید: «این‌خیلی مشکل‌تراست که آدم، تماشاگر را بخنداند تا آنهارا به‌گریه وادارد. من‌این فیلم‌را باین‌خاطر بازی کردم‌که همه چیز بدون دردسروراحت برگزارشد.»



پاسخ سردبیر

تهران ـ آقای شاهین نیك صفت :

۱ــ نام‌هنر پیشه فیلمها ئی که خواسته‌اید:

انتقام ریواك (جك پالانس ــ آنیتا اکبرك)محاصره سیراکیوز (روسانو براتسی ـ سیلوا کوشینا) حلقه آتش (دیوید جانسون) سافو (کاپوسین)سالامبو(ژانسر ناس) ماجراهای شین (وان‌هفلین ـ جاده غولها (دون مگوان ــ چلوآلونسو) دزد ملافه (چلو آلونسو)گولیات (اورسن‌ولز ویکتورماتیور) انسانیت ــ (دیوآنند ـ بینارای‌ودلیپ کمار) نام هنر پیشگان فیلم«سانتو و تبهکاران » را چون ندیده‌ایم و باهنر پیشگان آن نیز چندان آشنائی نداریم، باکمال تاسف نمی‌شناسیم .

۲ــ برای «حیدرصارمی» بمیدان ارك ــ رادیو ایران نامه بنویسید .

شیراز ـ خانم لاله یعقوبی:

تصاویری را که نقاشی کرده بودید رسید ، محتمل است از آنها استفاده شود ، بهرحال از نظر لطف شما خیلی متشکریم .

همدان ــ آقای هرمز شهریاری :

شماره مورد نظر در دفتر مجله موجوداست برای دریافت آن میتوانید معادل قیمتش تمبر باطل نشده ارسال داریدالبته باضافه آدرس کامل و دقیق خود .

تهران ـ آقای کریم سلحشور :

۱ــ بجای پیتر او تسول معمولا « جلیلوند » صحبت میکند کسیکه بجای «راج کمار» صحبت کرده متاسفانه نمی‌شناسیم

۲ــ عکسهای درخواستی شما نیز درشماره‌های آینده چاپ خواهدشد

۳ــ الیزابت تایلور مارلون براندو از جمله هنرمندانی هستند که درهالیوود بیش ازدیگران دستمزد دریافت می‌کنند .

تهران ـ آقای فرزاد رستمی :

۱ــ ناصر ملك‌مطیعی از سال ۱۳۲۷ فعالیت سینمائی خود را شروع کرده است

۲ــ بهترین فیلم ملك مطیعی درمقام کارگردان بنظر ما «سوداگران مرك » مردها و جاده‌ها» است

۳ ــ کارگردان فیلم « پل رودخانه کوای » ــ دیویدلین بود

اصفهان ـ آقای حبیب‌الله رحیمی :

نخستین فیلمی که سیامك یاسمی کارگردانی کرد «شبهای تهران» بود

تهران ـ آقای محمدحسین ریاضی :

بچشم دراولین فرصتی که عکس جالبی از کلینت ایستوود بدست ما رسید روی جلد چاپ خواهیم کرد

شهسوار ـ آقای یعقوب میرزالو :

وقتی آقای کارگردان مورد نظر تان چندبار بشماجواب رد داده‌اند باید متوجه بشوید که قبولی ایشان جهت بازی شما درفیلم آینده‌اشان یك تعارف بوده است .

تهران ـ آقای حیدر نیکپور :

۱ــ ماهم ازدوبلاژ دل پرخونی داریم ولی کاری جز منعکس‌کردن نظریات شما و باخودمان ازدستمان بر نمیآید

۲ــ بهترین فیلم توام ملك‌مطیعی و فروزان تابحال «لذت‌گناه» بوده و بعدازاین شاید « فرارازحقیقت » چون خیلی از این فیلم تعریف میشود.

۳ــ عکس‌خانواده ملك مطیعی راهم درآینده چاپ خواهیم کرد .

تهران ـ آقای رحمت شفیعی :

مامطلع نیستیم که بامراجعه به استودیوها حتماً هنرپیشه خواهیدشد یاخیر؟ ولی اگر ازشرایط مورد نظر سازندگان فیلم‌چنانچه برخوردار باشید بدون شك شما را خواهند پذیرفت .

تهران ـ دوشیزه زهره امینیان :

نام کارگردان فیلمهای مورد نظرشما :

شوالیه های میزگرد (ریچاردتورپ) ماسیست قویترین مرد روی زمین (لونوبلا) هفت‌رعد (هوگو فرانکوز) دختری با چمدان (والریو زورلینی) داستان راهبه (فردزینه‌مان) پسران شبگرد(مایکل‌گوردون) جامبو (چارلزوالترز) دره انتقام (ریچاردتورپ) تونل ۲۸ (رابرتسیودماك) ۴ روز ناپل (نانی‌لوی)

تهران ـ آقای فرهاد رضائی :

۱ــ کارگردان فیلم «فروغ بی‌پایان» نیکلاس ری است .

۲ ــ شماره مخصوص نوروز در دفترمجله موجود است برای دریافت آن۳۰ریال تمبر باطل نشده ارسال‌دارید تا بآدرس شما ارسال‌شود.

خرم‌آباد ـ آقای رضا نوریانی :

۱ــ کارگردان فیلمهای مورد نظرشما :

هفت‌دلاور(جان‌استرجس) میخواهم زنده بمانم (رابرت وایز)فرار بزرك(جان‌استرجس) ماموریما فلینت (دانیل‌مان) و آن‌فیلم تکزاسی را اگر لطف بفرمائید لاتینش را بفرستید نام‌کارگردانش را برایتان می‌نویسیم .

۲ ــ کارگردان های سرشناس دنیا جان‌فورد ــ وینسنت‌مینه لی ــ فردزینه‌مان جان‌هوستن ــ آلفردهیچکاك آنتونیونی ــ فلینی ــ ویلیام وایلرو برخی دیگر که متاسفانه در این فرصت بخاطر نیاوردیم

۳ــ اگر کتابی بخواهید بچاپ برسانید باید ازوزارت اطلاعات اجازه بگیرید .

آبادان ـ آقای هوشنك حسیم :

۱ــ برای « عارف » بآدرس میدان‌ارك ــ وزارت اطلاعات ، رادیوایران نامه بنویسید .

۲ـ برای‌سایر هنر پیشگان مورد نظرتان می‌توانید به نشانی خیابان سزاوار (بین فروردین‌واردیبهشت) نامه بنویسید

۳ــ زرین‌دست درحال حاضردرایران بسر نمی‌برد .

تهران ـ آقای فرهاد محمدی :

تمام مواردی را که یادآور شده‌اید طی مطالب متعدد جهت پیشرفت و رفع نقائص سینمای ایران متذکر شده‌ایم. بهرحال دقت‌نظرشما قابل تحسین‌است .

تهران ـ دوشیزه نیلوفر قدیری :

۱ــ از عدم تهیه فیلمی که‌قرار بود باشرکت‌ملك‌مطیعی و پوری‌بنائی تهیه‌شود، اطلاعی نداریم،اماگویافیلم‌حاضر باشرکت بهروز وثوقی و پوری بنائی ساخته میشود .

۲ــ عکس‌ملك‌مطیعی را هم درآینده‌چاپ خواهیم کرد

یزد ـ آقای مجید خرمی:

تصویری که از روی صورت ملك‌مطیعی در جامعه درویش ترسیم کرده‌اید وهم چنین‌تصویر تان‌ازتونی‌کرتیس که‌خیلی جالب بود، ولی‌امکان چاپ آن‌متاسفانه‌وجود ندارد البته باعرض‌معذرت، بهرحال خیلی متشکریم .

آبادان ـ آقای مرتضی شریعت :

تانسی‌کواك در « صدا خفه‌کن» نقش‌معشوقه «مت‌هلم» راداشت که‌دالیالاوی‌اورامیکشد.

تهران ـ آقای فرخ همدانی :

متاسفیم‌که شمااین‌چنین فکر میکنید ، اگر بنامه شما جواب‌داده نمیشود بخاطر اینست که سئوالی طرح نمیفرمائید . بهرحال این بارکه سئوالاتی مطرح کرده‌اید . پاسخ های آنرا مطالعه بفرمائید.

۱ــ تهیه کننده فیلم «بیدار باش» راج‌کاپور بود .

۲ـ لی‌ماروین برای «کت بالو» اسکارگرفته‌است.

۳ـ بصندوق پستی۱۹۴۷ فیلم‌وهنر ــ دایره مسابقات . نامه بنویسید.

نقد و منتقد در ایران...

از : ایرج صابری



فریدون معزی مقدم

● بطوریکه دیدیم «فریدون معزی‌مقدم»، در نقد هایش بیشتر اوقات خودرا مقید نشان نمیدهدو خیلی فارغ و صریح بـه حواشی وحتی به مسایلی‌که ممکن است مربوط به فیلم مورد بحث نباشد می پردازد. بطوریکه نثراو گاهی حالت محاوره‌ای بخود میگیرد. «معزی‌مقدم»، ازجمله‌منتقدینی است‌که قبل از«فرم»، به«محتوی» توجه بیشتری نشان میدهد و آشکارا به تعهدات اجتماعی فیلمسازدرکارش اهمیت میدهد و میزان این اهمیت تاآن حدهست‌که ارزشیابی‌کلی‌و نظر غائی‌اوراتحت تاثیرقرارمیدهد.

ــ ... یکبار تعهد اجتماعی بمعنای مسئولیت اجتماعی و گرایش بیك نوع ایدئولوژی خاص است‌ویکبار بمعنای‌شرافت داشتن و شرف هنرمند در کار خودش ــ مثلا من با طرز فکر آقای«فه‌لینی»درفیلم«ساتیریکون» ممکن است موافق نباشم ولی‌او به‌تعهدخودش‌در حوزه‌ای‌که کار می‌کند، وفادار است و در غنا و اعتلای آن‌میکوشد ومن‌جزمتاسف شدن‌کاری نمیتوانم بکنم وقتی «فدریکو فه‌لینی» میگوید که سالها بعد یك یونانی بمن‌گفت دنیا همچنان اسیر و بنده‌شهوات باقی خواهد ماند، من این فکر «فه‌لینی» را نمی‌پذیرم اگر من بفیلم‌او بپردازم‌بخاطرزمان‌سازی و میزانسن ورنك و تمام عوامل متعالی‌است‌که در کار او دیده میشود ــ چرا که این طرز فکر در رد ایدئولوژی من منتقد است که به‌تحول اجتماعی اعتقاد دارم ومیگویم که مادر مدار دایره‌ای شکل حرکت نمی کنیم کـه بنقطه اول برسیم...

● و‌می‌بینیم که «معزی مقدم» با این چنین توقع و دیدی قضاوت های یکطرفه سیاسی و اجتماعی فیلمساز را نه‌تنها نمی‌پذیرد بلکه بخاطر اینگونه جانبداریها کار او را حتی در صورت متعالی بودن، ردمی‌کند.وازآن جمله،میتوان از فیلم «توپاز» هیچکاك مثال آورد :

ــ ... در فیلم های اخیر هیچکاك (توپاز ــ پرده پاره) مسایلی نظیر اینکه جامعه‌ای ــ البته با آدمهایش ــ در مقابل جامعه‌ای‌دیگر کوچك‌وحقیرنشان داده شود، مطرح است ولی اگر کسی شیفته کارهای هیچکاك‌باشد بدلیل دنبال کردن حرکت او وطرز کارش ممکن است متوجه این قضایانشود ویا احیاناً آنها را سطحی و وسیله تفریح بداند و فکر کند کـه خطری ندارد و تبلیغی نیست بنظرمن نه‌تنها این درست نیست بلکه خیلی هم‌موثر است مثلا فیلم اخیراو «توپاز» که واقعه‌ای دارد بـا زمینه‌ای گسترده بـرای دلهره وترس و نگرانی و کشش‌های خاص او ــ اما درجوار این عوامل هیچکاك بطـور آشکاری بمسایل سیاسی نظر دارد. البته مـا نمیتوانیم قضاوت بکنیم کـه انتخاب این قصه صرفاً بخـاطر جنبه‌های آنتریکی داستان بوده یا اینکه بخاطر فضا و محیط داستانش‌ولی ازآنجائی‌که درکارهای اخیراو مرتب با ایـن مسایل روبـرو میشویم من فکرمی‌کنم کـه توجه باین قطب‌ها بالاخره تا حـدی تعمدی بوده است.

شما یك شخصیت خوب از آدمهای ضد غـربی در فیلمهای هیچکاك پیدا نمی کنید. آنهـا خشن ومتجاوزهستند،نمی‌بخشند، زنها را می‌کشندوازاین قبیل ــ اما در مقابل غربیها موجوداتی ایده‌آل ومهربان هستند و برای جلوگیری ازجنك تلاش می کنند وبرای رفاه وصلح می کوشند.

من متاسفم کـه هیچکاك آدمی هم این چنین طریقه‌ای را در اختیار میگیرد ــ اگـر در فیلمهای جیمز باندی بود تعجب نمیکردم چرن تکلیف‌آن فیلمها معلوم است ــ که‌آدمهای خبیث باید همیشه‌دارای چشمهای‌مورب ورنك زرد وکله تراشیده‌باشند ــ الان ما تصوری از یـك‌آدم‌زرد پوست سر تراشیده مهربـان و انسان در مـدیوم سینما نداریم، همه‌آدم کشند، دزدند، جاسوسند.

این درست تقویت‌کننده‌ی‌یك فکر برتری نژادی و بـرتری ایدئولوژیکی است و یك مقدار هم مـوجه جلوه دادن تمام فعالیتهای غربیهاست.

متأسفانه من در فیلمهـای هیچکاك بـا این مسایل روبرو هستم و تحسین صد درصد را از کـارهای هیچکاك نمی‌پذیرم و میگویم او در اینجا بمن اهمیت نداده و آدمی مثل مـن برایش مطرح نبوده است، یعنی جهـان سومی برایش مطرح نیست.

بین دو قطب وقتی دعوائی میشود ممکن است هردوهمدیگر را به‌لجن بکشند، منصفانه‌رفتار کـردن و واقعیـت نشان دادن در فیلمهـای هیچکاك شاید در درجه بیست‌و هشتم اهمیت‌هم‌قرار نداشته باشد.

● برمیگردیم به نقد او از فیلم «توپاز» کـه در ضمن روشنگر وظایف منتقد هـم هست.

سینمای استادکارانی چون هیچکـاك ممکن است در وهله اول اینطور بنظررسد کـه بعلت اوج عناصر سینمائی آن‌جزسینمای خالص ویاسعی در به‌سینمای‌خالص رسیدن نیست ودیگر هرچه هست فرع بـراصل و وسیله وآلت و عامل هنرمند در خلق اثرخویش است.

گووهی سرسختانه در مورد کارهای هیچکاك‌چنین‌میگویند.

... بهرحال‌کمال‌کاردراین است‌که ازلابلای سطور و تاروپود و معماری فیلم به‌چشم اندازهای دیگری برسیم ودراین از لابلای ساخته‌ی بی‌نظیر «توپاز» گذشتن است‌که چیزهائی بذهن میرسد و مناظری کـه سکوت کـردن در خصوص‌آن بی‌انصافی‌ودرمواردی خیلی بی‌همه چیزی میخواهد.

درست‌درچنین موضع‌ومقامی است‌که باید گزمه عقل بوجدان را بردرخانه عشق نگهبان‌کرد. چرا که عشق گرچه دردل چراغها روشن می‌کند. اما جزعشق‌ندیدن بیك اعتبار کوری مشروط است واینگونه پرداختن چنان فراغتی به‌آدمیزاد می‌بخشد و چنان‌نقبی به‌درون ومیان است‌که گاه بخود آمدن. آنگاه‌است‌که عمری‌در بند نقش ایوان گذشته است وچشم غافل در یك واپس نگری جز بروی پای بست ویران مات و خیره شدن راهی بجائی ندارد..

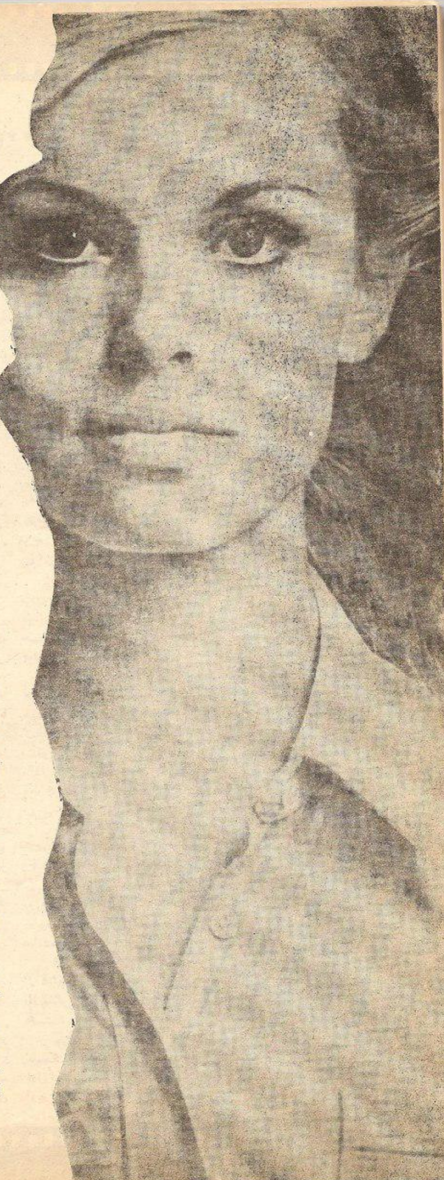
... مثل : پرده پاره ومثل چندین فیلم دیگر هیچکاك، در «توپاز» هم «غرب» در پشت تمام جاذبه وآکسیون فیلم درمقابل قدرت دیگر تبرئه‌میشود و به‌نوعی قدرت دیگرمتجاوز وخرابکار از آب‌درمی‌آید ومنطق‌ارتباطات وعلل وعکس‌العمل اعمال‌وافعال وهمکاری جناحهای مختلف‌به‌این شکل توجیه میشودکه قدرت‌دیگر جز «شروبدی» چیز دیگـری نیست ودرصورت تهدید شدن یك کشور از طرف ایـن شر وبدی یقیناً دول دیگر بی‌نصیب‌نخواهند ماند.

ادامه‌دارد

عریان مثل

فصل دوم پاورقی دختر شهر باران

نوشته: م. صفار



سرنوشت زهره فاجعه‌ای دردناك است... فاجعه‌ای که برای همه میتواند یك درس عبرت باشد. آیا بنظر شما غم‌انگیز نیست که یك دختر شانزده ساله در دام فریبکاران گرفتار شود؟

دوستی و روابط من با کلثوم خانم از همین جا مستحکم شد، تمام روزهای من در کنار کلثوم خانم میگذشت و من در این مدت با پسر او که اسمش «احسان» بود آشنا شدم.

او پسر مهربان و آرامی بود وطی برخوردهایش، طوری وانمود میکرد که انگار هیچ توجهی بمن ندارد.

یکروز کلثوم خانم مرا کناری کشید و گفت،

– زهره، میخواستم یه چیزی بهت بگم.

ته قلبم احساس کردم که ممکنست راجع به پسرش احسان برایم حرف بزند و اتفاقاً حدسم هم درست از آب در آمد. زیرا کلثوم خانم بمن گفت،

– پسرم خیلی بتو علاقه داره دیشب بمن گفت که تورو دوست داره.

با شنیدن این حرف بجای اینکه به احسان فکر کنم بیاد ایرج، اولین عشق و اولین طلوع درقلبم افتادم. بیاد فریده افتادم و بیاد آن ماجراهای تلخ.

کلثوم گفت.

– چرا فکر میکنی؟

گفتم،

– هیچی.

و آنگاه قطره اشکی را که روی گونه‌ام سر میخورد پاك کردم و گفتم،

– من از دوست داشتن میترسم.

کلثوم خانم اخمهایش راتو هم کرد و من راستش ترسیدم که باو جواب رد بدهم. زیرا او بقدری درحق من مهربانی و محبت کرده بود که من جرات نداشتم کوچکترین اعتراضی در جواب حرف او از خودنشان بدهم.

کلثوم دوباره پرسید،

– دوست داری که با پسر من رفیق بشی؟

جواب دادم:

– من حرفی ندارم، اما بشرط اینکه بیاد خواستگاری من

کلثوم خانم ازجایش بلند شد و گفت،

– وا، چه حرفها ... خوبه واله... تا اسم دوست داشتن میاد بلافاصله حرف ازدواج رو پیش می کشین.

سرم را پائین انداختم و تا

پائیز

برایتـان درفصل اول نوشتیم که :

زهره بعد از مرگ پدر ، زندگیش دستخوش ماجراهای متعددی شد .

مادرش بامردی بنام هاشم‌آقا که راننده‌کامیون بود ازدواج کرد و بعدازدوسال از او طلاق گرفت .

زهره هنگامی‌که در کلاس چهارم دبیرستان درس میخواند با برادرفریده بنام ایرج آشنا شد و عاقبت درسفری‌که برامسر کرده بودند ایرج و زهــره با یك دیگر همبسترشدند . و پدر ایرج نیزبـه زهره تجاوزکرد .

پس از این ماجرا ، شخصی بنام مهندس امیرکه مادر زهره درشرکت او کار میکرد به آنها پیشنهاد میکندکه به تهران بیایند وعاقبت زهره ومادرش فخری، همراه مهندس امیر عازم تهران میشوند

اینك دنباله این ماجرای جنجالی را اززبان زهره بخوانید:

آمدم کــه بگویم تجربــه دوست داشتن قبلی، زندگیم راتباه کرد صدای دربلند شد و احسان پسر کلثوم‌خانم از دروارد‌شد وبمحض اینکه چشمش بمن‌افتاد گفت،

ــ سلام‌زهره خانم. حالتون چطوره .

ــ خیلی ممنون .

احسان کنارما نشست وگفت،

ــ اگروقت دارین ، بریـم یه گشتی‌توشهر‌بزنیم .

قبل‌ازاینکه من‌حرفی‌بزنم، کلثوم‌خانم گفت ،

ــ باشه ، بریم .

من گفتم ،

ــ آخه مادرم ... اون‌الان برمیگرده .

کلثوم‌گفت ،

ــ جوابش بامن .

احسان بمن تعارف کرد‌که حرکت کنم وکلثوم خانم‌هم‌دستش راپشت من‌نهاد وگفت، بریم.

هیچ‌راه چاره‌ای نبود،همراه آنها براه افتادم وسواراتومبیل احسان که سرخیابان پارك شده بود شدم .

خیابان پهلوی ، آنطورکه باید وشاید مثل‌همیشه شلوغ‌نبود هواتوفانی‌بود، گردوخاك چشم را کورمیکرد .

احسان گاز داد و اتومبیل حرکت‌کرد. من‌زیرچشمی‌مواظب حرکات ونگاههای احسان‌بودم. احسان که‌گاهی‌نگاهی بمن‌میکرد ولبخند میزد .

من پرسیدم :

ــ کجا داریم میریم؟

احسان گفت ،

ــ سرپل . میریم طرفهای بند ...

وقتی‌سرپل رسیدیم، احسان گفت ،

ــ یــه‌کافه هست سربند ، صاحابش‌بامن آشناست بریم اونجا

آنگاه‌اتومبیل‌سربالائی‌بند را درپیش گرفت و هنگامیکه به کافه مورد نظررسیدیم ازاتومبیل پیاده شدیم و بآنجارفتیم . جای باصفائی بود . بغیراز ما عده‌ای دیگربادوسه‌زن که آرایش‌غلیظی کرده بودند . در آنجـا دیــده میشدند .

دوساعتی درآنجا نشستیم . کلثوم مرتب از احسان تعریف میکرد ، و احسان‌هم سعی‌مینمود خودشیرینی کند وباصطلاح‌خودش را تو دل من‌جا نماید .

وقتی ازسربند بمنزل بازــ گشتیم ، کلثوم اصرارکرد کــه ساعتی هم بخانه آنها بروم .

اما من ازترس اینکه مبادا مادرم ومهندس امیرآمده باشند از رفتن بخانه آنها خود داری کردم و بخانه خودمان رفتــم . بلافاصله به‌تروتمیزکردن اطاقها پرداختم ، بطوریکه چنــد لحظه بعــد وقتی مادرم آمد ، من‌کارم تمام‌شده بود .

مادرم‌عصبانی‌بود. وقتی‌بهش سلام کردم اصلا جواب سلامم را نداد ویکراست رفت وخودش را انداخت روی‌تخت .

من‌ازحرکات و رفتارمادرم که غیرمنطقی‌جلوه مینمودمتعجب شدم .

درحدود ده‌دقیقه‌بعد، درباز شدومهندس امیرهم‌آمد . مهندس امیرچهره‌اش برافروخته وآماده طغیان‌بود. من‌حدس زدم‌که باید حادثه‌ای اتفاق‌افتاده باشد.

بهمین‌دلیل سکوت‌کردم و منتظرماندم تاببینم چه حوادثی رخ‌میدهد. مهندس‌امیرکه همیشه ساکت وآرام ودوست داشتنی‌بود وحتی‌هیچوقت ازروی‌هوس‌نگاهی بمن نینداخته بــود ، مثل‌توفان کوبی،خشم‌داشت.انگارمیخواست تمام خانه را ازبیخ وبن کند.

چندبار درحال قــدم زدن سیگاری روشن‌کرد و وقتی من بهش گفتم :

ــ چراعصبانی هستین آقای مهندس ؟

گفت :

ــ ازدست اون‌مادرت ...

و بعداز این جمله ، مثــل شیرخشمگینی‌دراطاقی‌راکه‌مادرم درآن خوابیده بودبالگدبازکرد و فریاد زد :

ــ فخری ، بلند شو ازاین خونه بروبیرون.

مادرم‌سربلند کردوبه‌مهندس نگاه‌کرد .

امادرنگاه مهندس‌هیچگونه مهروعاطفه‌ای دیده‌نمیشد.وجودش لبریز ازنفرت وکینه وخشم‌بود.

مهندس ادامه‌داد ،

ــ بی‌حیای لکاته بشماهــا مهربونی نیومده .

اگراز روزاول مثل تفالــه چائی ریخته‌بود مت دور... اگر مثل‌تف انداخته بودمت زمین ، اونوقت آدم میشدی . او نــوقت طعــم مهرومحبت رو می‌چشیدی توباآبروی چندین‌وچندساله من بازی‌کردی... چرا... فقط بمن بگو چرا ،..

مهندس‌امیرهمچنان میغرید و راه میرفت‌ویك بسیگارمیزد. من‌آرام از اوپرسیدم ،

چی شده ؟

ــ پرخاش‌کنان‌گفت :

ــ چی‌میخواستی بشه . من خانوم‌روهمه‌جا همسرخودم‌معرفی کردم. توشرکت کاردرست‌وحسابی براش درست‌کردم ، توی خونه خودم جاش‌دادم ...

اما امروزصبح خانم بایکی ازکارمندان‌شرکت‌خصوصی‌خلوت کرده بود وتواطاق... واقعاًشرمم میشه دربارەش حرف‌بزنم .

هیچ فاحشه‌ای هم اینطوری زندگی نمیکنه .

وقتی‌مهندس امیرحرف‌میزد مــن ازشرم سرخ شده بودم . او واقعاًتنها آدمی‌بود که بمامهربانی ونیکی کرده‌بودوبدون کوچکترین چشمداشتی مارا پناه داده بود . در دلم بمادرم نفرین فرستادم و شاید اگر فرصت مناسبی پیــدا میکردم سرش فریاد میکشیدم و هرچی که‌دم‌دستم بودتوسروکله‌اش خرد میکردم .

اما صلاح دراین بودکه من حرفی‌نزنم وسکوت‌کنم.

مهندس امیرسیگار دیگری آتش‌زد وجل‌وپلاس‌مادرم راوسط اطاق ریخت وگفت،

ــ ازفردا صبح‌فکرجاومکان باش‌که ازاینجا بری.

من‌حال‌وحوصله نیگرداشتن یك‌فاحشه‌رو ندارم .

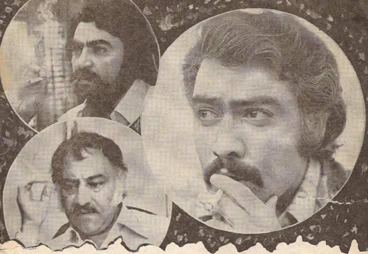
مادرم گریه میکرد و او همچنان ناسزایش میگفت و من در درونم از تیره بختی خـود میگریستم .

فاجعه ازنوآغاز شده‌بود... مثل‌همیشه ...

مهندس امیر" پس از پایان حرفهایش رفت داخل اطاقش و در را بست .

مادرم بلند شد. داشت زیر لب‌برای‌خودش حرف‌میزد:

ادامه دارد



ایرج قادری: بقولی عاشق سیگار است وشاید بتوان گفت که سیگار کشیدن اودرهر روز، به‌چهار پاکت هم رسیده و قادری معمولا بهنگامیکه به‌مسئله‌ای فکر می کند وتنهاست، سیگار می کشد و چون لحظات تنهائی بسیاری در زندگی قادری وجود دارد، سیگار کشیدن او نیز به‌همین ترتیب راه‌صعود را درپیش گرفته است!

فروزان: روزی حدوداً ده عدد سیگار بایستی بکشد وفقط در مواقعی « استثنائی » این تعداد به‌بیست و پنج عدد هم میرسد و بخصوص بهنگام بازی در فیلم « رقاصه » که فروزان جلوی دوربین فیلمبرداری و درواقع با کار آکتر خود درفیلم نیز بایستی سیگار می کشید وحتی درصحنه‌هائی چند از عشقبازی با ناصرملک مطیعی ایفاگر رل‌مقابلش درفیلم نیز فروزان کلی سیگار کشید و بقولی بااین‌ترتیب عادت فروزان به‌سیگار بیش‌ازپیش گردید!

گوگوش: تا قبل ازاینکه با محمودقربانی آشنا شود وکار آنها به ازدواج بکشد، گوگوش فقط هرچندگاه‌یکبارو آنهم بدور ازچشم پدرش سیگار می کشید و بدون هیچ نوع دلیل خاص که بتواندذکر کند، واما گوگوش‌بعد از ازدواج با محمود قربانی روز بروز بیشتر به‌سیگار علاقه پیدا کرد و بحدی رسید که روزی سه پاکت سیگاردرهر روزنیز استفاده کرده و البته اکنون گوگوش، سیگارزیادکشیدن‌خویش‌رابخاطر تسکین هرچه بیشتر اعصاب و طلب خلسه وراحتی‌مغزی قلمداد می‌نماید!

اسفندیار منفرد زاده: بخصوص در مواقعی‌که به نوشتن نت‌آهنگ‌ها و یاموزیك متن فیلم سرگرم است، به سیگار احتیاج بیشتری پیدا می کند ودراین‌گونه مواقع کاری، که گاه به‌بیست و و چهار ساعت‌کار مداوم می کشد منفردزاده به‌نسبت مدت‌زمانی‌که مشغول آهنگسازی میباشد، سیگار می‌کشد و فی‌المثل هفتهٔ گذشته بهنگام بیست و چهار ساعت کار مداوم برای‌موزیك‌متن‌قسمتی از فیلم «خاك»، تعدادصددانه‌سیگار توسط منفردزاده کشیده شده‌است؛ بله پنج پاکت‌تمام!

ناصر ملك مطیعی: فقط گهگاه و آنهم بعضی وقتها بنا باقتضائی‌که تشخیص میدهد، پس ازصرف مشروب، دوسه‌دانه‌سیگار دود می‌کند!

محمد علی‌فردین: ازسیگار کشیدن بهنگام صحبت، بیزار است ومصرف سیگار روزانه او بطورمتوسط یك پاکت است!

شهرزاد: مرتباً روزی سه پاکت سیگار می کشد و گاه که شبها به نوشتن چیزی مشغول شود، یك پاکت دیگرهم بایستی به مصرف سیگار شبانه شهر زاد افزود و وقتی ازاو می پرسی که چرااینقدر سیگار می‌کشد؟ جوابی ندارد بگوید جز آنکه این سیگار کشیدن را نوعی‌عادت بداند وعادتی‌که ده پانزده سال تمام است گریبانگیر او شده است!

محمد رضا فاضلی، از پر مصرف ترین سیگار کش‌ها بوده است و منتهی مدتی است که به ترك سیگار اقدام ورزیده وهم اکنون بمرحله‌ای رسیده است‌که روزی فقط سه چهارعدد سیگار بیشترنمی کشد وآنهم بطوریکه خودش می‌گوید بخاطر این است که کارهای‌شدیدروزانه ورسیدگی به استودیومهتا بفیلم‌که فاضلی‌در

بقیه درصفحه ۳۵

برنامه این هفته گروه سینماهای :

نیاگارا ـ اروپا ـ میامی ـ الوند ـ کیهان ـ گلدیس ـ مارلیک

اورانوس ـ سیلوانا و سیلورسیتی (قلهك)



محبوبترین چهره **سیروس افهمی**

تلویزیونی پس از موفقیت در نقش پهلوان

نایب در اولین اثر سینمائی خود همراه با

منوچهر طایفه بازیگر

ارزنده سینما

فیلمی شاد و پرماجرا با شرکت هنرمندان محبوب سینما و تلویزیون

لیدا دانشور ـ دلیله ـ نادره ـ آقا جانی ـ مهدوی فر ـ ناهید ـ درشوچی

مهرنیا و هنرمند خردسال امیر رضائی

سناریست : فریدون گله ـ کارگردان و فیلمبردار : حسین قاسمی وند

پشت صحنه مسلم (بقیه)

فیلمبرداری، آتش خاموش می‌شود ومن که تا این لحظه بعنوان یك تماشاچی فیلمبرداری و در بین عامه‌مردم بودم، به‌اکیپ می‌پیوندم ودرحالیکه همگی از حادثه غیر پیش‌بینی شده پاره گردیدن چادر و آتش گرفتن آن صحبت می کنند به‌هتل‌محل اقامت اکیپ باز گشتیم!

درهتل مشایخی و کـارمـن اسکوئی، یکساعتی درموردقسمت هائی ازرل خویش که درروزهای آتی بایستی آنرا مجسم سازندبا قادری بحث و گفتگو می کنند و پس ازآن فرصتی دست میدهد تا من نظرمشایخی رادرباره«مسلم» بپرسم و این جواب مشایخـی، هنرمند بااحساس تاتر وسینما که باتمام بیراهه‌رفتن‌های اودرسینما نمی‌توان‌منکر قدرت‌بازیگری‌اش بود، میباشد:

ـ والله رلی کـه در فیلم «مسلم» به‌من محـول شده، قبلا قراربود توسط عزت‌اله انتظامی ایفاءگردد و همچنانکه رل خود قادری یعنی «مسلم» را بهـروز وثوقی قراربود بازی کندومنتهی گویا چون کلیه مقدمات تهیه‌فیلم تدارك دیده شده وبـرای شروع فیلمبرداری‌اش عجله‌ای خاص‌در بین بودوضمناًسفربهروز به‌بوشهر طولانی گردیدو بهمچنین انتظامی هم درپاریس بود ، لـذا قادری خودش‌ایفای‌رل«مسلم»راعهده‌دار شد وپیشنهاد ایفای رلی که قرار بود انتظامی بازی نماید را نیز به‌من کرد وداستان جالب‌این‌فیلم که نوشته « علیرضا داودنـژاد» سناریست فیلم «عطش» است‌نظر مراگرفت وبهرحال فعلاکه‌داریم بازی می کنیم وتا ببینیم‌چه‌ازآب درمی آید!..

بهرحال صحبت با مشایخی راتمام کرده ومطلع میگردم کـه ادامه کارفیلمبرداری به‌فرداصبح موکول شده‌است وآنهم درجزیره مینوا

دوشنبه سوم‌اردیبهشت:

● ساعت ده‌صبح پس‌ازاین که خودم‌رابه جزیره‌مینورسانیدم ازیکی ازاهالی جزیره مزبور ، سراغ اکیپ‌فیلمبرداری‌راگرفتم وجالب اینکه‌آن شخص خـودش مـرا راهنمائی نمـوده و بسوی نخلستان جزیره مینوهدایت‌کرد وسرانجام‌باهزارویك‌اجازه‌برای گذشتن ازگروهی ژاندارم کـه بصورتی «حلقه‌محاصره‌وار»محل فیلمبرداری را درمیان نخلستان دربرگرفته بودند موفق شدم به اکیپ «مسلم» دسترسی پیداکنم‌و پس‌ازجستجو ازبروبچه‌های‌اکیپ دریافتم که این‌یکی ازسکانسهای نهائی فیلم است کـه فیلمبرداری می‌شود ویکمقـدار از چگونگی ورود «مسلم» و«سارا» به جزیره مینو راشامل می‌شود وعبور آنها ازمیان نخلها بمنظور رسیدن به خانه‌ای برای اقامت!

خلاصه پس از فیلمبرداری درمیان‌نخلستان وباشرکت‌قادری وکارمن اسکوئی ، افراد اکیپ وسایل خودرا جمع وجور کرده و به خانه‌ایکـه در همان حـوالی نخلستان بودمیروندودراینجاست که بایستی‌معاشقه‌ای‌راهم‌فیمابین «مسلم» و«سارا» شاهد باشیم، دو دلداده که ازمخالفتها گریخته و بدور ازچشم همه، به اینجا پناه آورده‌اند...

خلاصه فیلمبرداری درخانه مربوطه دوسه ساعتی‌طول می کشد ودرحالیکه ساعت نزدیك‌به‌چهار بعدازظهر است، درهمان خـانه بساط «نهار» مهیامیگرددوصرف ومیل آن.

پس ازنیم‌ساعتی‌توقف‌در کار اکیپ‌وبخاطر نهارمربوطه،قادری دستور حرکت بسوی مسجدی که در این جزیره‌ساخته‌شده‌رامیدهد ودوسه ساعتی بطول می‌انجامدتا اجـازه فیلمبرداری در مسجـد مربوطه به اکیپ داده می‌شود و بلافاصله پس از آن فیلمبرداری یك‌سکانس دیگر ازفیلم «مسلم» درمسجد مزبور وباشرکت‌قادری وکارمن اسکوئی آغاز می‌شود و فی‌الواقع مـراسم مسلمان شدن «سارا» بخاطرعشق «مسلم»جلوی دوربین میرود ...

ـ اشهدان لااله‌الاالله...

وکارمن که درفیلم «مسلم» هما نطوریکه گفتیم رل یك دختر مسیحی را ایفاء می کند، بهنگام بازی در این سکـانس وگفتن « اشهدان لااله الاالله... » در مسجدوجلوی‌دوربین‌فیلمبرداری آنچنان بگریه می‌افتدکه‌موجب می‌شود تا جـریان فیلمبرداری تکرارشود وتکرارشود،تارضایت ازکارحاصل وجنجال گریه کارمن اسکوئی هم برطرف گردد!

خلاصه فیلمبرداری‌سکانس مسلمان شدن «سارا»، ساعت‌هفت بعدازظهر باتمام میرسد و منتهی شلوغی حاصل‌ازیك‌عروسی‌مفصل محلی‌که درجزیره مینوبرپا شده بود، سبب می‌شود کـه یکساعتی طول بکشد تاوسایل فیلمبرداری بامراقبت افراد ژاندارمری، از شلوغی جان‌سالم بدربرده وباین ترتیب حدودساعت هشت ونیم‌بعد ازظهر جزیره مینوبوسیله اکیپ فیلم «مسلم» پشت‌سر گذاشته‌می‌شود وهمگی بسوی خرمشهر باز میگردند وتا دیدار بعدی...

وقسمت دوم و این مطلب را در شماره آینده مطالعه نمائید.

بهنام جعفری (بقیه)

هیئت‌داوران‌درچهارمین‌جشنواره سینمای‌آزاد برای فیلم(دیده ـ بانان را...) دیپلم بهترین‌فیلمـ بـرداری هشت میلیمتری در چهارمین جشنواره سینمای آزاد برای‌فیلم(عاشورا). پیکره‌سیمین پنجمین جشنواره سینمـای آزاد برای فیلم(ارتفاع متروك) دیپلم هیئت داوران پنجمین جشنواره سینمای‌آزاد بـرای(فریاد دوم) دیپلم تماشاگـران سینمای‌آزاد بعنوان کارگردان برگزیده. جایزه سوم جشن وزارت‌فـرهنك و هنر برای (ارتفاع متروك)، جـایزه زریـن سپاس ۵ بـرای (ارتفاع متروك).

● خیال می‌کنم‌که درحال حاضر وابسته به گروه سینمای آزاد باشی، قبل‌از پیوستن بـه این‌گروه فیلمی ساخته‌ای!؟

بهنامـ بله، دوفیلم «فریاد یك» و «پرسه درتهران» را قبل از بوجودآمدن گروه‌سینمای آزاد بطور مستقل ساختم بعد با نمایش این‌دوفیلم به‌این‌گروه پیوستم .

● درباره فیلم‌های‌کوتاه پنجمین جشنواره سپاس بگـو، کدام فیلم‌ها را پسندیدی؟ اگر جایزه به‌تو تعلق نمی گـرفت ، فکرمی‌کنی‌کدام یك از فیلمهـا استحقاق دریافت‌آنرا داشتند؟

بهنام ـ در ۳۵ میلیمتریها فیلم «حـاج مصورالملکـی» را بهتر می‌دانم. در۱۶ میلیمتری‌ها بدلیل کم‌بود درتعداد فیلمها (سه فیلم)، کارخوبی سراغ نکردم ، امابهرحال فکرمی کنم که «توبا» بهترازآن دوفیلم دیگـر بود . و دیگراینکه، اگرجایزه «به‌ارتفاع متروك» تعلق‌نمی گرفت، من گمان می کنم که «حسن بنی‌هـاشمی» با فیلم«برکه خشك» شانس‌بیشتری ازبقیه داشت .

● درمورد سایرجـوایز عقیده‌ات چیست؟آیارای هیئت داوران درانتخاب بهترین‌های سال، مقرون به‌واقعیت‌بود؟

بهنام ـ چون کاررای گیری یك کارجمعی است و دریك بحث وگفتگو و بـرخورد افکار و سلیقه‌ها منتج به یك نتیجه‌گیری نهائی میشود .

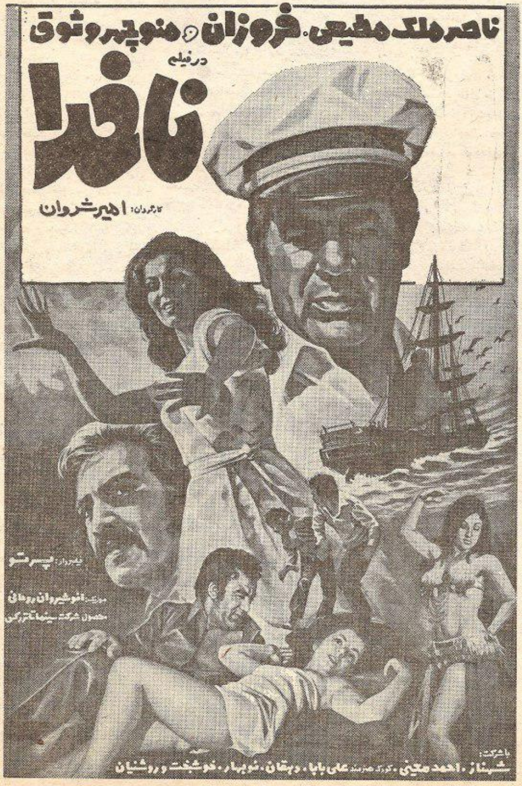
واز طرفی چون هریك از اعضای هیئت داوران ازآگاهـی وطرز تلقی‌خاص خـودشان بهره می گیرند، من خیال می کنم کـه نتیجه نهائی برخورد چند سلیقه وعقیده می‌تواندملاك وتاحدودی قابل‌قبول باشد .

روی‌همین‌قاعده‌من باانتخاب هایی کـه شد ـ بجز بعضی موارد ـ موافق هستم. فی‌المثل‌جایزه‌ی بهترین سازنده‌ی موزیك متن‌از نظرشخص‌من «هرمزفرهت»برای «پستچی» و چکنا واریان برای «بی‌تا» هـم‌می‌توانستند باشند و چندمورد دیگر که بماند..

● تمام

برنامه امشب گروه سینماهای

آسیا ـ رکس ـ شهوند ـ لیدو ـ نپتون ـ ژاله ـ المپیا
پاسارگاد ـ توسکا ـ درایوین سینماونک



همزمان با تهران در شهرستانها

شیراز (کاپری ـ پرسپولیس) **اصفهان** (چهارباغ ـ ماياك ـ مهتاب ـ مولن‌روژ) **مشهد** (هما ـ فردوسی ـ شهر فرنك) **اهواز** (سالن و تراس آپادانا) **آبادان** (سهیلا ـ کیهان) **کرمانشاه** (شهر فرنك ـ ایران) **تبریز** (آریا) **قزوین** (خیام) **رشت** (سالار ـ مولن‌روژ) **قم** (دروازه طلائی)

در شهر باران (بقیه)

ــ جهنم ، ازاینجا میرم... آنگاه مادرم بطرف من آمد و گفت ،

ــ بیا ازایجا بریم ...
فردا صبح‌هم میدم چندنفر بیان اثاثیه روبیارن .

با ناراحتی گفتم؟،
ــ کجا میخوای بری .
گفت :
ــ نترس. روزمین نمیخوابی
سپس دست مرا گرفت و گفت:
ــ راه بیفت...
پاهایم را سفت کردم و گفتم،
ــ من نمیام .
عصبانی شد ودستهایش را بکمر زدو گفت ،
ــ توغلط میکنی. هرچی که من میگم باهاس گوش کنی.
فریاد زدم ،
ــ تومگه کی‌هستی، من ازتو شرم دارم ...
من ازاینکه تومادرم باشی خجالت میکشم .
متعاقب ایــن جمله مادرم سیلی محکمی بگوشم زد وفریاد کشید :
ــ اگر تورو نداشتم خیالم راحت بود .
گریه‌ام گرفت و بــی‌امان گریستم .
مهندس امیر که مشاجره ما را شنیده بود ازاطاق بیرون آمد و گفت :
ــ تــوباون چیکارداری ، هرجا که میخوای بری بــرو ... حیف‌اون‌دختر که همراه‌توباشه .
مادرم دستهایش را بکمرزد وگفت :
ــ بذارمش تنك‌بغل‌تو؟
فریاد زدم ،
ــ مامان !
برگشت وگفت :
ــ راه بیفت .
از روی استیصال و ازترس اینکه مبــادا داد و فریاد مادرم باعث‌شودکه دروهمسایه‌ها باخبر شوند همراه اوبراه افتادم.
کوچه خلوت وساکت بود .
ازکوچه گذشتیم و سوار تــاکسی شدیــم . مادرم آدرس خیابان امیریه را داد .

ادامه دارد

موزیك (بقیه)



همکاری مقصدی‌باخوانندگان آماتور و خوانندگان‌روز!

● پرویز مقصدی آهنگسازی‌که چندی است بیشتر به سپردن آهنك به خوانندگان تازه‌کار مشغول بود کمتر آهنگی برای اجرا در اختیار خوانندگان‌تاپ قرارداده است، باردیگر با پروژه‌ای که تدارك‌دیده، قصد داردکه به جرگه‌آهنگسازان پرکار وهمکار با مشهورترین خوانندگان این مرزوبوم گرددو بدنیست بدانیدکه مقصدی باآهنگهایش‌تا بحال دربشهرت‌رساندن؟ بسیاری از خوانندگان مشهور امروزسهمی بسزا داشته‌وفی‌المثل آهنگهای جالب«قصه‌وفا»(گوگوش) ویا «دریاچه‌نور» (عارف) وبسیاری از ساخته های مقصدی را برای‌گوگوش وعارف وخوانندگانی دیگر نبایستی از یادبردکه از اولین کارهای پرسروصداوقابل توجه‌این خوانندگان سرشناس امروز بحساب می‌آیدو بهرحال مقصدی‌که کلاس تعلیم خوانندگی خودرا مجددا دایر نموده است، در فکر تهیه‌یك واریته تلویزیونی بسبك«شش‌وهشت» که مقصدی باتفاق داریوش‌وکیوان واونیك‌وماسیس‌ونلی ،آنرا براه انداخته بود ، میباشدو اینبار یکعده‌خواننده تازه‌کار و مستعد رابرای‌همکاری برگزیده‌است واز این‌گذشته،مقصدی هماطوریکه گفته‌شدیك‌سری آهنك‌درمایه‌های مختلف برای خوانندگان روز نیز ساخته‌است و بهرحال‌باید شاهدبود که کارهای جدید مقصدی چه از آب در خواهند آمد!

اجرای آهنك کلانی (بقیه)

ازترانه‌های داریوش پرداخت ، اینروزها با پیشنهاداتی ازجانب دوسه کمپانی صفحه پرکنی‌مواجه شده و مبنی‌براینکه به خواندن ترانه‌هائی که مخصوص او ساخته می‌شود بپردازد و درجوارفوتبال خوانندگی را نیزدنبال نماید و حتی‌گویا بــا کلانی فوتبالیست سرشناس که ذوقــی در زمینــه آهنگسازی از خود بروزداده و حتی یکی‌ازآهنگهای ساخته وی باصدای علیرضا قوامی اجراشده است ، مذاکراتی بعمل آمده تا ضمن‌جلب‌رضایت‌دوست‌فوتبالیست خود خردبین جهت‌فعالیت نسبتاً پی‌گیرخوانندگی، وی به‌اجرای آهنگی از ساخته‌های خود کلانی نیزبپردازد وباین‌ترتیب آهنگی ازیك فوتبالیست (کلانی) توسط فوتبالیستی دیگــر (خردبین) اجرا میگردد وهنوز معلوم‌نیست که کلانی وخردبین راضی‌به‌این همکاری مشترك در زمینه موسیقی وخوانندگی بشوند و یــا اینکه نــه !

دوست یابی

● حاضر بمکاتبه بادوسعداران شعروادبیات و بهروزوثوقی‌هستم.
شیراز ــ چهارراه زند ــ شرکت‌ایران‌توریست‌ـ رضاحسن زاده

● باعلاقمندان حسین گول شیراندامی ــ زورك ــ سیامــك یاسمی ــ ایــرج قادری حاضــر بمکاتبه‌ام .
ساوه ـ بازار ـ کوی‌کریمی پلاك۴۲ـ مصطفی‌چیت‌گر

● حاضــر بمکــاتبــه با دوستداران سرسخت هنرمند شایسته سینما ایران ایرج‌قادری ومجله فیلم‌وهنرهستم
تهران‌ـخیابان تهران‌نوــ خیابان حسینی‌کوچــه رضائی پلاك ۱۸ــغلامرضامحبی

● مــایلم با دوستداران ملك‌مطیعی ــ بیك‌ایمانوردی ــ پوری‌بنائی‌ــ وحدت‌ـارحام‌صدر سعیدراد مکاتبه کنیم.
یزد ـ دروازه‌شاهی‌ـکوچه بقعه‌ــپلاك۱۰۶ــحسین کوکائی سیدمحمودهاشمیان‌ــابوالفضل نشاط

● حاضر بمکاتبه باطرفداران سرسخت‌فردین وناصرملك‌مطیعی دوهنرپیشه پولسازسینمای ایران وخوانندگانی که به‌صدای مهستی وگوگوش‌علاقه دارند هستم.
شهرری ــکوچه نفرآباد بن‌بست مسجدپلاك۵۱ ابراهیم صدیقی .

● بادوستداران جولیا ـ نوجما ــمختار ـ استیومك کوئین هاله وفخرالدین حاضر بمکاتبه‌ام
قزوین‌ـخیابان بلوارخاکی کوچه‌پشامی‌ـ منزل‌احمدلشگری

● مایل به مکاتبه باکلیه دوستداران مجلــه فیلم‌وهنر و علاقمندان ملك‌مطیعی ومنوچهر وثوق هستم .
بجنوردــ خیابان‌شاهرضا کوچه‌پستچی ـ منزل‌غلامرضــا آدینــه ـ پلاك۱۹ ـ ابراهیم رضایی

گزارش فیلم ..(بقیه)

درایجاد زمینه‌های صحنه‌های فیلم ، گرچه کوششی درجهت پیش بینی دکوراسیون‌های سال ۲۰۰۰ نشده، مع‌الوصف این‌زمینه‌ها به‌قدر کافی شیك‌وفاخر وپرزرق وبرق‌هستند، بخصوص اطاق‌خواب مارگریت گوتیه که سقف و کف و دیوارهایش از آئینه پوشیده شده‌است.

اما ـ برتر ازهمه اینها ـ چیزی که به‌فیلم امتیازمی‌دهد ظرائف وریزه کاری های مربوط به کارگردانی آنست ، بخصوص تمهید هوشمندانه‌ایکه صحنه اختتامیه را به صحنه افتتاحیه گره می‌زندوازاین‌طریق تم «عشق‌تباه کننده» را محوریك دورتسلسل قرارمی‌دهد (دراولین صحنه، مارگریت گوتیه همراه با دوستانش درگیرودار یك‌عیاشی روی‌پله های یك‌قصر می گوید من‌یك کلمه‌سه حرفی‌می‌شناسم که شبیه‌آن ستونی‌است که آنجاست. و در آخرین صحنه فیلم. آرماندو والمپ وچندتن‌دیگرراضمن‌عیاشی روی‌همان پله‌ها می بینیم وجمله‌سکسی‌را این‌بار «المپ» ادامه‌ی کند . «من از۱۴سالگی تاحالا احساس تشنگی‌نکرده‌ام» وفیلم‌باقهقهه ممتد آرماند ـ که می‌تواندخنده‌ئی برپوچی‌وبیهودگی‌یك‌زندگی‌بی‌بندو بار شبه‌اشرافی باشد تمام‌می‌شود)، علاوه براین «رادلی‌متزگر» تمام صحنه‌های مغازله وهماغوشی‌فیلمش‌را ـ به‌یاری‌فیلمبرداری زیبای «انیو گارنیه‌وی» ـ قشنك و تماشایی ازکاردرآورده است که‌برتراز همه‌این‌صحنه‌ها می‌توان ازآن‌فصل هماغوشی آرماند و مارگریت که تنهاازطریق بازبسته شدن گلهای کاملیا نمایانده می‌شود، یادکرد. زیبائی اثیری «دانیل گوبر» درقالب مارگریت گوتیه، شایدتنها چیزی‌باشدکه ازاین‌فیلم تامدتها به‌یادمی‌ماند .

معترضه : آخرین شگرد حضرات دوبله‌چی خودمان، دادن انواع و اقسام انحرافات جنسی‌است به‌کاراکترهای زبان بسته‌خارجی!درهمین‌فیلم ـ مثلا ـ کاراکتر «گودی»را یك‌منحرف جنسی می‌بینیم ـ به‌اعتبار طرزحرف زدنش ـ درحالیکه حرکات این کاراکتر بهیچوجه‌وجودچنین انحرافی را دروی‌تائیدنمیکند این‌شاید مشکل‌خوددوبلور مربوطه‌باشد !

تذکر

متاسفانه تاآخرین‌ساعات‌انتشارمجله‌موفق بدریافت مطالب فلیمسازی آماتوری‌ازدوستمان(صالح) که در آلمان مقیم هستند، نشدیم، امیدوار هستیم‌ازشماره آینده چاپ دنباله مطلب راادامه دهیم .

مرجان (بقیه)

● باز به فیلم های سکسی‌تان بزگردیم آیا فکر می کنید این تهیه کنندگان فیلم‌ها هستند که به خاطر توجه و علاقه تماشاگر وجود چنین صحنه‌هائی را لازم میدانند و بعد اینطور که از کار شما استنباط میشود، مثل این که تا حدودی با رضایت در صحنه‌های سکسی فیلم‌ها بازی می کنید، آیا اینطور است؟

ـ به تجربه ثابت شده که مردم کمتر از این صحنه ها میخواهند. ممکن است یك طبقه خاص از این جور فیلم ها خوششان بیاید ـ ولی نه طبقه زن و بچه‌دار کـــه اکثر تماشاگـران فیلم‌های ایرانی را تشکیل میدهند ازچنین فیلـــم هائی بدشان می آید چون معتقدند که چشم و گوش زنها یشان باز میشود. باید دید اکثریت چی میخواهند؟ دیده‌ایم فیلم هائی که دارای صحنه های سکسی و بی پروا بوده، موفق نشده است اما درمورد قسمت آخر سئوال شما. همانطور که قبلا هـــم گفتم من نمی‌خواهم این صحنه‌ها را بازی کنم چون دوست ندارم غالبا شده که در سینما وقتی یك زن و مرد در فیلم یکدیگر را بوسیده‌اند من سرم را پائین انداخته‌ام!

● آیا مرجان دیروز میتواند درباره مرجان امروز به زمانی که تازه کار پر سینمائی خود را با فیلم دنیای پر امید شروع کرد قضاوت کند؟

ـ من فکر میکنم آگاه‌تر و پخته‌تر شده‌ام و با نقش‌های متفاوتی که تا بحال در فیلم‌های گوناگون داشته‌ام، از این پس بهتر می‌توانم در قالب اشخاص مختلف فرو بروم و درك کنم و بهتر می‌توانم بازی خودم را ارائه بـــدهم . از سوی دیگـــر، معیارهای سینمای امـــروز بـــا دیروز خیلی فرق کرده. آدم‌های خوب و تحصیل کـرده با افکار نو به این سینما آمده‌اند و اکنون سینما را به این موقعیت کشانده‌اند که مثلا توی هر ده کوچکی مردم از تلویزیون شاهد اجرای مـــراسم «سپاس» میشوند . هنرپیشه‌ها را خوب می‌شناسند و این پیشرفت سینما کـــه بطور سریعی انجـــام گرفته، در مدتی کم خیلی جـــای امیدواری است!

● حالا که صحبت از سپاس شد ، راستی در مـــورد نتایج جشنواره پنجم سپاس چه‌عقیده‌ئی دارید؟

ـ بجا و به‌حق بود. همیشه خوب بوده. من فکر میکنم هیئت ژوری قصد و غرضی نداشتند و جوائزی که به برندگان داده شده شاید به‌حق بوده و این بزرگترین کاری است که تا بحال درسینمای ایران انجام‌شده، من هیچوقت فکر نمیکردم چنین مراسم باشکوهی از تلویزیون پخش شود و مردم از نزدیك بـــا افکار و چهـــره‌های هنرپیشه های محبوب خود آشنا بشوند و این تحولی است بزرك و برای باعث و بانی آن باید آرزوی موفقیت و سلامت داشت.

● بهترین نقش سکسی که تا بحال درچنین فیلم‌هائی بازی کرده‌اید کدام بوده؟

ـ من نقش آن دختری را که درفیلم «غلام ژاندارم» دیـــوانه می‌شود خیلی دوست دارم این نقش مشکلی بود و بنا بگفتة کارهمه هر آکتریسی نمی‌توانست باشد. غلام‌ژاندارم از نظر صحنه های سکسی بیشتر تازگی داشت . سکسی نبود که مردم استفراغ کنند وازسینما بیرون بیایند این عقیده من است . فضای تازه‌ای داشت و فیلمی بود که تا بحال به آن خشونت ساخته نشده بود.

غیراز این فیلم ، فیلم های دیگرم چندان برایم رضایت بخش نبوده و نقش های آنچنانی نداشتم که بتوانم خودم را نشان بدهـــم من تا بحال نقش‌های متفاوتی بازی کرده‌ام که هر کدام یك فـــرمی داشتند مثلا «سر کار غضنفر» یکی از کار های مشکل من بود . من اصلا در تمام عمرم چنین دختری را ندیده بودم اما وقتی حس کردم ، دیدم آن چیزی که خودم میخواهم می‌توانم ارائه بدهم.

● درباره فیلم‌های تازه‌تان صحبت بکنید مثلا درمورد «سراب» کار تازه فریدون ژورك که در آن نقش مقابل ملك‌مطیعی را بازی کرده‌اید...

ـ سراب فیلمی است تقریبا نو، چون سوژه‌ای نو دارد. من از نقش خودم در این فیلم راضی هستم نقش خوبی دارم، نقش دختری پاك و خیلی معصوم را بازی می کنم که در کمپی زندگی می کند و ماجرای عشقی متعددی برایش رخ می‌دهد، اما هرگز بـــه عشق خود دست نمی‌یابد .

● فیلم بعدی‌تان را باز برای همین کارگـــردان بازی می‌کنید، فیلم فریب . در مورد این فیلم چه نظری دارید؟

ـ من در این فیلم که احتمال دارد نام آن تغییر کند نقش یك دختر کولی عرب را بازی می‌کنم. این دختری است لطیف وخشن ! دختری با نگاههـــای وحشیانه و رام نشدنی و من سعی کرده‌ام کاری نو و بـــازی متفاوتـــی ارائه بدهم .

● چه‌کارگردانی یا کارگردانهائی از نظر حرفه‌کاری روی شما تاثیر گذاشته‌اند ؟

ـ من فکـــر میکنم هـــر کارگردانی یك ایده و افکار مشخص خاص خودش را دارد و کارش برای خودش بهترین است و تعیین کننده خوب بودن یا بد بودن او طرز تلقی تماشاگر نسبت به کارهایش و همچنین طرز فکر او است .

● اما آخرین سئوال ـــ درمورد شهرت چه‌فکر می‌کنید. آیا این شهرت اکنون بـــرای شما دست و پاگیر شده؟

ـ مـــن واقعـــاً از شهرت متنفرم و این یك حقیقت است . بهیچوجه غلو و تظاهر نمی‌کنم و این حرف را ازصمیم قلب می‌گویم. من فکر میکنم در آن سالهائی که تازه کار خودرا درسینمای ایران آغاز کـــرده بودم، از این نظـــر آزادی بیشتری داشتم . دیگـــر آن که مثل بعضی ازتازه بدوران رسیده‌ها هیچوقت از این شهرت، خودم را به‌ایـــن راه و آن‌راه نزده‌ام، و به‌اصطلاح مغرور نشده‌ام من قبل ازهرچیز بفکر خانه و خانواده خودم هستم و اگر روزی لازم باشد ، بـــرای همیشه کار بازیگری خود را کنار خـــواهم گذاشت.

سیگار هنرمندان (بقیه)

امور گرداندن آن‌دست دارد، او را به کشیدن سه‌چهارعدد سیگار درهرروز و بـــرای نوعی تسکین خستگی کـــه احساس می‌نماید ، می کشاند !

فرهاد: معمولا سیگـــار را بنوعی مخصوص می کشد کـــه این سیگار کشیدن وی بی‌شباهت بـــه «سیگار جویدن» نیست !

واما جالب اینکه فرهاد گاه حین «خـــواندن» نیز سیگـــار کشیدن را ادامه میدهد !

جهانگیر پارساخو: کشیدن یکی‌دوعدد سیگار توسط پارساخو این مرد جدول ایران و روزنامه نویس باسابقه مطبوعات و بازیگر یکی دو فیلم سینمائی ، سیگار کشیدن وی‌را تشکیل میدهد و بس و آنهم فقط در مواقع عصبانیت!

مسعود کیمیائی : و سیگار کشیدن کیمیائی هم مانند پارساخو، فقط وفقط در اوقات عصبانیت است و بمقدار همان یکی دوعدد!

بهروز وثوقی : دو پاکت سیگار درهرروز ، مقدار مصرفی سیگار توسط بهروز خان وثوقی میباشد وجالب آنکه بسیار اتفاق افتاده که بهروز سیگار خاموش را دردست ویا روی‌لب دارد و بقولی این حکم نوعی باصطلاح «فیگور» را هم برای او پیدا کرده است !

بهر صورت بهروز وثوقی بهانه‌ای همچون همان بهانه‌هائی که معمولا مصرف کنندگان سیگار برای خود میتراشند راعلم نموده وسیگار کشیدن خودرا موجب رفع خستگی ، تسکین اعصاب و از اینجور حرفها میداند !

سعید مطلبی: سعیدخان هم زیاد سیگار می کشید والبته تاقبل از ازدواج، ولی ازدواج وی و پادرمیانی همسرش که از سیگار متنفر است دراینمورد، سبب گردید تا مطلبی مقدار مصرفی سیگار خویش را در هر روز به حداقل یعنی یك پاکت برساند!

منصور سپهرنیا : و اینهم می‌تواند یکی ازجالبترین انواع سیگار کشیدن باشد و باین ترتیب که سپهرنیا تقریبا هفته‌ای یکی دودانه سیگار بیشتر نمی کشد و آنهم در مواقع اضطراری وشاید برای نوعی ژست (طبق اقرار جناب سپهرنیا!) .

پایان

شوخی، شوخی

شهر فرنك

● **خوب تماشاکن**
شهر، شهر فرنگه
ازهمه رنگه
رنگ و وارنگه
مال فرنگه

● **خوب تماشاکن**
شب، سب سپاسه
گوگوش، خیلی‌روی‌شانسه

● **خوب تماشاکن**
«همایون» رو با موشهایش
«علی‌نصیریان»روباگوش‌هایش
«ژاله سام» رو بالبهایش
«ایرن»روباتاب وتب‌هایش

● **خوب تماشاکن**
قدوبالای «فروزان»رو
سکس ، سکسهـای خـوب
«مرجان»رو
همه خوشگل»،همه مست و
ملنگ

اما در کار «هنر» همه‌بیدار
و زرنگ
شهرفرنگ

● **خوب تماشاکن**
«پروانه معصومی» رو بـا
«د رگبار»ش
«سامانتا»رو با دلدارش
«شهـرزاد» رو بـا دیـوان
اشعارش
«علی‌وزری»روبا«خواستگار»ش

● **خوب‌تماشاکن**
تپش قلب‌های لرزان‌رو
پچ‌پچ درگوشیهای‌رندان‌رو
نغمه هـــای هـوس انگیز
«پوران»رو
لرزش ساغر مستان‌رو

● **خوب تماشاکن**
شهر، شهرفرنگه ـ رنگه و
وارنگه
ازهمه رنگه ـ مال‌فرنگه



مهر پویا بیشتر به اتومبیلش فکر می کند تا به صدایش اکنون آقای مهر پویا آهنگی با اتومبیل ۷۳ خود اجرا می کنند !

کند و کاو مطبوعات

زن‌روز : مرجان ، چرا لخت‌شدی؟
ـ برای‌اینکه، زیرا...!!

تهران مصور : بیائید سینمائی نوبسازیم
ـ البته باچهل‌ستون، چهل پنجره

فردوسی : بهترین فیلم چه خصوصیاتی داشته‌باشد
ـ بهترین فیلـم باید اول عشقی‌باشد بـعدا نامـوسی، زدو خوردوسکس‌هم داسته‌باشدکاراته که حتما اگررقص عربی نادیارا داشته‌باشد تکمیل، تکمیل‌است.

جوانان : لیدا دانشوردر اتومبیل‌منوچهروثوق‌چه‌میکرد؟
ـ ماکه میدانیم ، اما مگر جاقحطی بود که‌توی‌اتومبیل...!

بانوان : فروزان، ملك‌مطیعی و بهروز وثوقی را آشتی داد .
ـ کسی‌نیست‌مارو با«ایرن» آشتی‌بدهد !

در حاشیه

این مضمون را رندان شوخ‌طبع برای‌کمیته روابط عمومی‌سپاس‌ساخته‌اند، بشنویم خالی ازلطف‌نیست.

میگویند این کمیته‌ضمن دعوت نامه هائی‌کـه برای هنرمندان فیلمهـای کاندیدا فـرستاده است ـ ازجمله از «کومیتاس» آهنگساز معروف دعوت نموده تادرشب نمایش فیلم«چشمه» درسینمای شهر۔قصه حضور یابد تـا درکنار سایرهنرمندان‌فیلم به‌تماشا۔گران وهیئت داوران معرفی شود .

جالب اینجاست که این آهنگساز ارمنی‌الاصل، چهل سال‌قبل فوت‌شده و «آربی۔اوانسیان» برای‌موزیك متن فیلم «چشمه» ازآهنگهای او استفاده نموده است .



سندیکای هنرمندان جلو دختران کم سن وسال را درفیلم‌ها میگیرد !

ترانه عاشقانه روز یك «ستاره سینما»

اگه‌ندی نفرین میکنم

دلمن این‌روزها پاپیچ منه　　التماسم میکنه
همه‌شب خواب«سپاس» رومی‌بینه　　سپاس‌سپاسم میکنه
وای‌برحال دلم　　اگرسپاس‌ندی نفرین‌می‌کنم
اگه ندی نفرین می‌کنم
وای چه خوب بودکه خـدا قدرتشو نشون میداد
هم‌بمن «سپاس» میداد هم یك‌یار مهربون می‌داد
وای برحال‌خودم　　اگـه سپاس رو نگیرم
کارفیلمم میگیره　　شهررو چراغون‌میکنم
سکس هامو بیرون میریزم　　مردم رو داغون میکنم
امـا ، وای بـرحـال دلـم　　اگه‌ندی نفرین میکنم
اگه سپاس ندی نفرین‌میکنم

تك مضراب

● **سوسن :** راستش من‌زیاد عادت بدادن پول‌مفت ندارم
ـ ماهم نداریم ولی به‌عناوین مختلف می‌گیرند .

● **گلوریا روحانی :** بیماری خطرناکی مرا تهدید می‌کند .
ـ راست میگی یافقط میخواهی مارو نگران‌کنی

● **شهناز تهرانی :** ذات من عشوه‌گراست !
ـ چه ذات خوش ساختی !

● **کوروس :** هنرمندان واقعی، ارزش واقعی ندارند
ـ چرا فحش میدی عمو !

● **فروزان :** سرگرمی اوقات فراغت من‌اینستکه تك وتنها بنشینم وصفحه‌گوش‌دهم .
ـ میخواستیم‌نظرتان‌را راجع به‌آهنگهای «وفا» بدانیم !

● **مختار :** مثل‌اینکه برایت سوء تفاهم‌شد !
ـ برای‌ماکه‌نه، امابرای شما چی ؟

● **پوری بنائی :** من‌عاشق سرعت هستم
ـ اگرراست‌میگوئی پس‌چرا با«فروزان»ها و«مرجان»ها مسابقه نمی‌دهی !

آیا باهم شباهت ندارند؟

جوانان: کاردان گفت مهریه ما یك‌جلد کلام‌الله‌مجید ویك شاخه نبات میباشدو مافکر می‌کنیم که مهریه‌های صدهزار تومانی‌ونیم‌میلیون‌تومانی تضمینی برای زندگی‌وپیوندهای ابدی نیست !

بانوان : پرویز کاردان با مهریه‌یکصدوده‌هزار تومان و ۱۱۰ گرم ابریشم سبز، یك کلام‌الله مجید، یك شاخه نبات یك کیلو نمك طعام ودوسکه پنج‌پهلوی طلاهمسر گرفت!

مضامینی که‌شما کوك کرده‌اید

در کلاس درس

معلم : ساسان یك سیرچند گرم است

ساسان : بستگـی دارد به اینکه سیرش چه اندازه‌ای باشد کوچك‌یا بزرك!

ارسالی: مهردادامیر سلیمانی

عینك

بابك کریمی- مادربزرك راستی گفتی کـه عینك اشیاء را خیلی بزرگتر می‌کند ؟

ـ آره جانم، چطورمگه؟

بابك کریمی- پس‌وقتی میخواهی بمن شیرینی بدهـی ، خواهش‌میکنم‌عینکت‌را بردار.

ارسالی: علیرضاآوری

شیرخشك

ساسان : اگر گفتی،شیرخشك‌روچگونه تهیه‌می کنن؟

بابك : معلوم‌دیگه،شیررا توی‌ظرفی می‌ریزند بعد جلوی آفتاب می گذارند تاخشك بشود

ساسان ـ دیـدی اشتبـاه می‌کنی

بابك : خوب پس چکـار می کنند

ساسان: برای‌درست‌کردن شیرخشك اول گاو را عصبانـی می‌کنند تاشیرش خشك‌بشودآن‌وقت اورا می‌دوشند .

ارسالی : ح‍ـ مرتضوی

کرایه

یکـروز ظهوری خواست سوارتاکسی‌شود ومقداری اثاثیه همراه خودداشت ازراننده‌پرسید کـرایه خـود من چقدر میشود راننده‌گفت : دو تومان ظهوری گفت پس‌کـرایه اثاثیه‌ام چقدر میشود راننده پاسخ داد هیچـی ظهوری‌گفت : پس‌اثاثیه‌ام‌را ببر خودم پیاده‌می آیم!

ارسالی محمدراد

فواید کم حرفی

ـ دیشب، شب جمعه بود و تمام شب رافریدون فرخزاد ، در شویش حرف می‌زد

ـ درباره‌چی؟

ـ درباره فواید‌کم حرفی‌و اینکه خودش خیلی کم‌حرف‌است!

ارسالی: الهه فرهمند

بچه‌های امروزی

● روزی پدر ساسان ازاو سئوال کردکه، بگوباباجون‌ببینم مامان‌رو بیشتردوست داری‌یامنو ساسان‌ـ دخترخاله‌امرو

ارسالی: حسن فقیری

سپید و سیاه : بعد از گوگوش نوبت کیست گیتی یـا رامش ؟

ـ دوباره شروع‌نکن،مردم دیگر بنیه غـم وغصه خوردن را ندارند !

سلیقه

● میری ـ راستی ببینم «سلیقه» را با «س» می‌نویسندیا با «ص»

سپهرنیا ـ این بستگی‌دارد به «سلیقه» شما .

ارسالی : علیرضا اوری

از این هفته فقط در سینما :

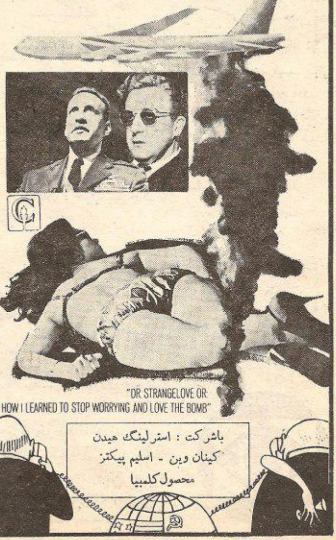
شهر قصه

نمایش دهنده آثار سینمائی برتر

پیتر سلرز . جرج سی اسکات

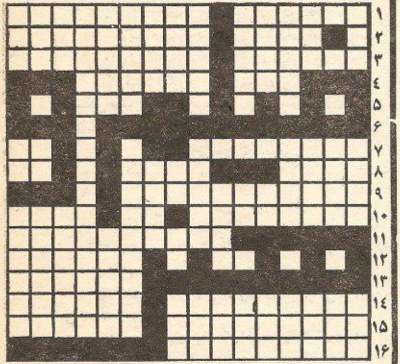
درفیلمی بکارگردانی : **استانلی کوبریک**

(دکتر استرنج لاو) چگونه میتوان بمب اتم را دوست داشت



مسابقات

جدول این هفته



افقی:

۱ـ فیلمی ازسیامك یاسمی و با بازیگرانی چون: فروزان، ارحام صدر ومیری ـ ستاره فیلمهای «سقوط امپراطوری رم» و «همسر کشیش» ۲ـ نخستین حرف عنوان‌ساخته‌ای از رضامیرلوحی و باشرکت‌زری‌خوشکام- نام‌کوچك همسر جین‌فوندا ـ فیلمی بکارگردانی مسعودکیمیائی و با شرکت مارینا ۳ـ ازفیلمهای مشترك پوری بنائی ومنوچهروثوق - عنوان شاهکاری که اثرسینمائی‌لوکینوویسکونتی بحساب می‌آید ۴ـ برت‌لنکستر ایفاگر رل نخست مرداین فیلم بوده‌است ـواینهم فیلمی است‌که بهروز وثوقی وظهوری وثریا بهشتی و بهمچنین فروزان درآن بازی داشته‌اند. ۵ـ حرف اول کمدین سنگین‌وزن فیلم «تحفه‌هند» ـ واولین حرف عنوان یك فیلم هندی‌پرفروش وباشرکت راج‌کاپور، ویجنتی‌مالا وراجندراکمار ـ نیمی ازمخفف نام‌وفامیل گربه سینمای فرانسه! ـ این نیز حرفی است‌که حرف اول نام و یا فامیل ستاره فیلم «دردسر مکاتبه باازدواج» را تشکیل میدهد ـ نام‌کوچك آکتور فیلم «جنون» و بهمچنین بازیگررل «مکبث» درفیلمی بهمین نام واثر رومن پولانسکی ـ حرف نخست عنوان فیلمی با شرکت فردین و پروین غفاری و بکارگردانی ساموئل خاچیکیان ۶ـ اولین حرف نام ستاره فیلمهای «دکتر ژیواگو» و «فارنهایت ۴۵۱» ۷ـ کارگردان فیلم «یك مرد و یك زن» ـ حرفی ازحروف الفباءکه درصدر حروف تشکیل‌دهنده فامیل خواننده ترانه «نامه‌رسان» قراردارد! ـ حرف اول عنوان فیلمی‌که بهمن مفید در آن رل یك آدم «هفت‌خط» را بازی میکرد - یك فیلم با شرکت الیوت‌گولد و بکارگردانی رابرت‌آلتمن . ۸ـ نام‌کوچك ستاره فیلم «تنگنا» و یا فامیل کارگردان فیلم «دیالوار»! ـ نام‌کوچك بازیگر تبلیغاتی‌که درفیلم سینمائی «پاپوش» هم‌بازی داشته است ـ حرف نخست عنوان فیلمی‌که درآن‌حبیبی ایفاگررل «آدم» بود ونالاشا نیز «حوا»! ـ نام کوچك بازیگر سریال تلویزیونی «التهاب» ۹ـ این فیلم راهم کارگردان فیلم «بانی و کلاید» کارگردانی کرده است ـ اولین حرف نام‌کوچك بازیگر فیلم‌های «سامسون و دلیله» و «خرقه». ۱۰ـ هوشنك حسامی باکارگردانی فیلم مورد نظرکه بزودی بروی اکران می‌آید ،کار فیلمسازی‌اش را آغازکرده است ـ عنوان فیلمی از میکل‌آنجلوآنتونیونی - بازیگرغیر مسلمان فیلمهای «کشتی نوح» و «جاده زرین سمرقند». ۱۱ـ ازبازیگران تآترکه به‌سینما روکرده است ودر فیلم «بلوچ» بازی داشته ونیز درفیلم «خوش‌غیرت» هم‌بازی‌دارد. ۱۲ـ حرف اول عنوان فیلمی است‌که‌گوگوش وعباس منتجم شیرازی و نیز

طرح مسابقه از: مسعود اسماعیلیان

مسابقه جدید و ابتکاری

نام‌ها و فیلم‌ها

* همانگونه که برایتان دراولین شماره سال تازه نوشتیم بعلت دریافت مسابقات ابتکاری زیاد ، هرمسابقه تازه را بیش از چهارشماره ادامه نخواهیم داد تا بتوانیم ازهمه طرح‌های دریافتی استفاده کنیم وبا آنکه طرح‌های مسابقه متعددی برای این صفحه دریافت کرده‌ایم معهذا از همه خوانندگان خود می‌خواهیم در صورتیکه طرح‌های تازه‌ای برای ما تدارك دیده‌اند ارسال دارندتا بنام خودشان چاپ شود .

اما مسابقه تازه ماکه «نام‌ها و فیلم‌ها» نامدارد بدین قرار است که هر هفته ما نام یك هنر پیشه سینمای ایران را چاپ می کنیم .

شما بایستی درازای هر حرف که نام هنرمند را تشکیل میدهند، حداقل نام دوفیلم راکه با آن حرف شروع می‌شود برای مابنویسید . بعنوان مثال اگرنام هنرپیشه «سعید راد» باشدبایستی حداقل دوفیلم که با حروف «س» شروع شود ودوفیلم که با حرف «ع» شروع شود الی‌آخربرای ما بنویسید .

ما هرهفته به ۱۵ نفراز شرکت کنندگان در این مسابقه جایزه خواهیم داد .

پاسخ های خود را همراه بایك یك ریال تمبر باطل نشده برای ما بآدرس صندوق پستی ۱۹۴۷ ارسال دارید .

اینك نام هنرمند هفته چهارم

محمدعلی فردین

شهین درآن بازی داشته‌اند- نام کوچك کمدین فیلم «ازدواج سیسیلی» و «عشق دانمارکی» بااین حرف شروع میگردد - نام کوچك بازیگرفیلمهائی چون: «حرفه‌ایها» و«برادرغیرتی» والبته بطورکامل ! - و اینهم نخستین حرف فامیل کارگردان فیلم «اتل‌متل‌توتوله» است و یا اینکه حرف اول نام کارگردان فیلم «گردش روزگار» - فیلمی‌که لیزامینه‌لی بخاطر بازی درآن اسکاربهترین بازیگر زن سال ۱۹۷۲ را ربود. ۱۳- رقاصه فیلم «قیصر» و بازیگر فیلم «صبح روزچهارم». ۱۴- عنوان فیلمی است‌که‌جمشید مشایخی رل مقابل مرجان را در آن بازی میکره و نام کارگردان فیلم مزبور نیز بازیاران بوده است - نام فامیل کارگردان فیلم‌موزیکال«کاباره»-کارگردان فیلمهای: «این‌گروه خشن» و«سگهای پوشالی» و«جونیوربانر» - یکی از بازیگران فیلم «درشکه‌چی» وبهمچنین فیلم «زن باکره» . ۱۶- سازنده فیلمهای: «پهلوان مفرد» و «غلام ژاندارم» و «بابا نان داد» و «آبنبات چوبی» و«جبار سرجوخه فراری»!

طراح : شهین اشتری

رویدادها

مواظب کلات باش!

● وحدت تاچندروز دیگر کارگردانی و بازی در محصول جدید استودیومهرگان فیلمرا که موقتاً نام آن‌هست «مواظب کلات باش» آغاز مینماید. در این فیلم احتمالا ارحام‌صدرو ژاله کریمی نقشهای مقابل یکدیگر رابازی خواهندکرد واکیپ سازنده‌ی آن جهت فیلمبرداری به اصفهان خواهند رفت. این فیلمرا نعمت‌رفیعی که اینک مشغول تهیه فیلم «در آخرین لحظه» است تهیه مینماید.

بوسه برلبهای خونین بعداز بیست سال

● ساموئل خاچیکیان از بیست سال پیش که فقط دوسه فیلم مثل بازگشت از شیرازو چهار راه حوادث‌را ساخته بودهمواره آرزو داشت یکی ازسناریوهای مورد علاقه‌اش‌را بنام « بوسه برلبهای خونین» بصورت فیلم درآورد ولی هربار که تصمیم بساختن آن می گرفت بعللی میسر نمیشد اینک بعد از بیست‌سال با تغییرات زیادی که درسناریوی مزبور داده‌است تاچند روز دیگر در آتیه فیلم آنرا جلوی دوربین خواهد بود و برای ایفای نقشهای اصلیش بجز ایرج قادری و کتایون چند چهره جدیدرا درنظر گرفته‌است بوسه برلبهای خونین‌را پطروس پالیان بطوررنگی فیلمبرداری‌خواهد کرد

ماجرای گرگ

● از این هفته تهیه فیلم «گرگ» محصول جدید شرکت سهامی سینما تأتر رکس آغاز خواهدشد. در این فیلم که‌سناریو آنرا «بهزاد فراهانی» نوشته‌است و کارگردان وفیلمبردارش مازیار پرتواست بهروزوثوقی، جعفروالی شهرزادویک چهره‌جدید نقشهای اصلی‌را بازی‌خواهندکرد.

ضمناً این‌هفته‌شنیدیم که‌نادر قانع هم سناریوئی بنام «گرگ» از عرفی نژادخریده‌است‌ودرنظردارد از روی آن فیلمی بهمین‌نام بسازد که البته این سناریو بتصویب اداره کل نگارشات‌وزارت‌فرهنگ وهنرهم رسیده است حال تصمیم پرتو دراین مورد چه خواهدبود؟ بعداً معلوم‌میگردد.

فریب تمام شد

● مراحل فیلمبرداری محصول جدید سازمان سینمائی ژورک‌موسوم به‌فریب که توسط احمدشیرازی درتهران‌و آبادان انجام‌شده است بپایان رسید.

دراین فیلم که سناریوی آن را سیروس الوندنوشته‌و کارگردانش فریدون ژورک است سعید راد، مرجان، جلال، ابراهیم‌نادری مرسده کامیاب‌وعده‌ای‌دیگر شرکت دارند. بانمایش سراب محصول آماده نمایش سازمان ژورک کار های فنی فریب آغاز خواهدشد.

صدا برداری صمد

● این هفته صدا برداری فیلم «صمدبمدرسه‌میرود» محصول جدیدگروه آزادنمایش دراستودیو هاملت فیلم انجام‌میشود.

دراین‌فیلم که‌قراراست‌بعداز فیلم «خوشگذران» درگروه اونیورسال به‌روی اکران آید پرویز صیاد، مینوشفیع، نوذر آزادی، رضا شفیع، امیر فضلی، حسن رضیانی، محمدگودرزی، محمودبهرامی، اسماعیل شیرازی فرخ‌لقا هوشمند و... عبدالعلی همایون شرکت دارند.

سناریست، کارگردان وتهیه کننده‌صمد بمدرسه‌میرود پرویز صیاد وفیلمبردار آن امیر کراری‌است. بیشتر صحنه‌های این‌فیلم درقریه سوهانک فیلمبرداری شده‌است.

بازگشت شورش

● این‌هفته‌اکیپ سازنده‌ی فیلم «شورش» محصول دردست‌تهیه تهنافیلم که‌قریب دوماه‌جهت تهیه آن دربندر پهلوی بسرمیبردندبعداز اتمام کار بتهران مراجعت نمودند درشورش که سناریست‌و کارگردان آن رضا میرلوحی وفیلمبردارش ایرج‌صادقپوراست ناصرملک‌مطیعی همایون، ارغوان، بهرام‌وطنپرست ومرتضی عقیلی شرکت‌دارند.

شورش را رضا شیبانی تهیه مینماید که قراراست بزودی فیلم «ناجورها» را باشرکت فردین وبیک ایمانوردی آغاز نماید.

این فیلم را سعید مطلبی کارگردانی‌وایرج‌صادقپور فیلم‌برداری خواهدکرد.

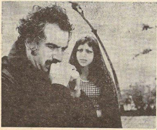
فروش فیلمها

● جمع فروش سه روز اول فیلم « **بدکاران** » در سینماهای تهران ۱۷۰ هزار تومان و جمع فروش سه روز اول فیلم « **جعفرجنی و محبوبه‌اش** » در سینماهای تهران ۱۱۰ هزار تومان بوده است فیلم « **دشنه** » نیز اکران‌دوم‌درسه‌روزاول = ۱۱۰ هزارتومان‌فروش کرده است. جمع فروش فیلم «**جنوبی**» ۵۲۰ هزارتومان‌وجمع‌فروش فیلم « **زنجیری** » تنها در سینما کاپری حدود ۲۰۰هزار تومان گردید.

نمایش خوشگذران

● فیلم «خوشگذران» محصول آماده‌نمایش استودیو نقش‌جهان که قراراست تاچند روز دیگر جهت دریافت پروانه نمایش به اداره کل امور سینمائی کشور ارسال‌گردد طبق قرارداد منعقده فیمابین وحدت ومدیران‌گروه





● ناصرملک‌مطیعی، ارغوان، بهرام‌وطنپرست‌و مرتضی عقیلی‌دردو صحنه‌ازفیلم «شورش»

نظرها

بی تا (طلوع یك سینماگر فهیم)

بار دیگر خورشید یك سینماگر فهیم و نواندیش در خطه یك سینمای مبتذل و تجاری طلوع کرد. سینماگری که از پرتو و از امثال او توانست سینما معنی اصلی خود و هنر را شناخته و تکانی بخورد هژیر داریوش را می‌گوییم که چسان آگاهانه و مسلط بسینما گام نهاد. هژیر بی تا را از فرهنك جامعه خود بطرز شیرین و دلچسب ساخت. فیلم زاویه‌ای از سرنوشت و حکایت دختر و زن امروزی با بی‌پناهی و بی‌زبانی بود. دختری که باوجود بی‌پناهی خود میکوشد تا جای خالی و فاصله خود و مرد دلخواهش را زایل‌سازد. بی تا با آن حرکات و شیطنت‌هایش ــ پدر خل وضعش مادرش با آن اخلاق و رفتارش ــ سیما که کپیه مادرش است ــ شوهر سیما همه و همه نمایشگر یك خانواده بی‌قید و بند و بدور از فرهنك اجتماعی است باز مادر که خودرا جوان و همه کاره می‌داند ــ سیما که کارهایش را به‌رخ میکشد ــ شوهر سیما که خصلت یك نوکر گوش بزنك در خانه را داشت ــ مجموعه این عوامل فاقد بودن مهر و محبت را در خانه نشان می‌داد بجز بی تا و پدرش که صمیمی و مهربان بودند بی تا با آن فکر و عقل ناقصش می کوشد تا خودرا سطح کورش و همکاران روشنفکرش قرار داده و از تملقاتشان آگاهی یابد اما قادر نبوده و نیست زیرا هنوز بی تا چیزی سرش نمیشود گفتیم که بی تا از فرهنك جامعه ما سرچشمه می گرفت در آخر همین فرهنك بود که بی تای عاشق و معصوم را در ردیف زنان بدکاره در کلانتری نشانده و سرانجام با اشاره مثبتی به‌راننده که گفت سوارمیشی! آن دختر پاك و خیال عاشق روسپی شد.

گلی ترقی اندیشمندانه و شیرین این فیلمنامه‌را نگاشته بود و نورپردازی و فیلمبرداری هوشنك بهارلو روان و آگاهانه بود ــ گوگوش در هیبت بی تا بازی درخور تحسین و فوق‌العاده شیرین و جالب ارائه داده بود ــ انتظامی هم که سنك تمام گذارده بود هرچند نقشش کم بود ــ بازی پروانه معصومی هم دارای نرمش خاصی بود این عوامل به‌اضافه کارگردانی دقیق و موشکافانه هژیر داریوش امتیازات کلی و ارزشمند فیلم بود.

فهم و شعور سینمایی هژیر داریوش قابل تمجید و ستایش است امیدواریم دومین اثر وی معیار تازه‌ای از ایده و فکر بکرش برای ما و سینمای نیمه‌هنریمان باشد.

محمدعلی حاج‌اکبری «قزوین»

تنگنا (امیر نادری)

دومین ساخته امیر نادری میتواند اورا کارگردانی آگاه و هوشمند به‌ما بشناسد تنگنا فیلمی باروحی زنده که نظیر آنرا مادر روز بسیار می بینیم و امیر نادری با تکنیك خوب خود به‌انتقاد از جامعه امروزی می‌پردازد و اصالت از دست رفته را نمایان میکند امیر نادری بیشتر تصمیمش از ساختن این فیلم نشان دادن محیط حفقان آوریست که ما در آن زندگی می کنیم نادری پس از خدا حافظ رفیق. تنگنارا با آگاهی بیشتر می سازد تنگنا زندگی انسانها را ورق میزند انسانی که همیشه راهش به‌یك‌راه چون تنگنا ختم میشود فیلم از بازی هنرپیشه های خوبی چون سعید راد و نوری کسرائی بر خوردار بود فیلمبرداری میتوانست از این بهتر باشد و موزیك همراه فیلم نبود خلاصه تنگنارا میتوان یکی از فیلم های خوب سال نامید.

حسین کره‌ای (خرمشهر)

تنگنا (حقیقت زندگی)

فیلم تنگنا از آن فیلم‌هایی است که فرصت نمی‌دهد کسی بجوانب و فرعیات فیلم توجه کند خواه تکنیکش جالب‌وقوی باشد ویا ضعیف‌باشد، بلکه‌دارای چنان اسکلت محکم زندگی «نه‌قصه» است که جایی برای این حرفها باقی نمی‌گذارد، نظیرش را هم درسینمای ایران داشته‌ایم مثل «سه‌قاپ» وهمین «زن‌باکره»، تنگنا آئینه تمام نمایی‌است از زندگی امروز ما « جنوب‌شهری بودن ویانبودنش» فکر نمی‌کنم تفاوتی داشته‌باشد . مثل گلوله های بیلیاردکه بدون اراده از خودبهم برخورد می‌کنند، انسانها درمقابل هم جبهه می‌گیرند و فاجعه بخاطرحادثه خیلی کوچك رخ می‌دهد و آنگاه همه‌روزنه‌های باز بصورتی تنگنا و باریك رخ می‌نماید، دیگر نه دوست ناخلف و نه‌دوست باصطلاح خلف بداد کسی نمی‌رسند، صحنه‌ای که «علی» سعید راد برای گرفتن پولی بصورت قرض پهلوی دوست ماشین‌دارش می‌رود ویاصحنه‌های دوستان قماز باز موید این مطلب است، امیر نادری با ژرف بینی و عمق نگری خاص خود چنین زندگی را مطرح ساخته‌وخشونت را بطور کاملا طبیعی در این‌فیلم مجسم ساخته، کما اینکه بیشتر صحنه‌های فیلم کاملا طبیعی بنظر می‌رسد، خشونت فیلم بخصوص‌در اواخرفیلم که با بازی تحسین آمیز «سعیدراد» توام است آدم را یاد فیلم‌های « سام‌پکین‌پا » می‌اندازد با این‌تفاوت که کار « نادری » طبیعی‌تر بنظر می‌آید امیر نادری را جزو بزرگان سینمای ایران بخاطرداشته‌باشید بخصوص اینکه سناریست فیلم نیزخودش بوده‌و باتوجه باینکه فیلم تماماً دریك‌روز، اتفاق می‌افتد اهمیت کارنادری بغیراز کارگردانی بزرگترجلوه می‌کند درخاتمه فیلمبرداری‌خوب‌جمشید الوندی و موزیك جالب فیلم از منفرد زاده با صدای فروغی را نبایستی ازخاطر برد.

عباسعلی‌محجوب«اصفهان»

زنجیری ✿یك‌فیلم تجربی✿

فیلمی از اجتماع ماوسر گذشت عده کثیری‌ازدانشجویان که بخاطر ادامه تحصیل‌بارسنگینی رابایدتحمل کنند .

همان طور که‌شاهپور(ساجدی) دراثر فعالیت‌های مداوم و فکر بیش‌ازحدبخاطر ادامه‌زندگی و زنده‌ماندن کرده‌بود که‌نتیجه آنرا دیدیم جز بیماری روانی چیزی دیگر نصیب انسان نخواهدشد .

نارسائی‌وپیوند بسیار بد فیلم این نکته‌را ثابت‌میکند که خسرویحیائی‌دانشجوئی‌که برای اولین‌بار دست به کارگردانی‌فیلم زده تاحد بسیارزیادی‌در کارش نا موفق است مخصوصادر نوشتن سناریو که موجب‌تکه‌تکه‌شدن و نارسا بودن فیلم‌است.

خسرویحیایی‌دراولین کارش (زنجیری) مرتکب اشتباهات زیادی‌شده‌که برای تماشاچی‌عادی قابل‌قبول نیست.

حسین‌علائی



گزارش فیلم

جمشید اکرمی

✿ وضع، مثل اینکه بد نیست!...

چشم شیطان کور، گوش شیطان کر ... انگار از دخیلی که بردرخت مراد بسته بودیم، بخاری برخاسته وآب و هوای سینمارا درتهران، پس ازسه‌چهار هفته گرفتگی و خفقان، کمی — و فقط به‌طورنسبی — قابل تحمل کرده‌است، که چنین وضعی درچنین فصلی غنیمت بزرگی می‌نماید—خصوصا که دیگ «امتحانات» هنوز جوشان‌است وهواهم که حسابی گرم کرده است، ومع‌الوصف ما این این هفته‌را —تصادفاً ازمزایای ویژهٔ فصل‌های خوب» برخوردار بودیم (شرط می‌بندم که «صاحاب سینما»هاخودشان اصلا نمی‌دانند که‌دارند چندتائی فیلم‌خوب نشان می‌دهند!).

البته‌این به‌هیچ‌وجه‌ما شبههٔ بخصوصی‌ایجادنکند.' حلوایمان آنقدرها هم‌شیرین‌نیست. درواقع صحبت‌فیلمهای‌خوب دراین‌فصل، همان‌صحبت‌لنگه کفش‌های کهنه بیابان‌است. دارائیمان را ارزیابی کنیم، فیلم استثنائی وعجیب و غریبی هست به‌اسم **«دوئل»** که با اسم‌جعلی و کلیشه‌ئی **«تعقیب وگریز»** آنرانشان‌می‌دهند. فیلم، از جهات متعددی ازارزشهائی ویژه برخوردار است که همین ارزشها تماشای آنرا پرهیز ناپذیرمی کنند

ازهمان سینمائی که تکخال « **دوئل** » را زمین‌زده ، فیلم دیگری‌هم روی‌اکران‌داریم به‌اسم « ایول کانیول » (در اینجا ، **پاداش یك قهرمان**) که‌گرچه درحد «دوئل» نیست، اماتماشایش می‌تواند بهره‌هائی به‌بیننده برساند (دربارهٔاین‌هردوفیلم به‌تفصیل خواهیم‌نوشت).

ازوالریوزورلینی«شاعر— کارگردان» موفق‌فیلمهائی‌مثل تابستان شوم و « دختری باچمدان» فیلم‌خوبی‌به‌اسم « **اولین‌شب آرامش**» روی‌پرده‌است. این‌یکی ازآن شش‌فیلمی بود که آرشیو فیلم ایران ماه گذشته طی‌برنامهٔ ویژه‌ئی نمایش داد — و به‌اعتقاد ما بهترین فیلم‌آن مجموعهٔ شش فیلمی بود .

زنهای عاشق پیشه (وچرا همان نام اصلی «زنان عاشق» ۱۹۶۹)راگرچه‌چهار پنج‌سال دیرتر می‌بینیم، اما می‌توانیم تقریبا امیدوار باشیم‌که بهترین‌فیلم **کن‌راسل** را می‌بینیم (درمقایسه با بقیهٔ‌فیلمهای خود این‌جناب، فیلمهائی‌مثل: مغزیکمیلیون‌دلاری، شیاطین، دلباختگان موسیقی و بوی‌فرند).

دوسه‌تائی فیلم هم روی‌اکران‌داریم‌که تماشای‌آنهامطمئنا وقتی ازآدم تلف نمی‌کند. می‌شود راحت دیدشان واگر آدم سعی خودش رابکند، می‌تواند ازآنهاحتی خوشش هم بیاید!. **دزدی‌که برای شام‌آمدوکامیل ۲۰۰۰** چنین‌فیلمهائی هستند.

راستی برنامه ایـن هفته یکی از سینماها ، آخرین فیلم **یرژی اسکولیموسکی** فیلمساز با استعداد لهستانی خواهد بود، فیلمی بـه‌اسم « **عروسك** » .اگربشود فیلم جدید یك فیلمساز را با معیار «ارزش کارهای سابق» اومحك زد، ازهمین الان‌می‌توانیم تصور کنیم‌که «عروسك» فیلم‌خوبی‌است، چرا کـه پیش‌از این از « یرژی اسکولیموسکی» دوفیلم خیلی‌قرص ومحکم دیده‌ایم ، **«آغاز»** (درجشنوارهٔ دوسال‌پیش فیلمهای‌کودکان) و **«ماجراهای ژراره»** (براکران عمومی).

درجوار نمایش تصادفی این چند فیلم خوب، آرشیو فیلم ایران‌دوفیلم برجستهٔ مجاری را نشان‌می‌دهد. فیلم **«عشق»** ساختهٔ **«کارولی ماك»**، که کار فوق‌العاده‌ئی است و فیلم دیگری بـه‌اسم **«قوش‌ها»** اثر **«ایستوان‌گال»** کـه قراراست این‌هفته نشان داده شود.

جشنوارهٔ ((فیلم آگهی))

● از سوی مدرسه عالی تلویزیون و سینما یك جشنوارهٔ ویژهٔ نمایش « آنونس » های فیلمها برپاشد وطی‌سه‌شب ۷۵ تـا آنونس فیلم (ویابه‌قول برگزار کنندگان، « فیلم‌آگهی ») نشان داده‌شد.

راستش‌من‌نمیدانم برگزاری چنین جشنواره‌ئی چه‌خاصیتی می‌تواند داشته‌باشد، شاید به‌حرفه‌ئی هـای سینما بتواند بهره‌هائی برساند، ولی برای بندهٔ تماشاگرفیلم چه فایده‌ئی می‌تواند داشته باشد، جزاینکه مثلا آنونس « رم‌فلیثی » را ببینم وحسرت به‌دل تماشای اصل فیلم‌بمانم (واین حسرت همیشه بامن‌بماند) ؟. چرا وقتی کـه واقعا کوششهائی به خرج داده می‌شود ، چشم به‌هدفهای بهتری نیست؛ فی‌المثل طبق ادعای برگزار کنندگان‌جشنواره‌قرار بوده که نمایشی‌هم‌از تیتراژهای فیلمها برپاشود. خوب تیتراژفیلم گرچه وابسته به‌فیلم است، اما درعین‌حال می‌توان ماهیتی مستقل نیز برایش‌قائل شد وبه‌تنهائی هم ارزیابیش کرد.

بالاخره سروتهی برای خودش‌دارد. ولی‌آنونس‌فیلم‌چه؛جز اینکه درحدیك «اشانتیون» دهن‌آدم‌راآب بیندازد . (وآنهم دهن آدم «تشنه‌لب» را!) ، ومگرواقعا چیزی بیش از نمایش بی‌تداوم چند تاعکس متحرك‌است؛. البته من‌ازدید یك تماشاگر یك سینما روی معمولی به‌قضیه نگاه می‌کنم. منکر این نمی‌شوم کـه چنین جشنواره‌ئی وتماشای ۷۵ تاآنونس فیلم می‌تواند بهره‌هائی به‌آدم هائی‌که دارند کار سینما می‌کنند برساند، برای دانشجویان خود مدرسه عالی سینما وتلویزیون می‌تواند جالب باشد. حتی می‌توان آنها را برای دانشجویانی‌که درس «بازاریابی» هم دارند نمایش داد! وبهترین استفاده را می‌شود ازنمایش آنونسهای‌خارجی‌برای حضرات «آنونس درست‌کن» خودمان‌گرفت وبهشان‌گفت که‌اینقدر آنونسهایشان‌راطولانی و«حوصله‌بر» نسازندواینقدرگوینده‌هایشان را واندارندکه جیغ وداد الکی‌راه بیندازند.... ولی‌اینهاهیچکدام مساله بندهٔ تماشاگرمعمولی سینما را حل‌نمی‌کنند، خیلی چیزهای دیگر هم هست کـه بار هیچ گره‌ئی ازکـار فروبسته بنده نوعی نمی‌گشاید .

مثلا اینکه وقتی‌درسفرهٔ ماهیچ‌خبری‌ازشام و نهـار نیست اینهمه‌آفتابه لگن‌برای چیست؛ نه‌خودمان سینمای خوبی داریم و نه‌می‌گذارندکه سینماهای‌خوب‌را ببینیم (یالااقل خوب‌ببینیم) ، و آنـوقت اینهمه فستیوالهای ریز و درشت داریم !... چشم به‌راه فستیوالهای فرخندهٔ دیگری هم‌باشیم و برای‌آنهاهم‌هورا بکشیم .

عشق Szerelem

«کارولی‌ماك»فیلمساز۴۷ ساله مجارستانی، گرچه‌درایران با این‌فیلم‌شناخته‌می‌شود، ولی‌پیش ازاین ده یا نزده‌تائی‌فیلم‌ساخته که‌چندتائی ازآنها درشمارشاهکارهای سینمای مجارستان یادآور می‌شوند ،بخصوص‌که «ماك» دردهه اول۱۹۵۰ باساختن‌چندفیلم به‌صف اول فیلمسازان‌مجاری پیوست و نام خـودرا نزد منتقدین غربی‌بلندآوازه‌کرد. ازاین‌فیلمها ماهیچکدام‌راندیده‌ایم وتماشای

فیلم «عشق» که خبر ازیك فیلمساز متشخص و صاحب سبك می‌دهد، تأسف عمیقی بابت ندیدن این فیلمها درما برمی‌انگیزد.

«عشق» (۱۹۷۱) قصه تلخی ازعلائق و دلبستگی‌هائی است که چون درواقعیت نمی‌توانند آماجهای خود را پیدا کنند، راه بسوی رویا وفانتزی می‌برندوحصارظریفی ازفانتزی دراطراف آدمهای شیفته وعاشق می‌تنند. دوزن، مـردی را به‌شدت‌دوست‌دارند، اولی مادراوست ودومی همسراو. مرد، زندانی سیاسی‌است. این واقعیتی است که تنها همـسراومی‌داند وهم‌اوست که نامه‌هائی‌ازسوی‌شوهرش جعل می‌کندوآنها رابرای مادرمحتضر ومشرف به‌موت می‌خواند. این نامه‌های موهوم خبرازآن‌دارند که‌مرد به‌امریکا رفته‌ودرآنجا یك کارگردان‌موفق فیلم شده است. این‌خبرها رویاهائی لذتبخش برای پیرزن بیمار می‌سازند.

رویاهائی که نشانه‌هائی ازگذشته‌های خوش خود وی‌نیز در آنها منعکس‌است. کاراکتر این پیرزن(که نقشش توسط «لی‌لـی دارواس» بازی می‌شود) شباهت زیادی به‌کاراکتر پرفسور **«توت فرنگی‌های وحشی»** برگمان‌دارد . این هردوکاراکتر، درلحظه های بخصوصی از زندگیشان تسلیم «رویا» می‌شوند و می کـوشند واقعیات راآنسان‌که خود دوست‌دارند ، بنگرند. اما در شرایطی که کاراکتر پروفسور فیلم‌برگمان، تنهادرخدمت ارائه برداشتهای متافیزیکی‌برگمان ازمسائل‌مربوط به‌عشق‌های رویائی و«زیستن» های خواب‌آلود بود «کارولی‌ماك» در **«عشق»** ازطریق کاراکتر پیرزن ورویاهای او. تصویرهای روشنی اززندگی درجوامع مرفه غربی ـ دنیای‌آنسوی دیوارها ـ ارائه می‌دهد تصویرهائی کهـ‌به گونه‌ئی حیران‌کننده ـ گاه‌ستایش «ماك» وگاه هیچ‌انگاشتن ورد ارزشهای اخلاقی وفرهنگی‌این‌جوامع راازدیدگاه‌منعکس‌اومیکنند سکانسهای‌طولانی (نخستین‌سکانس‌فیلم،۲۵دقیقه به‌طول‌می‌انجامد وگفتگوی‌سه کاراکتررادریك اطاق نشان می‌دهد) ونیزقلت تعداد کاراکتر های فیلم(سه کاراکتر اصلی‌ویك‌مستخدمه) به‌فیلم دریك نگاه ظاهری نمائی تئاتری می‌دهند ، اماقطع های‌سریع «ماك» و بخصوص استفاده مرتبی که ازسکانسهای‌فانتزی‌می‌کند چنین‌نمائی را ازمیان می‌برند .

ماك درپرداخت فیلمش، استیل کاملا مناسب و درخـوری اتخاذ می‌کند، خلق یك‌ریتم روان وآرام، بیان‌سلیس و موجز و هیجان برانگیز، تاکیدهای مداوم براشیاء ظاهرا بـی‌اهمیت صحنه مثل‌آن‌کتاب‌های روی‌تخت پیرزن ویاآن بشقابی‌که یك سیب دو نیمه‌شده ویك‌کارد درآن قرارگرفته‌اند ، ونیزاستفاده از دیالوك های بسیارساده وبازظاهرا بی‌اهمیت (مثل‌جـائیکه «ایرن» بـه لوکا می‌گوید« پیرزن‌دوبشقاب دیگرراهم شکست حالاازیکدست بشقاب، چهارتایش راازدست داده‌ایم» و یاجای دیگرکه می‌گوید «پیرزن‌چشمهایش را می‌بندد وبه خودش دروغ می‌گوید») .

همچنین درتمامی صحنه‌های مـربوط بـه پیرزن ، شاهد میزانسن‌هائی سردوبیروح وخالی اززندگی هستیم و این صحنه‌ها تضادآشکاری‌راباصحنه‌های‌بیرونی فیلم منعکس‌می کنندواین هماهنگی و تضادی است که خودوپیرزن‌هم به عنوان یك‌کاراکتر خوابزده باقضای زنده بیرون ازاطاق خانه‌اش دارد .

یکی ازموثرترین صحنه‌های فیلم، صحنه اختتامیه‌آنست که «یانوس»(ایوان‌داروباس)اززندان‌آزادمی‌شود وبه‌خانه بازمیگردد یانوس تردید دارد که همسرش هنوز علاقه خودرا به‌وی حفظ کرده باشد. بهمین خاطر مرتبا ازوی سئولاتی برای‌مطمئن‌شدن‌می کند «همیشه‌توی ذهنم داشته باشی؟ با من‌می‌خـوابی؟ همیشه بامن میمونی؟» درچنین شرایطی که یك «عشق» واقعیت زنده و غیر معلق خودرا بازمی‌یابد، لوکا بالحنی‌تلخ و غمزده، خبرمرگ پیرزن‌را بهیرش می‌دهد .



● عشق



● کاملیا ۲۰۰۰

★ کاملیا ۲۰۰۰

ورسیون سکسی مدرنی که «رادلی متزگر» براساس نوول معـروف «مادام‌کاملیا» آلکساندر دوما ساخته است، بطور غیر منتظره‌ئی فیلم بدی‌نیست. غیرمنتظره ازآن جهت که‌آدم قبل‌از دیدن فیلم تصورمی‌کندکه عده‌ئی دورهم جمع‌شده‌اند و براساس یك‌داستان رومانتیك آکنده‌ازاحساسات رقیقه‌ایکه قرن‌قبل‌نوشته شده، اماهنوزهم درخور پسندتوده‌است، فیلمی‌درجهت‌گرایشهای سکسی سینمای روزساخته اند .

آدم‌گرچه پس‌ازتماشای‌فیلم‌هم وجود چنین هدفی‌راانکار نمی کند، امادرعین حال‌تصدیق می کند که‌شعوریك کارگردان فهیم پشت‌فیلم‌بوده، وازاینرو، فیلم‌چیزی سوای سکسی‌های مبتذل و رایج روزازکار درآمده‌است.

«رادلی متزگر» کوشیده‌است که‌اسکلت داستان اصلی رادر فیلمش‌حفظ کند. تنهازمان‌فیلم‌است که به‌سال ۲۰۰۰ منتقل شده‌است وتغییراتی‌هم که‌درداستان‌اصلی‌داده‌شده‌ـ که‌تغییراتی حاشیه‌ئی و نه چندان‌مهم‌هستندـ ازهمین‌انتقال‌زمان‌ناشی‌شده‌است(مثلادرداستان اصلی، مارگریت‌گوتیه‌به‌مرض‌سل‌می‌میرد، ولی‌دراین‌فیلم اعتیاد به موادمخدر اورا ازپادرمی‌آورد. خوب، مردم این‌روزها بیشتر به موادمخدرمیمیرندتابیماری سل!)

بقیه‌درصفحه ۳۴


حیف که از تعارف گذشته
وگرنه می گفتم بفرمائید.
کانادافراست پرتقالی
باطعم و مزه عالی در تابستان معجزه میکند
تهیه شده درکارخانجات لبنیات پاستوریزه پاک

اونیورسال از دوهفته دیگر در گروه من بور به روی اکران خواهد آمد.

درخوشگذران که بکارگردانی نصرت‌اله‌وحدت توسط عزیز رفیعی در تهران وشمال فیلمبرداری شده وحدت، پوری بنائی، ژاله کریمی، مهری، سرور رجائی، علی‌زاهدی اسدزاده و چهره جدید سایه و شهراندامی شرکت دارند.

مظفر

● یکی از محصولات در دست تهیه گروه آزاد نمایش که بجز یکی دوسکانس کلیه صحنه های آن فیلمبرداری شده است «مظفر» نامدارد که بکارگردانی ظلی توسط برومند فیلمبرداری میشود. دراین فیلم که تهیه کننده آن پرویز صیاد است پرویز صیاد، مری آپیک، نوذر آزادی پروین دولتشاهی، جهانگیر فروهر آپیک، محمود بهرامی، علی‌زاهدی محمد گودرزی وعده‌دیگر شرکت دارند.

صدای صحرا ادامه دارد

● فیلمبرداری یکی از محصولات در دست تهیه شرکت سهامی سینماتئاتر رکس موسوم به «صدای‌صحرا» که‌مدتی است توسط نصرت‌اله کنی در ترکمن‌صحرا آغاز شده‌است کماکان ادامه دارد.

دراین‌فیلم که سناریست و کارگردان آن ابراهیمی است و بطور رنگی تهیه میشود منوچهر احمدی، منوچهر فرید، نگار، گرگین، ژاله و جمشید مشایخی شرکت دارند.

کجکلاخان شروع میشود

● تاچند روزدیگر فیلمبرداری کارتازه صابر رهبر موسوم به کجکلاخان در تبریز توسط واهاك شروع میشود بهمین جهت اکیپ‌سازنده این‌فیلم‌رهسپار تبریز خواهدشد.

بیك ایمانوردی، هاله، سیامك اطلسی ومهری ازجمله‌هنرپیشگانی هستندکه دراین فیلم شرکت دارند.

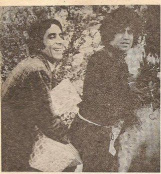
برنامه های آینده

● گروه آسیا که این هفته فیلم «ناخدا» رانمایش خواهیداد چند برنامه‌آینده خود را باین ترتیب‌تنظیم نموده‌است ، بیقرار نامحرم، حریص‌وخروس فیلمهای مروارید ودشمن را نیز بزودی‌در این‌گروه خواهیم دید .

گروه نیاکارا که این‌هفته فیلم «باجناق» را نمایش خواهد داد چندبرنامه‌آینده‌خودرا باین ترتیب تنظیم‌نموده‌است آقامهدی کله‌پز، نعمت‌نفتی، سراب، حرفه‌ای و گروه اونیورسال نیز که این هفته فیلم شلاق را نمایش میدهد برنامه های‌آینده خودرا باین ترتیب تنظیم نموده‌است خورشید درمرداب، خوشگذران ، صمدبه مدرسه میرود. طاهر ، غریب و چند فیلم دیگر...

منفردزاده مشغول خاك است

● این روزها اسفندیار منفردزاده که از ساختن موزیك متن فیلم «نفرین» رهایی یافته است‌مشغول ساختن موزیك متن برای فیلم «خاك» است‌که قرار است بزودی در استودیو میثاقیه ضبط‌شود. دراین‌فیلم که سناریست و کارگردان آن مسعود کیمیائی و فیلمبردارش نعمت حقیقی است بهروزوثوقی جمفروالی، فرزانه تائیدی، جلال ، پروین‌سلیمانی. گارسیا ، گرجی ، گیتی‌فروهر ، نظام شفائیان و فرامرز قریبیان شرکت‌دارند .



● پرویز صیادو نوذرآزادی درصحنه‌ای‌ازفیلم«مظفر»

چشم‌کارگردان مروارید ، آب مرواریدآورده

● اسماعیل‌پورسعید طنز نویس با سابقه مطبوعات ورادیو وکارگردان فیلمهای ایرانی که اخیرا فیلم«مروارید»راباشرکت منوچهر وثوق. بهمن مفید، هاله آرزو، عبدی، کارمن و مرتضی عقیلی برای اسکار فیلم دربندر عباس ساخته‌است‌یکی‌ازچشمهایش آب‌مروارید‌آورده‌است وبادستور دکتر بزودی تحت عمل جراحی قرارگرفت .

شیخ صالح در اصفهان

● تا چند روز دیگر سازندگان‌فیلم سینماسکوپ‌رنگی «شیخ صالح» محصول تازه پارس فیلم جهت تهیه قسمتهائی از این فیلم رهسپار اصفهان خواهندشد

در این فیلم‌که سناریوی آن‌را سهیلانصر نوشته و بکارگردانی امان‌منطقی توسط محمود کوشان فیلمبرداری‌میشودناصرملك‌مطیعی سپیده، جمشید مهرداد، حسن رضائی، مهدوی، حسن‌محمدی و عده‌ای دیگرشرکت دارند. برای این‌فیلم‌انوشیروان‌روحانی‌موزیك می‌سازد .

فیلمهای بعدازامتحانات

● ازهفته آینده که‌امتحانات مدارس‌تمام خواهدشد چند فیلم برگزیده‌ایرانی بتدریج‌در گروه های مختلف‌نمایش‌دهنده‌فیلمهای ایرانی‌بروی‌اکران خواهندآمد. سینمای کاپری فیلم«قیامت‌عشق» اولین‌ساخته‌ی‌هوشنك حسامی را نمایش‌میدهد گروه نیاگارافیلم‌های «باجناق» محصول‌سازمان سینمائی‌سپنتا «آقامهدی کله‌پزو

نشریه هفتگی ، فیلم و هنر
صاحب امتیاز و مدیر ، عبدالمجید رمضانی
آدرس اداره : ابتدای روزولت ـ شماره ۲ ـ آپارتمان شماره ۱۰ ـ شماره صندوق پستی : ۱۹۴۷
تلفن اموراداری : ۸۲۹۹۷۱ تلفن هیئت تحریریه : ۸۳۲۶۳۵
چاپ تهرانمصور (تلفن ۳۱۵۱۸۰) گراور از : جواهری (تلفن ۳۱۴۳۱۱ ـ ۳۹۲۴۱۱)
روی‌جلد : مرجان (ستاره فیلم: سراب)

نعمت نفتی» دو محصول جدید پارسا فیلم و «سراب» محصول سازمان سینمائی زورک را نمایش خواهد داد، گروه آسیا فیلم‌های «ناخدا» از امیر شروان و محصول سینما تئاتر رکس «دشمن» از خسرو پرویزی و محصول فیلکو فیلم را نمایش میدهد و گروه او نیو رسال فیلمهای «خورشید در مرداب» از م صفار و محصول سازمان سینمائی نگاه بیقرار رنگی محصول سازمان سینمائی تخت جمشید «گدای ملیونر» از محمود کوشان محصول پارس فیلم «غریب» از سر کوب و «طاهر» از بزرگی دو محصول دیاموند فیلم را نمایش خواهد داد.

قریب و سپیرا فیلم

● شاپور قریب که اینک فیلم خروس را با شرکت سعیدراد ایرن و داود رشیدی آماده نمایش دارد قبل از آنکه برای آریانا فیلم کار گردانی فیلمی را آغاز نماید برای سپیرا فیلم از روی سناریوی تازه‌ای که نوشته است کار گردانی فیلمی را آغاز مینماید که بازیگر نقش اصلش بهروز وثوقی و فیلمبردارش خانی است نام این فیلم هم هنوز معلوم نیست

واروژان وخروس

● واروژان برنده جایزه سپاس امسال بخاطر ساختن موزیك متن فیلم «صبح روز چهارم» اخیرا برای فیلم «خروس» محصول شرکت سهامی سینما تئاتر رکس موزیك متن ساخته است. این فیلم رنگی را شاپور قریب از روی سناریوئی که خود نوشته است کار گردانی کرده ودر آن سعیدراد، داود رشیدی، ایرن، سپیده و منوچهر احمدی شرکت دارند. خروس را کنی فیلمبرداری کرده‌است و بزودی به‌روی اکران خواهد آمد.



● پوری‌بنائی، شیر اندامی، نصرت‌اله وحدت و میری درصحنه‌ای ازفیلم «خوشگذران

زنبورك

● فیلم «زنبورك» ساخته‌ی فرخ غفاری که مدتی‌است آماده نمایش است و بخاطر شرکت دریك فستیوال خارجی نمایش داده نشده است بزودی به‌روی اکران خواهد آمد. در این‌فیلم رنگی که محصولی است‌از گروه آزاد نمایش وتوسط هوشنك بهارلو درشیراز فیلمبرداری‌شده است پرویز صیاد، پوری‌بنائی، شهناز تهرانی، صادق بهرامی، جهانگیر فروهر و... نوذر آزادی شرکت دارند



● پرویزصیاد- فرخ‌لقاهوشمند درصحنه‌ای از فیلم صمد به‌مدرسه‌میرود.

دوفیلم تازه رادیو تلویزیون ملی ایران

● مرکز سینمائی رادیو و تلویزیون ملی‌ایران که گهگاه از وجود کار گردانان جوان بهره گرفته وفیلم‌هائی تهیه مینماید اخیرا تهیه دوفیلم تازه را طرح ریزی نموده که بزودی جلوی دوربین‌خواهدرفت. یکی از این فیلمها «آشغالدونی» نامدارد که مهرجوئی سازنده آن است ویکی دیگر «طوطی» نامدارد که سازنده‌اش ذکریا هاشمی‌است در آشغال دونی علی نصیریان و عزت‌الله انتظامی رلهای اصلی را بازی میکنند و فیلمبردارش هوشنك بهارلواست و درطوطی که فیلمبردارش نعمت‌حقیقی است بهروز وثوقی ایفاگر نقش اصلی‌است.

قصه شب

● تا کنون قسمت‌های عمده‌ای ازفیلم‌جدید «فردین» به‌نام «قصه شب» فیلمبرداری شده است. در این فیلم «بیك ایمانوردی، فردین و ملوسك» نقش های اساسی را بر عهده دارند. فردین در غیاب بیك! قسمت‌های فیلمبرداری شده را مونتاژ میکند.



● «ملوسك، ستاره فیلم «قصه شب»

آهنگهای روز از نظر کاریکاتوریست فیلم‌وهنر

ایرج زارع

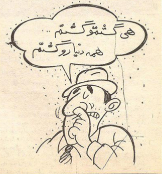
باآهنك : عارف



باآهنك : وفا



باآهنك : پوران



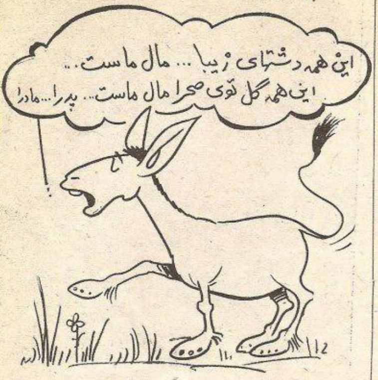
باآهنك: منوچهر



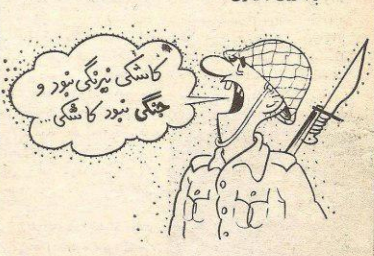
با آهنگ : عهدیه



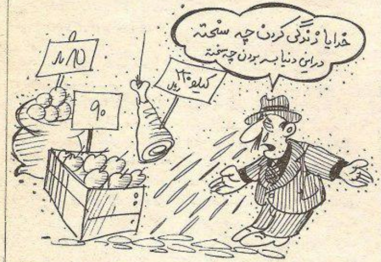
با آهنگ : وفا



با آهنگ : عارف



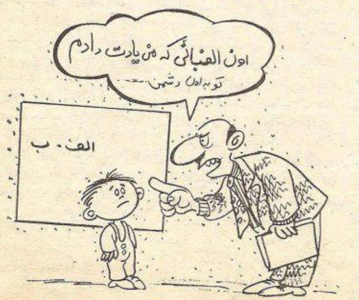
با آهنگ : عارف



با آهنگ : عهدیه

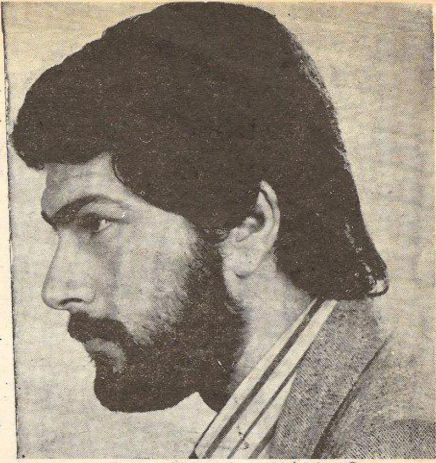


با آهنگ :فیروزه



آخرین قسمت از گفت‌وگو با «تقی مختار» (۴)

نفوذ بازیگر جوان، به سینمای ایران، از نفوذ به یك دژ محکم نظامی مشکل تر شده است.



✿ بسیاری از تهیه کنندگان فقط با آکتورهای قدیمی و با سابقه کار می کنند و حاضر نیستند حتی لحظه‌ای هم به هنرپیشه‌های جوان فکر کنند!

● بعد از تمام این تجربیاتی که بدست آورده‌ای، حالا سینما را چگونه می‌بینی وچه تفاوت هائی با روزگار قلم زنی و نقد نویسی در خصوص فیلم، در خودت حس می‌کنی؟

مختار — من بارها به خیلی از دوستان نویسنده هم گفته‌ام، تا وقتی کسی مستقیماً در جریان فیلمسازی کشور قرار نگیرد، نمیتواند قضاوت درستی در این باره داشته باشد. البته خیلی‌ها هستند که سالهاست دست اندر کار این حرفه‌اند ولی باز هم نظر درستی درباره آن ندارند. منظور من کسانی است که بهرحال قضایا و مسائلی را با دید تحلیلی وارزیابی کننده‌ای نگاه می کنند. من درباره سینمای حرفه‌ای کشورهای دیگر جز پاره‌ای مطالعات پراکنده چیزی نمیدانم، ولی در باره سینمای خودمان می‌توانم صراحتاً بگویم که فیلمسازی در کشورما یك کار کاملا تجارتی وحرفه‌ای است. و شاید درست هم همین است، چون سینما کار پر خرجی است و کار کردن برای دل‌وادا واصول هنری در آوردن وبه تجربه پرداختن جز شکست وزیان هیچ نتیجه‌ای ندارد. چون کار من بازیگری است، پس سعی می کنم فقط درباره حرفه خودم حرف بزنم.

نفوذ و استقرار در سینمای فارسی، برای یك بازیگر جوان، از نفوذ به یك دژ مستحکم نظامی هم مشکل‌تر است. در حال حاضر همه تهیه کنندگان فقط به سه‌چهار نفری که سالهاست درسینما استخوان خرد کرده وصاحب نام وزانی شده‌اند، فکر می کنند. آنها حاضرند با این چند نفر فیلم های گران قیمت ودر نتیجه بی حاصل وگاهی اوقات هم زیان دهنده بسازند ولی هرگز حاضر نیستند که به جوانها فکر کنند. سینما تاتر نیست که اگر تو استعداد و جوهری داشتی با تکیه به آن بتوانی خودت را نشان بدهی. در تئاتر اگر یك نقش کوتاه هم داشتی، وقتی آمدی روی صحنه دیگر کسی قادر به کنترل تو نیست و با همان نقش کوتاه می‌توانی خودت را نشان بدهی، اما سینما اینطور نیست. نماها جدا جدا وحسابگرانه گرفته می‌شود. و تازه پس از تمام این قضایا سر میز مونتاژ آقای کارگردان می‌تواند هزار بلا سر تو بیاورد.

تمام فیلمهای پرخرج وبا اهمیت — ازنظر تجاری — با آکتورهای قدیمی ساخته میشود. کارگردانهای جا افتاده، فیلم برداران مجرب وبازیگران دور و اطراف همه درخدمت آکتور اول هستند، ولی وقتی فیلمی با شرکت من ویا بازیگر جوان دیگری ساخته میشود، دیگر کسی حاضر نیست به حرف هایت گوش کند. یك فیلم بردار ارزان قیمت ویك کارگردان جدید و ناوارد و چند بازیگر فراموش شده را دوروبرت می گذارند و تصمیم میگیرند که یك فیلم «لائی» بسازند.

تمام فیلمهائی که من بازی کرده‌ام — جز یکی دوتا البته — همه با بودجه‌های کم و مخارج اندك ساخته شده ولی درعین‌حال هیچوقت هم ضرر نکرده است، اما تهیه کننده‌ها همیشه فروش های یك میلیونی آن چهار بازیگر قدیمی را در نظر دارند، حتی اگر بارها و بارها این فیلمها ضرر داده باشد.

ازطرف دیگر سابقه داشتن وقدیمی شدن هم درسینمای ما خیلی مهم است. طبیعی است که یك آکتور حرفه‌ای که بیست وچند سال سابقه هنری دارد و دو یا سه نسل او را میشناسد، شهرت بیشتری ازمن داشته باشد، ولی درسینما فقط شهرت داشتن کافی نیست. یك بازیگر باید سوکسه هم داشته باشد. من فکر می کنم اگر تهیه کننده‌ها آمار دقیقی ازمردم بگیرند متوجه خواهند شد که آنها چهره های جوان را هم خیلی دوست دارند ولی متاسفانه هربار فیلمی از آنها ساخته شده، به دلایلی که گفتم ازنظر فروش در رده‌های پائین‌تری قرار گرفته است.

موضوع دیگر اینست که بازیگر باید آنقدر فیلم بازی کند تا خوب شناخته شود. مروری در فیلمهای همین چند بازیگر قدیمی نشان خواهد داد که آنها واقعا در چه فیلمهائی بازی کرده‌اند، اما مردم ومنتقدین از جوانهائی مثل من توقع دارند. آنها میل دارند، تمام فیلمهای ما شاهکار وبا ارزش باشد، در حالیکه من فکرمی کنم اول باید وجود داشته



★ «تقی مختار»، درصحنه‌ای دیدنی و گیرا از آخرین فیلمش «بدکاران»، که آنرا در آریانا فیلم بازی کرده واحسانی کارگردان وفیلمبردارش می‌باشد.